

سرگذشت تأسفاتبار

«سمینار تأمین آزادی انتخابات»

«تشکیل اجتماعات و راهپیمایی طبق اصل ۲۷ قانون اساسی آزاد است ولی برگزاری آن در پارکها، میادین و معابر عمومی منوط به کسب مجوز از وزارت کشور است.» تبصره ۲ ماده ۶ قانون احزاب مصوبه مجلس شورای اسلامی

قرآن:

الذین یتبعون الرسول النبى الامى الذى یجدونه مکتوباً عندهم فى التوریه والانجیل یامرهم بالمعروف وینهیهم عن المنکر و یحل لهم الطیبات و یحرم علیهم الخبائث و یضع عنهم اصرهم والاغلال التى کانت علیهم ... (رحمت خدا در سرنوشت برای کسانی است که) از پیامبر امی که (نام و نشان) را در تورات و انجیل نگاشته می‌یابند پیروی کنند (رسولی) که آنان را امر به معروف و نهی از منکر نموده پاکیها را بر آنان حرام می‌سازد و سنگینی (بار اسارت) و بندهای (بردگی) را از آنان برمی‌گیرد... اعراف - ۱۷۵

پیامبر اسلام (ص):

ان رسول الله قال صنفان من امتی لانصیب لهم فى الاسلام الغلاة و القدریه. همانا رسول خدا فرمود دو دسته از امت مرا بهره‌ای در اسلام نیست، غلاة (گزاف‌گویان) و قدریه (کسانی که به آزادی و اختیار انسان اعتقادی ندارد). وصال صدوق

علی(ع):

لاتکن عبداً لغيرک و قد جعلک الله حراً
بنده (فرمانبر بی‌چون و چرای) دیگران مباش که خدا تو را آزاد آفریده است. نهج‌البلاغه

از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

اصل دوم - جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به ... کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا...

اصل سوم - دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه

امکانات خود را برای... تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون، و مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش... به کار برد.

اصل نهم - ... هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادیهای مشروع را، هرچند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.

اصل بیست و هفتم - تشکیل اجتماعات و راهپیماییها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است.

بسمه تعالی

نهضت آزادی ایران

تاسیس ۱۳۴۰

خواننده عزیز!

آنچه در این مجموعه می‌خوانید داستان اسف‌انگیزی است که در آستانه انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی و پیرو تأکید حجت‌الاسلام خامنه‌ای رئیس محترم جمهوری بر آزاد بودن انتخابات، در روز روشن و در برابر دیدگان عده کثیری از مردم، صورت گرفته است و سپس با جرح و تعدیل و در مواردی حذف و تحریف از زبان دست‌اندرکاران بازگو شده است.

نکته قابل توجه این داستان این نیست که دفتر نهضت آزادی ایران مورد تهاجم عده‌ای از به اصطلاح «مردم» مسلح قرار گرفته، اسناد و اموال آن به غارت رفته و مسئولین و علاقمندان نهضت مضروب و مصدوم شده‌اند. این اولین بار نیست که چنین معاملاتی با نهضت و نهضتی‌ها شده باشد.

نکته مهم این است که علیرغم تأکیدات رئیس جمهوری و برخی دیگر از مسئولین در آزاد بودن انتخابات اولین آزمایش، خلاف این ادعا را نشان می‌دهد و مهم‌تر آن که برخی دولتمردان نیز از این آزمایش تلخ درس عبرت نمی‌گیرند.

نهضت آزادی ایران امیدوار است با تقدیم این داستان به هموطنان عزیز، باز هم، اهمیت تأمین آزادی انتخابات را یادآور شود و یکبار دیگر از مسئولان جمهوری اسلامی بخواهد که به خاطر رضای خدا و نجات خلق لحظه‌ای به آنچه که ناصحان دلسوز و عاشقان جانباز اسلام و انقلاب می‌گویند بیاندیشند، راه را از چاه تشخیص دهند، به بهانه حفظ انقلاب و جمهوری اسلامی، ایجاد اختناق و جلوگیری از آزادی نکنند و اطمینان داشته باشند که جمهوری اسلامی و استقلال کشور بدون آزادی ملت قابل دوام نیست و آن هدف مقدس این وسیله غیرمشروع را توجیه نمی‌کند.

اگر دولتمردان حقوق قانونی ملت و آزادیهای مشروع را که در قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است به مردم بازگردانند از همکاری همه اقشار مردم، از جمله اعضاء و علاقمندان نهضت آزادی ایران برخوردار خواهند بود. در غیر این صورت همان‌طور که آیت‌الله العظمی منتظری در ملاقات با ائمه جمعه و مسئولین استانهای اصفهان و چهارمحال بختیاری گفته‌اند:

«بسیاری از نیروهای متدین و با کفایت به خاطر جهالت و یا شیطننت بعضی افراد مرموز در بعضی ارگان‌ها و بازار به تدریج منزوی و از صحنه خارج می‌شوند» و: «این جریان اگر ادامه پیدا کند به انقلاب ضربه می‌زند و انقلاب را از داخل پوچ می‌کند.»

و چنین مباد.

ربنا اتنا من لدنک رحمه و هیئی لنا من امرنا رشداً

نهضت آزادی ایران

آذرماه ۱۳۶۲

نهضت آزادی ایران

تاسیس ۱۳۴۰

۱- پیشگفتار

نهضت آزادی ایران بنا بر انگیزه و اعتقاد دینی و به عنوان بخشی از اقیانوس بیکران ملت در انقلاب اسلامی و استقرار جمهوری اسلامی شرکت فعال و مؤثر داشته و به قانون اساسی، علیرغم برخی ایرادات و اشکالات آن، رأی مثبت داده و خود را در حفظ و اجرای تمام و کمال آن موظف و متعهد می‌داند. نهضت این اعتقاد را در قطعنامه‌ها و خط مشی و بیانیه‌های سیاسی خود به کرات منعکس نموده است.

بر اساس این اعتقادات پس از تصویب قانون احزاب و سپس آیین‌نامه اجرایی آن، نهضت بلافاصله اقدام و مدارک مورد درخواست مقامات مسئول از قبیل مرامنامه، خط مشی، قطعنامه‌ها و انتشارات و اسامی مسئولان اصلی خود را برای آنان ارسال داشت.

نهضت آزادی ایران سازمانی اسلامی با فعالیت علنی است. کلیه انتشارات آن نه تنها برای مسئولان زیربط بلکه برای سایر مقامات مسئول کشور نیز فرستاده می‌شود.

فعالیت‌های نهضت آزادی علنی و اطلاعات مربوط به آن در دسترس عموم است. کلاسها و جلسات بحث و انتقاد و سخنرانی‌ها علنی و شرکت در آنها برای عموم آزاد است.

برنامه اجتماعات عمومی که در دفتر نهضت اجرا می‌شود از قبل به اطلاع وزارت کشور و مقامات زیربط می‌رسد.

معدلک و با نهایت تأسف به علت تحریکات و تبلیغات مداوم بارها دفتر مرکزی نهضت مورد حمله و هجوم عناصر شناخته شده و یا ناشناس قرار گرفته است. افراد و اعضاء و مراجعه‌کنندگان به دفتر برخلاف قانون بازداشت و بازجویی شده‌اند. در حملات به دفتر نهضت، مهاجمین، اسناد و مدارک و اموال نهضت را به یغما برده‌اند. به عنوان نمونه در شب قدر (۲۱ رمضان ۱۴۰۲) شرکت‌کنندگان در مراسم نیایش مورد حمله مسلحانه، ارباب، فحاشی، اهانت و دستگیری واقع شدند و مهاجمین اسناد و اموال نهضت را به زور و برخلاف قانون به یغما بردند. گزارش عملیات شرم‌آور آن شب تحت عنوان «لیلة القدر» توسط نهضت منتشر گردید.

در هر مورد ما بر اساس حقی که اسلام و اصل ۳۴ قانون اساسی به شهروندان داده است اعتراض کرده و به مقامات صالح شکایت برده‌ایم و علیرغم بی‌حرمتی‌ها و قانون‌شکنی‌ها سعی کرده‌ایم که حرمت و اعتبار و حیثیت جمهوری اسلامی، به ویژه در شرایط خاص زمان جنگ که انقلاب و جمهوری ما از جانب دشمنان راست و چپ مورد حمله قرار گرفته است رعایت گردد. اما متأسفانه در هیچیک از موارد فوق از طرف مقامات قضایی کشوری که مسئولین آن مدعی برقراری عدل علی(ع) هستند، اقدام موثری به عمل نیامده است و شاید بدین دلیل تحریکات هربار وسیع‌تر و شدیدتر از بار قبل، و خسارات نهضت آزادی ایران بیشتر از پیش بوده است.

در آخرین و شدیدترین حمله و تهاجمی که در تاریخ ۱۳۶۲/۸/۶ پس از برگزاری سمینار «تأمین آزادی انتخابات» صورت گرفت. بعضی از مسئولین نهضت و نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی که برای اعلام لغو برنامه در محل حاضر شده بودند مورد ضرب و جرح و اهانت قرار گرفتند، و کلیه اسناد و

مدارک نهضت از ساختمان خارج گردیده و مهاجمین با وارد ساختن خسارات معنوی و مادی عمده بر نهضت لطمه غیرقابل جبرانی بر اعتبار جمهوری اسلامی ایران وارد ساختند.

در این گزارش ابتدا هدفها و برنامه تشکیل سمینار «تأمین آزادی انتخابات» در محل دفتر نهضت آزادی را ملاحظه می‌فرمایید. آنگاه نحوه اطلاع به وزارت کشور و مقامات مسئول و چگونگی مخالفت وزارت کشور و متعاقباً لغو برگزاری سمینار، که صرفاً به خاطر رعایت دستور وزارت کشور بود را مطالعه می‌کنید. سپس جریان حمله به محل برگزاری سمینار که همان محل دفتر نهضت آزادی ایران است و مضر و مجروح نمودن بعضی از مسئولین نهضت که به منظور اعلام لغو برنامه و برای جلوگیری از اجتماع مردم در محل نهضت، در ساختمان حضور یافته بودند و سپس چگونگی تخریب اموال و خروج اسناد و مدارک تاریخی و تحقیقاتی و سیاسی نهضت آزادی ایران را خواهید خواند و بالاخره تلگرام‌هایی که جریان این حمله و تجاوز آشکار را به استحضار رهبر انقلاب، آیت‌الله منتظری و ریاست جمهوری و دادستان انقلاب اسلامی مرکز می‌رساند ملاحظه خواهید کرد و متعاقب آن نطق قبل از دستور یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی که در جریان حمله به دفتر نهضت به شدت مضر و گردیده بود و حوادث مجلس و پیامدها و اقدامات بعدی توجه شما را جلب خواهد کرد.

در این گزارش توجه ملت عزیز و مسئولین کشور را به آفت بزرگی که منشأ این گونه قانون‌شکنی‌ها و تجاوزهاست جلب نموده، اهمیت رعایت اصول و موازین شرع و قانون اساسی و احترام به حقوق ملت که خونبهای هزاران شهید گلگون‌کفن است را یادآور می‌شویم و از خداوند رحمن توفیق همگی را در رعایت و اجرای قانون مسئلت می‌نمائیم.

۲- علت تشکیل سمینار «تأمین آزادی انتخابات»

با توجه به نقش اساسی مجلس شورای اسلامی در بقاء و رشد و تعالی جمهوری اسلامی ایران و با توجه به ضرورت انتخابات آزاد و صحیح برای چنین مجلسی، و با نزدیک شدن پایان دوره اول مجلس شورای اسلامی، از حدود سه ماه قبل ضرورت آماده شدن ملت برای انتخابات نمایندگان دوره دوم مجلس شورای اسلامی در سخنان، مصاحبات و نوشته‌های مقامات و مسئولین کشور آغاز گردید. ریاست جمهوری که از پایه‌گذاران و دبیرکل حزب جمهوری اسلامی نیز هستند، در ۱۷ مرداد ماه گذشته در دیداری با دبیران و مسئولین حزب جمهوری استانها در مورد انتخابات دوره آینده مجلس اظهار داشتند:

«... در این انتخابات مجلس شورای اسلامی مردم منتظرند ببینند حزب چه می‌گوید و حزب بایستی آن چیزی را بگوید که مردم بعداً پشیمان نشوند... الان یک عده از برادران دارند کار می‌کنند روی این مسئله (روی مسئله انتخابات) انتخابات ما باید یک انتخابات الهی باشد. برادران به شما تأکید می‌کنم در مورد اشخاص، در مورد شخصیت‌ها، در مورد مطالب هیچ تعصبی به خرج ندهید تعصب را نسبت به حق و حقیقت به خرج بدهید...» (روزنامه جمهوری اسلامی - ۱۳۶۲/۵/۱۸)

متعاقب سخنان دبیرکل حزب جمهوری و رئیس جمهور در تاریخ ۲۰ مرداد ۱۳۶۲، آقای مهندس بازرگان طی نطق قبل از دستور خود در مجلس اهمیت اساسی و حیاتی انتخابات آزاد را برای بقاء و رشد و اعتبار جمهوری اسلامی ایران بیان داشتند. که متأسفانه با واکنشهای زشت و زنده و حملات متعدد در

روزنامه‌های حزب جمهوری و سایر نهادها روبرو شد.^۱ اما پس از اطمینانهایی که از طرف رهبر انقلاب و آیت‌الله‌العظمی منتظری و ریاست جمهوری در ارتباط با وجود آزادی صحیح و انتخابات آزاد دوره آینده به ملت داده شد، نهضت آزادی ایران تصمیم گرفت سمیناری در ساختمان دفتر نهضت، به منظور بررسی حقوق و آزادیهای ملت که در فصل سوم قانون اساسی تصریح شده است و بیان شرایط لازم برای تأمین آزادی انتخابات، برگزار نماید.

انگیزه و هدف از برگزاری چنین سمیناری انجام رسالت اصلی نهضت بر اساس اعتقاد به قرآن و اسلام و مصالح کشور و مرامنامه و خط مشی و قطعنامه‌ها بود که به روشنی در نطق پیش از دستور آقای مهندس بازرگان در مجلس شورای اسلامی بیان گردیده است. به منظور توجه بیشتر خوانندگان به هدف‌های سمینار، که بسیار مهم‌تر و وسیع‌تر از شرکت و یا موفقیت کاندیداهای نهضت آزادی در انتخابات بوده و بیشتر به بقاء و رشد و صلاح جامعه مربوط می‌شود. متن کامل آن، عیناً در اینجا آورده می‌شود.

نطق قبل از دستور آقای مهندس بازرگان

در مجلس شورای اسلامی جلسه مورخ ۲۰/۵/۶۲

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

بعد از سپاس و ستایش خدا و سلام و صلوات بر رسول مصطفی و بر سایر انبیا و اولیا و شهدا، درود و تبریک و دعا تقدیم کسانی می‌نمایم که در کشت نهال سه شاخه آزادی، استقلال و جمهوری اسلامی عشق ورزیده، تلاش کرده، مال و جان داده‌اند و در دفاع از حق و از حقوقمان شربت شهادت نوشیده، پیروزیهای معجزه‌آسا در جبهه‌های جنگ تحمیلی بدست آورده و می‌آورند. و همچنین سلام به رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی و به خدمتگزاران با حسن نیت در نهادها و در دولت همراه با نفرت و نفرین به صدام تکریتی و حامیانش در حملات و کشتارهای ددمنشانه سابق و به هموطنان عزیزمان در گیلان غرب.

در این نطق قبل از دستور می‌خواهم راجع به چیزی صحبت کنم که نه خودم به دلیل گذشت سن بهره‌مند از آن می‌شوم و نه شما فوریت و اولویت در آن می‌بینید، در حالی که ارزش حیاتی درجه یک برای مملکت و اهمیت اساسی و فوری برای انقلاب و جنگ و جمهوری اسلامی دارد: راجع به انتخابات مجلس آینده می‌خواهم صحبت کنم. ضمن آنکه هیچ خواسته‌ای خارج و خلاف قانون اساسی و سوگند نمایندگی ندارم.

1. برای گزارش کامل این جریان به نشریه «آزادی و انتخابات» رجوع کنید.

2. مشروح گزارش مجلس شورای اسلامی - جلسه ۵۰۲ - روزنامه رسمی کشور شماره ۱۱۲۲۳.

امیدوارم نمایندگان محترم با صبر و متانت لازم اجازه دهند عرایضم را در مدت کوتاه مقرر به اتمام رسانم و به حکم آیه شریفه‌ای که روبروی دیدگانشان در بالا سر هیئت رئیسه قرار دارد، از خردمندان خوشبخت هدایت شده خدا باشند که گوش به گفتار می‌دهند و بهترین را برمی‌گزینند.

مجلس حاضر ده ما دیگر آخرین سالگرد خود را جشن خواهد گرفت. من از هم اکنون بدون توجه به رفتارهای نامیمون که مشمولش بوده‌ایم، توفیق خدمت نمایندگان محترم و پایان اولین مجلس جمهوری اسلامی را به خواست خداوند به شما تبریک می‌گویم. ولی فراموش نمی‌کنم که پایان مجلس اول پرده آخر عمر مملکت و تحقق آرمان مشترک انقلاب و ملت نیست. نه می‌توان نسبت به مجلس آینده و انتخابات آن بی‌خیال و بی‌طرف نشست و نه باید تصور کرد که دشمن فراری منصرف از دسیسه‌بازی و مأیوس از مراجعت گشته است. بدیهی است که ملت رشید انقلاب کرده ایران و تجربه اندوخته از ۲۵۰۰ سال استبداد، انقلاب قهقرایی به نظام شاهنشاهی نخواهد کرد. کسانی که چنین خواب و خیال واهی در سر می‌پرورانند باید بدانند که به گفته سعدی:

کسی نیاید به زیر سایه بوم و رهمای از جهان شود معدوم

نهضت آزادی اولین گروهی خواهد بود که به مقابله با استبداد و رجعت طاغوتی خواهد پرداخت اما آرمان مشترک یعنی مثلث مقدس آزادی ملت، استقلال مملکت و استقرار حکومت اسلامی با دو اصل مقدس دیگر یعنی حاکمیت ملی و اجرای قانون اساسی مخمسی را تشکیل می‌دهند که پنج ضلع آن وابستگی ملازم متقابل با هم داشته حیات و قومشان در گروهی انتخابات آزاد می‌باشد. اگر ما مجلس آزاد مستقلاً نداشته باشیم که متعلق و منبعث از تمام ملت باشد دیر یا زود جمهوری اسلامی مانند سلف خود مشروطیت سلطنتی، با حفظ صورت و عنوان، تبدیل به نوعی استبداد و نظام طاغوتی متکی به استیلا خارجی خواهد شد. همیشه و در همه جای دنیا استبداد از روزی شروع شده است که یک شاه، یک خاندان، یک طبقه و حتی یک مکتب خواسته است ولو با حسن نیت و به قصد خدمت، خود را یگانه مالک، یگانه مسئول و یگانه مأمور بر سایرین تصور و بر جامعه تحمیل نموده، وقعی به رضایت و رأی مردم نهد. در حالی که مجلس‌های شورای واقعی و آزادی‌های اجتماعی آخرین و بلکه یگانه سنگ‌های استقلال کشورها و ضامن بقا و سعادت ملت‌ها هستند.

البته حاکم اصلی، مالک همگی و موکل بر همه چیز خدا است که احکامش را در کتاب و سنت به ما رسانده است ولی مالکیت و محافظت را به حکم «ولولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض» به خودمان واگذار فرموده، مردم و دولت را مسئول و حاکم مشاور و متعاهد یکدیگر قرار داده است.

برای جلوگیری از مصائب فوق و تحقق آرمان مشترک انقلاب، شما نمایندگان محترم و کسانی که زمام امور فعلاً در اختیارشان است، دو راه در پیش دارید:

(۱) اجرای انتخابات در شرایط و جو حاضر

(۲) انجام انتخابات واقعاً آزاد و ملی بر طبق قانون اساسی (یکی از نمایندگان جو حاضر چیست؟) بدیهی است که در شرایط حاکم و محیطی که روزنامه‌ها و رسانه‌های گروهی، راهپیمائی‌ها و اجتماعات، محاکم و منابر، نهادها و جمعه‌ها حالت انحصاری یک طرفه داشته، مخالفین و معترضین و غیرموافقین محروم از روزنامه و اجتماعات و سخنرانیهای عمومی هستند و در صورت نامزد انتخابات شدن نگران از حملات و

خطرات شدید خصوصاً در شهرستانها می‌باشند با چنین احوال و اشکالات هیچ انتخاباتی را، هیچ آدم منطقی و منصف، انتخابات آزاد نخواهد گفت. عکس‌العمل طبیعی و معنی‌دار مردم (قره‌باغ - شما فکرتان راحت باشد ما در آخر بحثمان را خواهیم کرد) اگر به حال خود گذارده شوند تعطل و تقلیل مشارکت است. بنابراین از پشت این تریبون اعلام می‌نمایم که انتخابات خالی از آزادی و نظارت ملی و مجلس حاصل از آن فاقد کمترین اثر برای اهداف فوق و عاری از اعتبار و ارزش از نظر شرعی و قانونی و حقوقی بوده، هر اکثریتی که آورده شود و هر ادعائی که از استقبالی و تأیید مردم بنمایند مردود و باطل است.

البته ممکن است کسانی از روی مصلحت‌اندیشی و یا منطق انقلابی، جنگ تحمیلی عراق، توطئه‌های داخلی و خارجی و سوءاستفاده‌ای را که ضدانقلاب از آزادی و اجتماعات می‌نماید علل موجهه برای شرایط استثنائی بدانند. ولی این سؤال پیش می‌آید که آیا منزلت اسلام و مصلحت جمهوری اسلامی اجازه می‌دهد همانند دوران پهلوی یا دولتهای کمونیستی و فاشیستی توسل به تظاهر و تصنع جست، به انتخابات در بسته و انحصاری رنگ آزادی و قانونی بزنند و آیا بهتر نخواهد بود با شهامت و صداقتی که شایسته اهل حق و ضامن یاری خداوند است اعلام حالت استثنائی و تعطیل مجلس و آزادی شود؟ قانونی بگذرانید و در فرآیند ملی از ملت اجازه بخواهید که تا حصول پیروزی و خاموش شدن آتش‌افروزی‌های خارجی مثلاً مجلس حاضر تمدید گردد یا اداره مملکت زیر فرمان ولایت فقیه و نظارت یک شورای انقلاب منتصب مجدد قرار گیرد؟ البته بنده چنین پیشنهادی نمی‌کنم ولی تعطیل موقت تصویب شده انتخابات را صدبار بهتر از انتخابات نادرست و آزادی ادعائی می‌دانم.

اما راه حل یا حالت دوم، یعنی انتخابات واقعاً آزاد این است که اسماً و رسماً به دور از تبعیض و تظاهر و از هم‌اکنون که چند ماه به زمان انتخابات مانده است اعلام و اجرای آزادی گردیده، اجازه نطق و نوشتن و گردآمدن آنطور که قانون اساسی و قانون مطبوعات مقرر داشته است به موافق و مخالف داده شود. همه افراد ملت در اظهار عقیده و انتقاد و اعتراض و در انتخاب نمایندگان خود آزاد باشند (شجونی - وقتی ملت رأی ندادند چکار کنیم؟) و از تهمت و تهدید و (همه نمایندگان) توقیف یا تکفیر و توهین برطبق قانون حمایت گردند. اگر انتخابات آزاد بلافاصله اعلام و شرایط آن تأمین نگردد نه فرصت لازم برای آگاهی و اطمینان مردم و آشنایی با نامزدها و نظریات فراهم خواهد شد و نه افراد و گروهها از عهده تدارکات لازم برخوردارند آمد. مضافاً به اینکه (رئیس - وقتتان تمام است) باز شدن سوپاپهای اطمینان و تبدیل محیط مسدود فعلی به محیط باز و برادری داری شفافبخش بسیاری از ناراحتی‌ها و نارضائی‌ها و بی‌تابی‌های دائم‌التزاید عمومی خواهد شد (رئیس - وقتتان تمام شد) و به همین دلیل تکیه بر ضرورت و فوریت آن کردم (رشیدیان - مرگ بر پدر منافقین) هنوز بنده می‌توانم به احتمال قوی ... (رشیدیان - خبیثی، واقعاً خبیثی).

رئیس - آقای مهندس وقتتان تمام است.

مهندس بازرگان - یک دقیقه دیگر به من وقت بدهید.

رئیس - یک دقیقه دیگر وقت می‌دهم.

یکی از نمایندگان - مرگ بر بازرگان.

رئیس - اجازه بدهید.

مهندس بازرگان - هنوز بنده می‌توانم به احتمال قوی اطمینان بدهم که بسیاری از نمایندگان محترم فعلی با انتخابات آزاد عام مجدداً به مجلس راه خواهند یافت و ملت پشتیبان و همکارشان خواهد بود. در خاتمه عرایض حضرات مسئولین و متولیان را در دولت و مجلس و نهادها خطاب کرده می‌گویم شما مختارید آزادی واقعی انتخابات را به شرحی که عرض شد بپذیرید و این امانت شرعی و مردمی یعنی حق مالکیت ملی را که در اختیارتان قرار دارد به حکم «ان الله یأمرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها» به ملت ایران برگردانده فرمان و پند الهی را اطاعت کنید یا آزادی را خلاف مصلحت دانسته تحمل و تأمین ننمائید. در صورت اول رضای خدا (رئیس - یک دقیقه وقتتان هم تمام شده) و رستگاری خودتان و پیروزی انقلاب و ملت را خواهید خرید و در صورت دوم خشم و خصومت مردم را زیاد کرده و همگی خسرالدنیا و الاخره خواهیم شد.

والسلام علی الذین یستمعون القول و یتبعون احسنه.

۳- برنامه سمینار و اطلاع به وزارت کشور و مقامات مسئول

با توجه به هدف و برنامه تنظیم شده برای سمینار، نهضت طبق روش متداول خود، طی نامه شماره ۲۱/۴/۴۱۳ مورخ ۱۳۶۲/۷/۳۰ به عنوان وزارت کشور، موضوع سمینار، تاریخ و زمان تشکیل (ساعت ۱۵ الی ۱۸ جمعه ۱۳۶۲/۸/۶)، محل (دفتر نهضت آزادی ایران)، و سخنرانان اصلی سمینار (آقایان دکتر ابراهیم یزدی، مهندس هاشم صباغیان، و مهندس توسلی) را همزمان به اطلاع چهار مقام یا سازمان مسئول و مربوط، یعنی وزارت کشور، ریاست پلیس تهران، کلانتری شماره ۵ و کمیته مرکزی انقلاب اسلامی رسانید و از این مقامات تقاضای تأمین امنیت شرکت‌کنندگان در سمینار را نمود، به تصویر این نامه که در صفحه بعد آمده است توجه فرمایید.

وزارت محترم کشور

احتراماً نظر باینکه روز جمعه ۶/۸/۶۲ سمیناری
 بهیرامون " تأمین آزادی انتخابات " با شرکت آقایان
 دکتر ابراهیم یزدی ، مهندس هاشم صباغیان و مهندس
 محمد توسلی در محل دفتر نهضت آزادی ایران تشکیل
 میشود . خواهشمند است دستور فرمائید مقامات انتظامی
 جهت تأمین امنیت شرکت کنندگان طبق قانون اقدام لازم
 معمول فرمایند .

زمان برنامه : جمعه ۶ آبانماه از ساعت ۱۵ الی ۱۸
 مکان : دفتر نهضت آزادی ایران - خیابان استاد مطهری

۲۳۴

روابط عمومی
 نهضت آزادی ایران
 رهنوشته : جهت اطلاع و اقدام ریاست پلیس تهران
 رهنوشته : کلانتری ۵ - ۱۳۴۰
 رهنوشته : کمیته مرکزی انقلاب اسلامی ایران

صندوق پستی ۱۵۱۹/۳

نهضت پس از مطلع ساختن وزارت کشور، طبق معمول خود اقدام به فراهم آوردن مقدمات سمینار نمود. یکی از اولین اقدامات لازم مطلع ساختن مردم و علاقمندان از برگزاری سمینار بود. طبیعیترین طریق این کار اعلام موضوع و تاریخ سمینار و دعوت از علاقمندان از طریق روزنامه است ولی متأسفانه هیچیک از روزنامه‌های اصلی صبح یا عصر، به رهنمود مسئولین، آگهی‌های نهضت، حتی آنها که مربوط به تسلیت و ترحیم و یا آگهی‌های مربوط به تشکیل کلاسهای عقیدتی - سیاسی هم باشد و حق‌الدرج آن از پیش پرداخت شود، چاپ نمی‌کنند. رادیو و تلویزیون نیز از ذکر اخبار و آگهی‌های نهضت معذور است. با توجه به این محدودیت‌ها و با توجه به این واقعیت که موضوع سمینار «تأمین آزادی انتخابات» مسئله‌ای

عمومی است، تنها طریق مطلع ساختن علاقمندان تهیه آگهی کوچک و مختصری بود که از روز دوشنبه یعنی سه روز بعد از اطلاع وزارت کشور به طور محدود به ویژه اطراف ساختمان نهضت توزیع گردید. ضمناً این اقدام آزمایشی از حدود آزادی موجود و آمادگی دستگاه برای پذیرفتن آن بود که می توانست تمرینی هم برای خودمان و مردم باشد. نمونه ای از آگهی مذکور را در اینجا ملاحظه می نمایید:

بسمه تعالی

هموطنان برای تامین آزادی انتخابات کوشش کنید

از جنابعالی دعوت میشود که در:

سمینار تامین آزادی انتخابات

شرکت فرمائید

زمان: جمعه ۶ آبان ۶۲ ساعت ۱۸-۱۵

محل: خیابان استاد مطهری - نرسیده به چهارراه مبارزان شماره ۲۳۴

تلفن ۸۳۳۷۵۷

نهضت آزادی ایران

**انتخابات آزاد ضامن بقای قانون اساسی
و جمهوری اسلامی است**

۲۰/۳/۱۸۲

توزیع این آگهی دعوت از عصر روز ۱۳۶۲/۸/۲ شروع شد و در ارتباط با همین امر دو نفر از خواهران توزیع کننده دعوتنامه را در ساعت ۸/۴۵ صبح روز ۶۲/۸/۳ در نزدیکی محل نهضت یعنی محل تقاطع بزرگراه مدرس و خیابان استاد مطهری دستگیر کردند و به زندان اوین بردند. برای آزاد ساختن این دو خواهر پس از تماس تلفنی با کمیته منطقه ۳ و اطلاع بر اینکه آنها را مامورین دادستانی از مامورین کمیته گرفته اند، تلگرامی به شماره ۲۱/۴/۴۱۶ در تاریخ ۱۳۶۲/۸/۴ به عنوان ریاست محترم جمهوری مخابره گردید و تقاضای دستور آزادی هر چه سریعتر آنان به عمل آمد، این دو نفر روز ۵ شنبه ۱۳۶۲/۸/۵ آزاد گردیدند. نسخه ای از تلگرام مذکور ذیلاً آمده است.

بسمه تعالی

تلگرام شهری

حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای خامنه‌ای

رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران

احتراماً به استحضار می‌رساند که نهضت آزادی ایران برای برگزاری سمیناری پیرامون تأمین آزادی انتخابات در روز جمعه ۶ آبانماه جاری پس از اطلاع کتبی به وزارت کشور و به مقامات انتظامی در تاریخ ۳۰ مهرماه اقدام به توزیع تراکت دعوتنامه نمود. ولی متأسفانه صبح سه شنبه ۳/۸/۶۲ دو نفر از خواهران علاقمند را در حین پخش تراکت برخلاف فرمایش صریح آن جناب که دولت اخلاص در کار گروهها در امر انتخابات نخواهد کرد، دستگیر نموده به زندان اوین بردند. مراجعات به مقامات قانونی بی‌نتیجه مانده است. مستدعی است دستور فرمایید این بی‌گناهان را هرچه زودتر آزاد نمایند.

توفیق ریاست محترم جمهوری را در اجرای عدالت و قانون و تأمین آزادی انتخابات از خداوند خواستاریم.

نهضت آزادی ایران

۴ آبانماه ۶۲

۴- مخالفت وزارت کشور با تشکیل سمینار در محل نهضت

در تاریخ ۱۳۶۲/۸/۴ چهارشنبه ساعت ۵ بعد از ظهر مخالفت وزارت کشور با تشکیل سمینار از دو طریق به نهضت ابلاغ گردید. یکی طی تلفنگرام شماره ۲۹۲ از کمیته انقلاب اسلامی استان تهران (واحد عملیات) و دیگری نامه شماره ۹۵۴-۱-۷-۲۱/۵ از طرف کلانتری ۵ در هر دو ابلاغیه دریافتی از نهضت خواسته شده بود که از برگزاری سمینار جلوگیری به عمل آورند. ضمناً تلفنگرام و نامه، هر دو دریافت نامه مورخ ۶۲/۷/۳۰ نهضت شماره ۲۱/۴/۴۱۳ دائر بر تقاضای تامین امنیت محل برگزاری سمینار را تایید کرده بودند. تصویر نامه و تلفنگرام کلانتری ۵ و کمیته مرکزی را ذیلاً ملاحظه می فرمایید.

((۱))

جمهوری اسلامی ایران
وزارت کشور
شعبه پان کشور

بسمه تعالی

شماره ۱۳۰۰۱۸-۲

شماره ۹۵۴-۱-۷-۲۱/۵
تاریخ ۶۲/۷/۳۰
پیوست

از کلانتری ۵
دفتر نهضت آزادی ایران
مخالفت با تشکیل سمینار

سلام علیکم

محترماً: عطف بشماره ۴۱۳-۴-۲۱/۵-۶۲/۷/۳۰ صادره به وزارت کشور و این کلانتری اداره اطلاعات شاجات تلفنگرامی اعلام نموده که با استناد نامه شماره ۴۳-۱۴۳۵۶-۱-۶۲/۸/۴ وزارت کشور با تشکیل سمینار مورد نظر در محل دفتر مخالفت نموده است علیهذا مراتب بدینوسیله جهت اطلاع و اقدام لازم در جهت عدم تشکیل جلسه و حضور مدعوین آگهی می گردد.



بسمه تعالی

تلفنگرام شماره ۲۹۲

از کمیته انقلاب اسلامی استان تهران (واحد عملیات)

به دفتر نهضت آزادی ایران

السلام علیکم، با احترام عطف به نامه شماره ۲۱/۴/۴۱۳ مورخه ۶۲/۷/۳۰ در رابطه با سمینار روز جمعه مورخه ۶۲/۸/۶ اعلام می‌دارد با توجه به تلفن‌گرام وزارت کشور (اداره کل سیاسی - اداره سوم) مبنی بر اینکه دفتر نهضت آزادی ایران از تشکیل هر نوع تجمع برگزاری مراسم در محل نهضت در روز جمعه جلوگیری به عمل آورند. شایسته است به منظور همکاری با نیروهای انتظامی اقدامات لازم و مقتضی معمول دارید.

فرمانده کمیته انقلاب اسلامی استان تهران

جواد الهی

گوینده: فتحعلی پور

گیرنده: صفایی

۵- لغو برنامه برگزاری سمینار «تأمین آزادی انتخابات» به وسیله نهضت

نهضت آزادی ایران همواره در چهارچوب ضوابط قانونی حرکت کرده، خود را به رعایت مقررات قانونی ملزم و متعهد می‌داند. اصل ۲۷ قانون اساسی و تبصره ۲ ماده ۶ قانون احزاب، مصوبه قوه مقننه (مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان) به شرح زیر مقرر می‌دارد که:

«تشکیل اجتماعات و راهپیمایی طبق اصل ۲۷ قانون اساسی آزاد است ولی برگزاری آن در پارکها، میادین

و معابر عمومی منوط به کسب مجوز از وزارت کشور است.»

به موجب این قانون تشکیل جلسات و سمینارها داخل ساختمان نهضت نیاز به کسب مجوز از وزارت کشور ندارد و حتی نیاز به اطلاع دادن هم نمی‌باشد. معذالک نهضت آزادی برنامه‌های مختلف خود از جمله برگزاری سمینار تأمین آزادی انتخابات را به منظور تأمین امنیت لازم، به اطلاع وزارت کشور رسانیده است و از طرف وزارت کشور هم با این برنامه‌ها مخالفتی نشده است ولی برای اولین بار، وزارت کشور با برگزاری برنامه‌ای از نهضت یعنی سمینار «تأمین آزادی انتخابات» کتباً مخالفت نمود. نهضت به منظور پرهیز از هرگونه سوء تفاهم یا برخورد و به منظور رعایت نظر وزارت کشور، علیرغم آنکه برگزاری سمینار را طبق اصل هشتم و بیست و هفتم قانون اساسی و تبصره ۲ ماده ۶ قانون احزاب حق قانونی خود می‌دانست، از اجرای آن صرفنظر نمود و پلاکاردی مبنی بر لغو برگزاری سمینار بر سر در ساختمان جهت اطلاع مردم و علاقمندان نصب کرد.

علاوه بر آن اطلاعیه مختصری نیز به همین منظور تهیه شد تا روز جمعه ۱۳۶۲/۸/۶ در صورت لزوم

برای جلوگیری از اجتماع مردم توزیع گردد.

بسمه تعالی

با کمال تأسف به اطلاع می‌رساند که به علت مخالفت وزارت کشور سمینار «تأمین آزادی انتخابات» برگزار نمی‌شود.

نهضت آزادی ایران

۶۲/۸/۶

تبصره ۲ ماده ۶ قانون احزاب مصوب مجلس شورای اسلامی:

«تشکیل اجتماعات و راهپیمایی طبق اصل ۲۷ قانون اساسی آزاد است ولی برگزاری آن در پارکها، میادین و معابر عمومی منوط به کسب از وزارت کشور است.»

۲۰/۳/۱۸۸

۶- جریان حمله به محل نهضت و مضروب و مجروح ساختن مسئولین و تخریب اموال و خروج اسناد

با توجه به تلفنگرام شماره ۲۹۲ کمیته مرکزی انقلاب اسلامی مبنی بر اینکه دفتر نهضت آزادی ایران باید از تشکیل هر نوع تجمع و برگزاری مراسم در محل نهضت در روز جمعه جلوگیری به عمل آورد، قرار شد آقایان مهندس توسلی، مهندس صباغیان و دکتر یزدی در حدود ساعت ۲/۳۰ بعدازظهر جمعه ۱۳۶۲/۸/۶ در محل دفتر نهضت آزادی حاضر شده و علاوه بر ترتیب دادن نصب پلاکارد لغو برگزاری سمینار، شخصاً نیز عدم اجرای برنامه را به اطلاع مراجعین احتمالی رسانده، از تجمع مردم جلوگیری به عمل آورند و ترتیبی دهند تا مردم بدون هیچ حادثه و یا سوء تفاهمی به منازل خود بازگردند. متأسفانه این امر به طور پیش‌بینی شده جریان نیافت، و حمله به ساختمان نهضت، ضرب و شتم و مجروح ساختن آقایانی که برای لغو برنامه در محل ساختمان حاضر شده بودند و تخریب و غارت ساختمان و اموال و اسناد تاریخی و تحقیقاتی، فصل جدید و عبرت‌انگیزی را در تاریخ تهاجمات علیه نهضت گشود.

جریان وقایع در داخل و خارج ساختمان از حدود ساعت ۲ بعدازظهر جمعه ۱۳۶۲/۸/۶ آغاز گردید و حداقل تا ساعت ۷ بعدازظهر ادامه یافت. چون شرح این جریان نسبتاً مفصل و طولانی می‌باشد لذا در این مجموعه سعی شده است خلاصه‌ای از واقعه را بر اساس مشاهدات و گزارش‌های شاهدان حاضر در خارج و داخل ساختمان عیناً نقل کنیم.

الف - جریان امور در خارج از ساختمان نهضت

گزارش این قسمت از زبان افرادی است که از خارج ساختمان، شاهد جریان امور بودند: «از حدود ساعت ۲ بعدازظهر عده‌ای میان ۷۰ تا ۱۰۰ نفر اکثراً موتورسوار در مقابل ساختمان نهضت به تدریج جمع شده و علیه نهضت و پایه‌گذاران یا مسئولین و رهبران آن شعار می‌دادند، یکی از این افراد که ماژیکی در دست داشت پوستر پیشگامان نهضت اسلامی ایران آیت‌الله طالقانی، شهید مطهری و مهندس

بازرگان را از دیوار ساختمان نهضت کنده و پاره کرد و روی دیوار شعار «مرگ بر بازرگان» نوشت. سایر اعضاء گروه، پوستر دکتر شریعتی و برنامه کلاسهای نهضت را از دیوارهای خارجی نهضت کنده و پاره کردند. مأموران انتظامی کلانتری که معمولاً حفاظت ساختمان نهضت را به عهده دارند و تعداد آنان در این روز از ساعت ۲ به حدود ۱۰ نفر افزایش یافته بود در مقابل اعمال تجمعکنندگان تنها به اعلام لغو برنامه سمینار اکتفا می‌کردند. قاعدتاً، اگر تجمعکنندگان برنامه‌ای از پیش تنظیم شده نداشتند با اعلام لغو سمینار متفرق شده به منازل و یا دنبال کار خود می‌رفتند ولی این گروه به صورت یک تصمیم جمعی اعلام داشتند که می‌روند ولی حدود ساعت ۳ بعدازظهر دوباره جمع خواهند شد. سرگروه مردی با محاسن بلند بود که اصرار داشت کسی علیه مهندس بازرگان شعار ندهد.

حدود ساعت ۲/۳۰ بود که آقای مهندس توسلی و به فاصله چند دقیقه بعد آقایان مهندس صباغیان و دکتر یزدی در محل حاضر گردیدند در حدود ساعت ۲/۴۵ بعدازظهر پلاکارتی مشعر به لغو برنامه به شرح زیر روی پیشانی ساختمان در طبقه چهارم نصب گردید.

«با کمال تأسف به علت عدم موافقت وزارت کشور سمینار تأمین آزادی انتخابات

برگزار نمی‌شود - نهضت آزادی ایران.»

با ورود آقای مهندس صباغیان و آقای دکتر یزدی به داخل ساختمان شعارهای حاضرین در مقابل ساختمان اوج گرفت. بعضی از شعارها با آهنگ خاصی که برای آنها تنظیم شده بود عبارت بود از:

«مرگ بر سه مفسد روزگار	بازرگان، یزدی و صباغیان»
«مرگ بر بازرگان	مرگ بر نهضت آزادی»
«حزب فقط حزب الله	رهبر فقط روح‌الله»

در حدود ساعت ۳ بعدازظهر اتومبیل بنز سفید رنگ متعلق به یکی از ارگانهای انتظامی در مقابل درب ایستاد و سپس به کوچه جنب ساختمان رفته ظاهراً بدون دخالت مستقیم در امور به حالت «آماده باش» توقف کرده اوضاع را زیر نظر گرفت.

در این هنگام جمعیت متشکل تظاهرکننده در مقابل ساختمان نهضت به سرعت افزایش یافت و تعداد این افراد به حدود ۲۰۰ الی ۳۰۰ نفر رسید. این افراد دارای رفتارهای مشابه و با هم نیز خیلی صمیمی بودند و به طور هماهنگ شعار می‌دادند: «ساعت سه شد، کسی نیامد، گذش درآمد»، «این لانه جاسوسی تسخیر باید گردد» و «بازرگان کوشه تو سوراخ موشه»، «دادستانی القصاص القصاص».

حدود ساعت ۳/۲۰ فرمانده پلیس مستقر در مقابل ساختمان به طبقه سوم رفته و با اطلاع مسئولین نهضت ابتدا دو کلمه «تأمین آزادی» را در روی تابلو لغو سمینار پوشاند و سپس اصل تابلو را برداشت. دلیل اقدام خود را جلوگیری از «تحریک بچه‌ها» اعلام کرد.

در حدود ساعت ۳/۴۰ بعدازظهر مردی با راهنمایی و حمایت افرادی که در محل حاضر و دارای تجهیزات لازم بودند روی نرده‌های جلوی ساختمان نهضت قرار گرفت و اظهار داشت که من با یکی از برادران به داخل ساختمان می‌رویم و با خائنین مذاکره می‌کنیم. در این اثناء شخصی از بین شعاردهندگان از وی پرسید «چاقو داری؟» او سر خود را به علامت مثبت تکان داد. آنگاه به اتفاق چند نفر به درون ساختمان هجوم برده از صف پاسبانان که در جلوی ساختمان حضور داشتند عبور کرده و پس از چند

لحظه در پاگرد پلکان طبقه دوم که مشرف بر خیابان است ظاهر گردید و از آنجا با شعار مرگ ... افرادی را که در پیاده‌روی جلوی ساختمان نهضت مشغول نظاره جریان بودند به درون خوانده، پیرو این دعوت تعداد دیگری از افراد متشکل به داخل ساختمان هجوم بردند. در این اثناء یکی از همین افراد به اتومبیل کمپته که جلوی ساختمان ایستاده بود رفته و تقاضای دیلم کرد. افرادی که بدون مجوز و با عنف و زور به ساختمان نهضت وارد شدند حدود ۵۰ تا ۷۰ نفر تخمین زده می‌شدند.

مقارن با حمله و هجوم به درون ساختمان نهضت آزادی ایران، مأموران کمپته به وسیله یک اتومبیل بنز خیابان استاد مطهری را از پل بزرگراه مدرس بستند که در نتیجه راه‌بندان سنگینی ایجاد شد و توجه بسیاری از مردم عادی به جریان غیرعادی جلوی ساختمان نهضت جلب شده در این زمان که ساعت حدود ۲/۴۵ بعدازظهر بود جمعیت به حدود ۵۰۰ نفر رسید که عده‌ای از آنان را مردم عادی تشکیل می‌دادند. تعداد حدود ۳۰ نفر در پیاده‌روی طرف دیگر خیابان در مقابل ساختمان نهضت مشغول دادن همان شعارهایی بودند که در فوق به آنها اشاره شد ولی مردم عادی، علیرغم تهدیدی که یکی از شعاردهندگان کرد و گفت «آنهایی که شعار ندهند از همین‌ها هستند»، شعارهای آنان را تکرار نمی‌کردند. مقارن یا حدود زمان هجوم به داخل ساختمان از داخل یکی از اتومبیل‌های بنزی که در جلوی ساختمان توقف کرده و جریان امور را زیر نظر داشتند مرتباً به مهاجمین تذکر داده می‌شد که: «برادرها کار شما غیرقانونی است کاری نکنید که شما را دستگیر کنیم».

در حوالی ساعت ۴ بعدازظهر حمله به ساختمان شروع شد، و گروهی از افراد که هماهنگ عمل می‌کردند وارد طبقات ساختمان شدند. اولین افرادی که به درون طبقه سوم راه یافتند به پاگرد طبقه چهارم رفته دو نفر از آنان با بلند کردن تفنگ‌های کلاشینکوف خود روی دست و با نشان دادن انگشتان به صورت ۷ موفقیت خود را اعلام داشتند.

پس از مدتی جوانی را با مشت و لگد و فحش و ناسزا از پلکان پایین آوردند، سپس عده‌ای از پنجره‌های طبقه سوم فریاد زدند: «مردم بیاید تو! یزدی را کشتند!» در این اثناء یکی از افراد خارج از ساختمان و نزدیک اتومبیل بنزی که غیرقانونی بودن کار «برادران» را مرتباً تذکر می‌داد از تذکره‌دهنده می‌شنود «بگذار بکشند». در این زمان پنجره‌های طبقات سوم و چهارم و پنجم باز شده بود و بسیاری از جزوات و نشریات نهضت به بیرون پرتاب می‌شد. پرتاب اشیاء از پنجره به بیرون پس از مدت نسبتاً کوتاهی متوقف گردید و چند لحظه بعد مشاهده شد که اموال و اسناد و ... را از پلکان به پایین می‌آوردند.

مهاجمینی که قسمتی از مأموریت خود را انجام داده بودند و از طبقات بالا به پایین می‌آمدند مطالب جالبی اظهار می‌داشتند. یکی می‌گفت «با منگنه آنقدر به سر صباغیان کوبیدیم!» یکی دیگر می‌گفت: «در داخل رفتم دیدیم سمینار دارند و دارند توطئه می‌کنند و ما سمینار آنها را به هم زدیم!»

عده‌ای از مهاجمین هم که در اطراف طبقات بالا بودند به گروهی که در پایین مشغول شعار و یا فعالیت و تحریک بودند علامت می‌دادند که چه شعاری بدهند و یا چکار بکنند و یا چه کسی به داخل ساختمان برود. مهاجمینی که اموال و اسناد نهضت آزادی ایران را از ساختمان خارج می‌کردند چنان صحنه‌هایی به وجود می‌آوردند که هر یک برای مردم عادی تماشایی و مبهوت کننده بود. ناظری تعریف کرد که از جوان دیگری که می‌خواست وارد ساختمان شود پرسیدم که چرا می‌خواهی داخل ساختمان

بشوی؟ ابتدا یکه خورد و گفت نکنه تو از ما نیستی؟ گفتم می‌خواهم بدانم که باید چکار کنم. گفت هر چه دیدی خراب کن... همچنین یکی دیگر از مهاجمین جوان دیگری را دعوت کرده بود که: «بریم تو یزدی را بزنیم...»

از افرادی که به طور عادی و یا از روی کنجکاوی مقابل ساختمان نهضت متوقف شده بودند تعدادی دستگیر شدند که پس از مختصر بازجویی آزاد گشتند. در حدود ساعت ۵/۳۰ بعد از ظهر از طرف یکی از مسئولین شهربانی برای پراکنده کردن جمعیت جلوی ساختمان کوشش به عمل آمد. افسر مذکور از بلندگوی اتومبیل می‌گفت: «برادرها تشریف ببرند، خواهش می‌کنم». و بعد هم اضافه کرد: «حتی مسئولین خود شما هم می‌گویند بروید». آنچه در مورد مهاجمین و افراد شعاردهنده زیاد جلب توجه می‌کرد آشنایی قبلی و صحبت و گفتگوی بسیار صمیمانه و همکاری و هماهنگی مؤثر آنان با یکدیگر بود. پس از کاهش جمعیت اسناد و مدارک نهضت را به مدت چند ساعت از طبقات بالا پایین می‌آوردند و با وانت و سایر وسایل نقلیه از محل نهضت دور می‌نمودند.»

ب - مشاهدات یکی دیگر از افراد حاضر در خارج از ساختمان

آنچه در بالا ملاحظه شد حاصل گزارشها و مشاهدات افرادی است که اغلب مدت کوتاهی در بیرون ساختمان جریان را نظاره کرده بودند. در بین آنان کمتر کسی بود که در تمام مدت از نزدیک جریان کامل را مشاهده کرده باشد. یکی از عابریین در بعد از ظهر روز جمعه ۱۳۶۲/۸/۶ از جلوی ساختمان نهضت می‌گذشته و وقایع آن روز چنان توجه‌اش را جلب می‌کند که تا انتهای برنامه در محل می‌ماند. گزارش دقیق مشاهدات این رهگذر را ذیلاً ملاحظه می‌فرمایید:

«روز جمعه شش آبان ماه شصت و دو هنگام عبور از خیابان مطهری نرسیده به چهارراه مفتوح متوجه جمعیتی حدود ۶۰ تا ۷۰ نفر در مقابل ساختمانی شدم که شعار می‌دادند: «ملی‌گرایی در خط آمریکاست.» در طرف مقابل خیابان و در جلوی درب ورودی حدود ۱۵ نفر از افراد شهربانی به همراه یک اتومبیل پلیس و یک جیب سبز رنگ دیده می‌شدند. در طبقه بالای ساختمان پارچه‌ای به این مضمون نصب شده بود: «با کمال تأسف به علت عدم موافقت وزارت کشور سمینار تأمین آزادی انتخابات برگزار نخواهد شد.»

افراد آن جمعیت ادعا می‌کردند که بازرگان و یزدی می‌خواستند در این مکان سخنرانی کنند و میتینگ به راه اندازند و آنها برای اعتراض به این موضوع اجتماع کرده‌اند. مردی حدود ۲۷ ساله که موی سر و ریشش قرمز رنگ بود کار هدایت و شعار دادن را به عهده داشت و به شدت از جمعیت می‌خواست که شعار بر ضد شخص، خصوصاً بازرگان، ندهند و فقط به این شعار که ملی‌گرایی در خط آمریکاست اکتفا کنند و از آنها می‌خواست برای بازماندن راه عبور و مرور در پشت خط سفید اولین باند خیابان باقی بمانند. ولی جمعیت چندان علاقه‌ای به این کار نشان نمی‌دادند و در دست آنان کاغذهایی به چشم می‌خورد که روی آنها نوشته شده بود «مرگ بر بازرگان - مرگ بر لیبرال و جنگ جنگ تا پیروزی.» در این هنگام حضور مرد دیگری به چشم می‌خورد که ریش بلند، عینک زه فلزی و کلاه پشمی بر سر داشت و همچنین شخص دیگری که ادعا می‌کرد برادر دو شهید است و به هیچ وجه اجازه نخواهد داد تا لیبرالها نظر مردم را از جنگ به مسئله دیگری معطوف کنند. این دو نفر به هیچ وجه نمی‌خواستند شعارها در حد مسئله

ملی‌گرایی باقی بماند و بیشتر علاقه داشتند با شعار مرگ بر بازرگان و شعار دیگری که خود ساخته بودند. به این مضمون: «مرگ بر سه مفسد روزگار - بازرگان و یزدی و صباغیان»، جمعیت را تحریک و تهییج کنند. بالاخره مرد ریش قرمز به علت گرفتگی صدا کنار رفت و مردی که ریش بلندی داشت جای او را گرفت و فوراً با شعار مرگ بر بازرگان، علیرغم خواهش و تذکر افراد شهربانی، جمعیت را به جلوی درب ساختمان کشاند. در آنجا جمعیت تصمیم گرفت اتومبیل پژوی سبز رنگی که در آنجا پارک کرده بود و ادعا می‌کردند متعلق به آقای صباغیان است و از همین اتومبیل به داخل ساختمان رفته است را خرد کنند یا آتش بزنند. ولی یکی از مأمورین ادعا کرد این اتومبیل متعلق به بیت‌المال است و از طرف مجلس به آقای صباغیان داده شده و به این ترتیب اتومبیل نجات یافت و جمعیت حاضر فقط به نوشتن شعارهای مرگ بر صباغیان روی بدنه ماشین با ماژیک اکتفا کردند. در این هنگام زمزمه‌هایی به گوش می‌رسید که به ساختمان حمله کنیم و کلیه اثاث را خرد کرده و یا ساختمان را بهم بریزیم، حتی عده‌ای اصرار داشتند که ساختمان را باید آتش بزنیم و باز یکی از مأمورین گفت: ساختمان اجاره‌ای بوده و متعلق به بازرگان و لیبرالها نمی‌باشد.

در همین موقع سروصدای دیگری در جلوی نرده‌های ساختمان به گوش رسید رهگذری را کتک زده بودند و تمام دهانش خونی بود با این حال با لحن ملتسمانه‌ای می‌گفت: منکه چیزی نگفتم، به خدا من با اینها نیستم. تقریباً گریه می‌کرد و سعی می‌کرد صورت کسی که او را کتک زده بود ببوسد ولی آن شخص هنوز به او توهین می‌کرد و می‌خواست باز هم او را بزند که مأمورین شهربانی مانع شدند. جمعیت دم به دم افزایش می‌یافت. در کوچه‌های اطراف ساختمان و همین طور در طرف مقابل ساختمان چندین اتومبیل بنز که به نظر می‌رسید متعلق به کمیته باشد و همچنین دو اتومبیل نیسان سفید با آرم کمیته پارک کرده بودند ولی کسی با لباس فرم کمیته در محل حضور نداشت و این طور به نظر می‌رسید که افراد کمیته در داخل جمعیت باشند. جمعیت به هر ترتیب بود و با هر بهانه خود را به مقابل درب ورودی ساختمان رسانید. دیگر کسی شعار «ملی‌گرا در خط آمریکایی» نمی‌داد و شعارها همه تبدیل به مرگ بر بازرگان و یزدی لیبرال و از این قبیل شده بود. به نظر می‌آمد اختلاف بر سر این موضوع مرتفع شده است! بار دیگر در جلوی نرده‌های ساختمان دعوا شد. دو نفر از افراد جمعیت با یکدیگر درگیری پیدا کرده بودند. یکی از آنها جوانی حدود ۱۹ ساله و دیگری مردی با پیراهن خاکستری و شلوار کوماندویی آرتش بود. مرد با صدای بلند به پسر جوان می‌گفت: «تو شعارت را بده، ما وظیفه خود را انجام می‌دهیم و بعد اضافه کرد به جای اینکه به اینها بپرد - منظور لیبرالها - به من پریده، اصلاً نمی‌داند موضوع از چه قرار است؟

بار دیگر بعضی از افراد جمعیت ادعا کردند در طبقات بالا مدام اشخاصی به کنار پنجره می‌آیند و سعی در فیلمبرداری از آنها دارند و سخت به این موضوع اعتراض داشتند. باز علیرغم خواست مأمورین شهربانی و خواهش آنها مبنی بر قرار گرفتن در طرف مقابل خیابان، جمعیت به جلوی درب ورودی هجوم آورده و عده‌ای می‌خواستند به داخل ساختمان حمله کرده و دوربین فیلمبرداری را از دست شخص فیلمبردار بگیرند و اصرار داشتند مأمورین درهای ورودی را باز کرده و از جلوی درب کنار بروند و این در حالی بود که در جلوی کلیه پنجره‌های طبقات بالا مقوای زردرنگی چسبانده شده بود و من نفهمیدم آن شخص چگونه فیلمبرداری می‌کرده. خلاصه قرار شد دو نماینده به بالا بروند و از فیلمبرداری جلوگیری

کنند. هنوز بحث بر سر این بود که چه کسی باید به عنوان نماینده به بالا برود که ناگهان شخصی فریاد زد ما اینجا یک نفر شناخته شده داریم و دست او را گرفت و به آن طرف خیابان برد و جمعیت به دنبالش به طرف مقابل رفتند. جمعیت در این هنگام حدود ۲۰۰ نفری می‌شد. آن شخص «شناخته شده» در جلوی در ورودی ایستاده بود و رو به جمعیت گفت: «قرار شد من و یکی دیگر از برادران به بالا برویم و با آنها صحبت کنیم و فریاد زد: حزب الله منطق دارد، ما هیچ چیز را نمی‌شکنیم، هیچ چیز را خرد نمی‌کنیم، ما با فکر اینها مخالفیم. ناگهان شخص دیگری از داخل جمعیت فریاد کشید: «چی چی رو منطق داره، بیاریدش پایین، کتکش بزنید و در همین موقع آن مرد ریش بلند به کنار او آمد و سریع گفت: «این از خودمان است». ولی او آهسته‌تر از سابق جواب داد: آخه چی داره می‌گه باید بزنیم اثاثشون رو داغون کنیم. ولی بالاخره ساکت شد. آن مرد «شناخته شده» که حسین آقا صدایش می‌کردند همراه یک نفر دیگر به طبقه بالا رفت ولی او را به داخل راه ندادند و پشت در مشغول مذاکره شد. جمعیت کاملاً تهییج شده بود و به هیچ وجه از جلوی نرده‌ها و درب ورودی کنار نمی‌رفت افراد شهربانی هیچ کاری انجام نمی‌دادند - به نظر می‌آمد از آن افراد منطقی که هیچ چیز را نمی‌خواستند خراب کنند در بین آنان خبری نبود - کوشش مأمورین برای راندن جمعیت از جلوی ساختمان بی‌نتیجه مانده بود. جمعیت ادعا می‌کرد چون نماینده ما را به داخل راه نداده‌اند باید ساختمان را بگیریم و شعار می‌دادند «این نهضت آزادی، این لانه جاسوسی تعطیل باید گردد». افراد زیادی جلوی نرده‌ها اجتماع کرده بودند. ناگهان همان مرد ریش بلند از گوشه نرده‌ها به داخل پرید و خیلی سریع خود را به طبقه دوم رساند و فریاد زد مرگ بر بازرگان، با فریاد او جمعیت نیز همصدا شعار مرگ بر بازرگان سردادند و از روی نرده‌ها پریده و به داخل ساختمان هجوم آوردند، مردی حدود ۳۳ ساله با اورکت سبزرنگ و ریش و موهایی جوگندمی می‌خواست از روی نرده‌ها عبور کند که شخص دیگری سعی در ممانعت از او کرد و گفت نباید از روی نرده‌ها پرید و بازوی مرد ریشو را گرفته بود. او به شدت عصبانی شد و با حالت متشنجی در جیب خود به دنبال چیزی می‌گشت و ناگهان یک کلت از جیب خود بیرون کشید و به طرف شخص دیگر گرفت و او را کشان کشان به طرف اتومبیل‌های بنزی که در کوچه مجاور پارک شده بود برد. چند نفری نیز او را همراهی کردند. جمعیت به پشت درها رسیده بود ولی هیچیک از آنها باز نمی‌شد همگی قفل بودند. شخصی پایین آمد و یک جاروی دسته‌دار به بالا برد. عجیب اینکه مأموران شهربانی با اینکه در آن وقت دو اتومبیل پلیس در اختیار داشتند هیچ عکس‌عملی نشان ندادند - بالاخره جارو کارگر نشد و یک میله فلزی به بالا فرستادند و متعاقب آن جمعیت به داخل ساختمان هجوم برد. مأمورین شهربانی از این پس سعی کردند کس دیگری وارد ساختمان نشود ولی تقریباً تمام افراد آنجا، داخل ساختمان بودند. صدای شکستن شیشه و خرد شدن ابزار و وسایل به گوش می‌رسید. خیابان را از سر چهارراه میرعماد مسدود کردند حال دیگر اتومبیل‌های بنز که تعداد آنها بیشتر از ۱۰-۱۲ عدد بود به خوبی به چشم می‌خورد ولی افراد مسلحی از کمیته برای حفاظت از ساختمان دیده نمی‌شد و فقط مأمورین شهربانی بودند. شخصی از پنجره طبقه سوم یا چهارم کاغذهایی که به صورت پرونده و دسته دسته بود از آن بالا به پایین می‌ریخت. عده‌ای شروع به پاره کردن کاغذها نمودند ولی دسته دیگر فریاد می‌زدند این کاغذها همه اسناد و مدارک است آنها را به پایین نریزید، ولی پایین ریختن کاغذها ادامه داشت تقریباً ۴ یا ۵ بار این عمل را تکرار کردند. حتی بعضی از شماره‌های روزنامه میزان را

نیز به پایین ریختند که بعداً به عنوان سند جمع‌آوری شد. آخر الامر یک وانت آوردند و کاغذهای پخش شده را جمع کردند و گفتند هر کس از این کاغذها دارد به وانت تحویل دهد باید این اسناد جمع‌آوری شود. ولی هیچکس نرسید خوب شما کیستید که می‌خواهید اسناد را جمع‌آوری کنید؟! اسناد را در کجا جمع‌آوری می‌کنید و آنها که در بالا هستند کیستند؟ انگار همه می‌دانستند این وانت از کجا آمده و اسناد را به کجا می‌برد! در طبقه آخر ساختمان دو نفر مسلح به کلاشینکوف از پنجره بیرون آمدند و اسلحه‌ای خود را به علامت تصرف ساختمان و پیروزی تکان می‌دادند - شخص دیگری در طبقه بالا ظاهر شد و شروع به پایین ریختن مقداری کره نمود که همگی توسط مردم جمع شد ولی این بار کمتر کسی داوطلبانه آن را به عنوان سند به وانت تحویل داد ولی بالاخره با ترس از آب شدن کره‌ها آنها را به وانت تحویل دادند. ناگهان همان مرد ریش بلند پشت پنجره آمد و فریاد زد: صباغیان، صباغیان از آن طرف در رفت تو کوچه، و همه جمعیت برای دستگیری و کتک زدن صباغیان به آن طرف رفتند. کوچه پر از اتومبیل‌های بنز بود که روی صندلی عقب همه آنها اسلحه دیده می‌شد به نظر می‌آمد در اطراف هر یک از اتومبیل‌ها گروهی از مردم قرار گرفته‌اند و با رانندگان و افراد داخل اتومبیل گفتگو می‌کنند ولی هنگام نزدیک شدن هر شخص ناشناس فوراً از او می‌خواستند محل را ترک کند و از اطراف اتومبیل‌ها دور شود. مأمورین شهربانی دخالت کرده و جمعیت را دوباره به مقابل ساختمان برگشتند. هنوز خیابان مطهری از چهارراه میرعماد بسته بود. در این هنگام دیده می‌شد که افرادی را که در تصرف ساختمان دست داشتند، یکی یکی به پایین می‌آوردند و پس از بازدید بدنی از در بیرون می‌فرستند ولی افرادی که سهم اصلی را در حرکت و تصرف ساختمان داشتند هنوز داخل ساختمان بودند. به نظر می‌آمد فقط افراد ناشناس و کسانی را که از طرف گروه اصلی شناخته نشده‌اند از ساختمان بیرون کرده‌اند. هنوز افراد مسلح در طبقات بالای ساختمان دیده می‌شدند هیچیک از آنها لباس یونیفرم نداشتند ولی به نظر نمی‌آمد که آنها بدون حکم اسلحه به دست گرفته باشند و غیر از دو اتومبیل نیسان منقوش به آرم کمیته انقلاب اسلامی و اتومبیل‌های بنز که تعداد آنها از ۱۵ عدد گذشته بود اتومبیل‌های دیگری در اطراف ساختمان دیده نمی‌شد. تازه افراد مسلحی از طرف کمیته در اطراف ساختمان دیده شدند که بیشتر از حمله کنندگان حمایت می‌کردند تا افراد نهضت و آنها آزادانه در طبقات بالا شعار می‌نوشتند.

یک نفر در طبقه آخر با دست شکسته مشغول نوشت شعار بود. شخصی فریاد زد: آه! اینکه دستش شکسته! در جواب گفتند: بله، او از افراد از جان گذشته! و جبهه رفته کمیته است.

پس از تزئین کردن ساختمان با شعارهای قرمز رنگ: مرگ بر بازرگان - مرگ بر یزدی - مرگ بر ضد ولایت فقیه و غیره، خبر آوردند که آقایان یزدی و صباغیان و یک نفر شخص لاغر، که ابتدا گفتند پسر بازرگان است و بعدها معلوم شد مهندس توسلی بوده، در بالا دستگیر شده‌اند، دیگر کاغذها و اسناد جمع شده و در وانت قرار گرفته بود و ساختمان هم به تصرف افراد کمیته درآمده بود. پس از آن جمعیت دیگر کاری نداشت جز جمع شدن در طرف مقابل خیابان و نظاره کردن بر دسته گلی که افراد مسلح و از جان گذشته! کاشته بودند. با اینکه مأمورین شهربانی از جمعیت تقاضا کردند از اطراف ساختمان دور شوند و حداقل به طرف مقابل خیابان بروند، هنوز بعضی از افراد جمعیت با لباس شخصی در اطراف ساختمان حضور داشتند که معلوم نبود مسلح هستند یا خیر، ولی به نظر می‌رسید از افراد شناخته شده باشند. پس از مدتی توقف نزدیکی غروب به خانه بازگشتم.

من این مطالب را نه به عنوان دفاع از نهضت آزادی نوشته‌ام نه به عنوان ضدیت با افراد کمیته. من این مطالب را با عنوان رهگذری که شاهد افول ستاره آزادی در جمهوری اسلامی بوده است می‌نویسم و به خاطر دفاع از شرافت و آزادی این کمترین کاری بود که می‌توانستم انجام دهم.»

ج- وقایع داخل ساختمان

برادرانی که از ابتدا در داخل ساختمان بودند، جریان حوادث و مشاهدات خود را به شرح زیر گزارش کرده‌اند:

اطلاع به کمیته مرکزی

پس از ورود آقای مهندس توسلی (در حدود ساعت ۲/۳۰ بعدازظهر) به ساختمان و مشاهده افزایش تجمع و بالا گرفتن شعارها، برنامه تهاجم به ساختمان قطعی به نظر رسید و تصمیم گرفته شد مراتب به کمیته مرکزی اطلاع داده شود. حدود ساعت ۲/۴۵ آقای مهندس توسلی با کمیته مرکزی تماس گرفتند ولی براساس اظهار تلفنچی کمیته هیچیک از آقایان حجت‌الاسلام فلاحیان (سرپرست کمیته مرکزی) و حاج آقا سعیدی (فرمانده عملیاتی کمیته مرکزی) و حاج آقا الهی که تلفنگرام ارسالی به دفتر نهضت را امضاء کرده بود، در محل کمیته مرکزی حضور نداشتند. آنگاه آقای توسلی با یکی از برادران کمیته مرکزی صحبت نمودند و شرایط اجتماع افراد و شعارها و پیش‌بینی حمله افراد به ساختمان را عیناً به اطلاع کمیته مرکزی رساندند. جواب داده شد فوراً اکیپهایی را برای متفرق ساختن و جلوگیری از حمله اعزام می‌دارند.

در این اثناء آقای مهندس بازرگان که طی مذاکره تلفنی با آقای مهندس صباغیان و مهندس توسلی از وضع ساختمان و مهاجمین مطلع شده بودند. با آیت‌الله مهدوی کنی تماس گرفتند. نتیجه این تلفن، تماس آقای مهدوی کنی با وزیر کشور و استمداد ایشان از آقای ناطق نوری بود.

چون پس از گذشتن حدود نیم ساعت خبری از کمیته مرکزی نشد این بار آقای مهندس صباغیان تلفن کردند و عیناً شرایط مقابل ساختمان را گزارش دادند. از کمیته پاسخ دادند، واحدهایی اعزام خواهند داشت. ساعت ۲/۳۰ مجدداً آقای مهندس توسلی به کمیته مرکزی تلفن کردند و با برادری به نام حاج آقا استاد تماس گرفتند در حالی که این مکالمه در جریان بود فرد ثالثی روی خط آمد و با لحن تند گفت مگر نگفتم که واحدهایی اعزام می‌کنیم؟ در این لحظه تلفن قطع شد.

حدود ساعت ۳/۴۵ مجدداً آقای مهندس صباغیان تلفنی با حاج آقا استاد در کمیته مرکزی تماس گرفتند و جواب این بود که واحدهایی اعزام شده‌اند.

حدود ساعت چهار بعدازظهر بود که اول صدای آژیر و بلندگو و سپس اتومبیل‌های نیشان سفید رنگ کمیته مرکزی در صحنه ظاهر شدند. معذک چند دقیقه بعد حمله به داخل ساختمان آغاز شد.

اطلاع به معاونت اطلاعات شهربانی

یکی از مراکزی که قبلاً از طرف وزارت کشور با مسئولین نهضت در تماس رسمی بوده‌اند معاونت اطلاعات شهربانی برادر محمودی می‌باشد. در این رابطه با دفتر ایشان در حدود ساعت ۳/۱۵ تماس گرفته شد. رئیس دفتر ایشان گفتند که برادر محمودی نیستند ولی برادر آگاه جانشین ایشان حضور دارند - وضع تجمع افراد متشکل در مقابل ساختمان و قصد حمله آنان و بالاخره عدم مداخله و اقدام کمیته

مرکزی گزارش شد - ایشان گفتند پیگیری می‌کنند.

پایین آوردن پلاکارت نصب شده

حدود ساعت ۲/۳۰ دقیقه در حالی که جمعیت به حدود دویست - سیصد نفر رسیده و با قطع ترافیک، شعارها اوج گرفته بود فرمانده پلیس مستقر در مقابل ساختمان به طبقه سوم آمده و گفتند: «این بچه‌ها می‌گویند اگر پلاکارت را بردارید ما می‌رویم.» به ایشان گفته شد ما می‌دانیم که آنها نخواهند رفت ولی هرگونه که شما به مصلحت می‌دانید عمل کنید. افسر مذکور شخصاً پلاکارت را جمع کرد و در این هنگام شعار «درد بر پلیس انقلابی» از مقابل ساختمان بلند شد ولی شعارها در این حد متوقف نگشت بلکه به تدریج تندتر و وسیع‌تر شد.

بهبانه برای ورود به ساختمان

حوالی ساعت ۴ بعدازظهر بود که اطراف ساختمان کاملاً محاصره و ترافیک از اطراف بسته شده بود و افراد متشکل صف پلیس را شکسته و تا مقابل ساختمان جلو آمده بودند. حدود ۸ نفر از افرادی که در مقابل ساختمان ازدحام کرده بودند همراه با دو افسر پلیس (که یکی از آنان سرهنگ شهربانی بود) به پشت نرده فلزی طبقه سوم آمدند و گفتند ما نماینده مردم هستیم چون شما با دوربین از ما فیلمبرداری کرده‌اید می‌خواهیم ساختمان را بازرسی کنیم گفته شد شما چه مقامی هستید که می‌خواهید وارد ساختمان شوید؟ گفتند «نماینده مردم، مگر شما حزب مردمی نیستید؟» گفتیم ما سازمانی سیاسی قانونی هستیم بنابراین نماینده رسمی وزارت کشور، یا مقامات انتظامی کمیته مرکزی و پلیس و یا دادستانی می‌توانند وارد ساختمان شوند. چند دقیقه از این مذاکرات نگذشته بود که حمله به داخل ساختمان آغاز شد.

حمله به ساختمان

با فشار مهاجمین درب نرده‌ای اندکی باز شد و دو نفر از فضای بالای درب وارد ساختمان شدند و با گرفتن کلید از آقای مهندس صباغیان و باز کردن درب فلزی، جمعیت کثیری به داخل طبقه سوم هجوم آوردند. آقای دکتر یزدی در این هنگام در واحد جنوبی بودند. جمعیت کثیری روی آقای مهندس صباغیان و مهندس توسلی ریختند و با مشت و لگد و فحش و با فشار آنان را به داخل اطاق انتهایی کشاندند. شدت ضربات روی سر و پا و سینه برای مدت ۱۰ الی ۲۰ دقیقه به حدی بود که هر دو برای چند لحظه‌ای بیهوش یا گیج شدند، هر دو آقایان را پس از مدتی ضرب و جرح به زیر یک میز فلزی منتقل کردند. در جریان حمله به این دو نفر، گروه مهاجم پارتیشن‌های اطاق جنوب شرقی را شکستند و عکس‌ها و پوسترها و... را از بین بردند و نشریات نهضت را از محل بایگانی روی زمین ریختند و کتوهای فایل‌های روابط عمومی را به خارج بردند، پس از بهوش آمدن این دو نفر در حالی که دو سه نفر از مسئولان افراد کمیته آنها را حفاظت می‌کردند، مابقی به فحاشی و از گوشه و کنار به زدن ادامه می‌دادند. از افرادی که به آقای مهندس صباغیان حمله کردند حداقل ۵ نفر از آنان دارای لباس سبزرنگ مخصوص مأمورین کمیته بودند. افرادی که بعداً خود را از کمیته معرفی کردند و برای جلوگیری از تخریب و حمله ... اقدام کردند حدود ۱۰ نفر بودند. جمعیتی که داخل ساختمان بود حدود ۱۰۰ نفر بود. البته عده‌ای می‌آمدند و عده‌ای می‌رفتند.

در این موقع به جمعی از افراد داخل اطاقی که آقایان نگاه داشته بودند گفتند که بچه‌های کمیته و

دادستانی بمانند و بقیه برادران حزب‌الله از اطاق خارج شوند - برای بیرون رفتن از اطاق نیز بین آنها اختلاف و بگو و مگو بود. بالاخره چند نفر از بین حاضرین خارج شدند و بقیه که مسلح به سلاح کمربندی بودند باقی ماندند. در این هنگام آقای مهندس صباغیان به یکی از افراد رسمی کمیته توصیه نمودند که مواظب خروج اسناد و اموال توسط افراد شناخته نشده باشید تا مورد سوء استفاده قرار نگیرد. جواب دادند «لازم به دستور شما نیست ما خودمان کارمان را بلدیم.» بین افراد کمیته و سپاه در نگاهداری ساختمان اختلاف نظر بود و بالاخره کمیته ساختمان را در اختیار گرفت.

بعد از حدود نیم ساعت آقایان توسلی و صباغیان را به اطاق آشپزخانه منتقل کردند در آنجا از مدتی قبل آقایان دکتر یزدی و یکی از برادران دیگر نگهداری می‌شدند. نگهبانان چند نفر بودند که ظاهراً از کمیته مرکزی و دادستانی بودند. یکی از افراد را که ادعا می‌کرد از سپاه است خواستند از داخل اطاق خارج شود، نامبرده پس از مدتی مقاومت و گفتگو بالاخره خارج شد.

آقایان یزدی و توسلی و صباغیان را حدود یک ساعت در این محل نگاه داشتند و سپس به خارج اطاق داخل حال ورودی آوردند - در این مدت افراد مختلفی می‌آمدند و می‌گفتند ما مسئول حفاظت شما هستیم - رفت و آمد در بیرون درب کاملاً دیده و شنیده می‌شد - در اینجا فردی که در آغاز حمله به عنوان نماینده مردم می‌خواست وارد ساختمان شود آقایان را نصیحت می‌کرد که چرا خط خودتان را از مردم جدا کرده‌اید! آقای دکتر یزدی گفتند که ما تمام عمرمان را به خاطر مردم وقف کرده و از مردم جدا نیستیم و اگر امروز نیز ایستاده‌ایم به خاطر حمایت از حقوق مردم است - سپس آقای دکتر یزدی جریان سمینار و اطلاع به وزارت کشور و تمکین از دستور وزارت کشور به منظور احترام به نظام جمهوری اسلامی، با آنکه تصمیم وزارت کشور برخلاف قانون بوده است را توضیح دادند. همچنین توضیح داده شد که هم تصمیم وزارت کشور مبنی بر جلوگیری از سمینار و هم دستگیری (دو نفر از خواهران علاقمند به نهضت) و هم حمله امروز غیرقانونی بوده است. به علاوه افراد کمیته و دادستانی نه تنها از حمله این افراد به ساختمان جلوگیری نکردند بلکه با آنها هماهنگی نیز داشتند. یکی از نکات جالب توجه این بود که مشاهده شد که افراد کمیته و دادستانی از افرادی که قبلاً خود را نماینده حزب الله معرفی می‌کرد و کت و شلوار کرم رنگ به تن داشت دستور می‌گیرند.

مجدداً آقایان یزدی، توسلی و صباغیان را به اطاق دیگری در واحد غربی ساختمان منتقل کردند و پس از مدتی در حدود ساعت ۶ بعدازظهر شخصی حدود ۲۵ ساله در اونیفورم دادستانی انقلاب مرکز آمد و گفت از مقامات بالای مملکت به ما دستور داده‌اند که آقایان را حفاظت نموده به منازلشان منتقل کنیم. در مورد ساختمان و اموال و اسناد سؤال شد، وی گفت افراد کمیته مرکزی و دادستانی در ساختمان کاملاً مستقر هستند و چیزی از ساختمان خارج نشده است - سپس حکمی تحت شماره ۳۰/۶۲/۶۸۱۷ مورخ ۶۲/۸/۶ با امضاء آقای اسدالله لاجوردی ارائه دادند که طی آن دستور داده شده بود به منظور جلوگیری از اتلاف اسناد، کلیه اسناد و مدارک ضروری را به دادستانی انقلاب مرکز ببرند. مسئولین نهضت درخواست کردند در ساختمان بمانند و اسنادی را که می‌برند باتفاق صورتجلسه کنند. مأمورین گفتند چون جان آقایان در خطر است باید زودتر از ساختمان خارج شویم. مسئولین نهضت مجدداً درخواست کردند که چون مأمورین در ساختمان مستقر هستند همه درها را لاک و مهر کرده و روز بعد مشترکاً مدارک مورد نیاز را

صورتجلسه کنند. پاسخ دادند این کار هم امکان‌پذیر نیست و با اصرار آقایان یزدی، توسلی و صباغیان را از طریق پشت‌بام از ساختمان پزشکان با اکیپ بسیار مجهزی (۶ دستگاه بنز و تویوتا) حدود ساعت ۶/۳۰ خارج کردند و با سرعت زیاد و آژیرکشان از طریق خیابان استاد مطهری، دکتر شریعتی و پاسداران به منزل رساندند.

قبل از خروج از ساختمان، آقای مهندس صباغیان از طبقه چهارم بازدید کردند و طبق اظهار ایشان واحد غربی و بسیاری از اطاق‌ها دست نخورده بود.

علاوه بر آقایان سه گانه، سه نفر دیگر از علاقمندان به نهضت در ساختمان بودند. نحوه خارج کردن ۲ نفر از ایشان بدین ترتیب بود که در حدود ساعت ۵ بعدازظهر یکی از این برادران مورد توجه یکی از مهاجمین قرار می‌گیرد. مهاجم مذکور این برادر را از پنجره به افرادی که در خارج از ساختمان مشغول شعار دادن بودن، نشان می‌دهد. بعد از مدت کمی یکی از مأمورین کمیته از پایین آمده و از این برادر می‌خواهد که همراه او، بدون هرگونه مقاومت یا اعتراضی به پایین برود. او را سوار اتومبیل بنز نموده به کمیته می‌برند. در حدود ساعت ۹/۲۰ بعدازظهر، پس از بازجویی مختصری که از وی به عمل می‌آورند ضمن عذرخواهی و اظهار تأسف و گفتن این جمله که «متأسفم چنین به ما دستور داده بودند»، او را آزاد می‌کنند. آخرین نفر از ۶ نفری که در ساختمان بودند را تا ساعت ۷/۳۰ در ساختمان نگاه داشته، سپس او را به کمیته مرکزی می‌برند و تا ساعت ۱۰/۳۰ بعدازظهر نگهداشته و از او بازجویی به عمل می‌آورند. وی شاهد آوردن بعضی از اسناد یا اموالی بوده که در آن شب از دفتر نهضت به کمیته منتقل گشت.

۷- وضعیت ساختمان پس از تحویل

روز بعد (۶۲/۸/۷) از دادستانی انقلاب تلفن کردند و از مسئولین نهضت خواستند ساختمان را تحویل بگیرند. دو نفر نمایندگان نهضت در ساختمان حاضر شدند و به اتفاق نمایندگان دادستانی انقلاب اسلامی مرکز و کمیته انقلاب اسلامی ایران از ساختمان بازدید به عمل آوردند و از وضع «موجود» ساختمان، دفاتر، صورتجلس در ۱۶ صفحه تهیه گردید و به امضای آقایان فوق‌الذکر رسید و سپس ساختمان در حضور مسئول عملیات دادستانی انقلاب اسلامی مرکز که خود را «برادر محمود» معرفی می‌کرد، به نمایندگان نهضت تحویل داده شد. حکمی را که «برادر محمود» در دست داشت و ارائه داد، همان حکمی بود که روز قبل نماینده دادستانی انقلاب اسلامی مرکز ارائه داد. متن حکم به شرح زیر بود:

حکم دادستان انقلاب اسلامی مرکز

تاریخ ۶۲/۸/۶

شماره ۳۰/۶۲/۶۸۱۷

برادران عملیات

جهت جلوگیری از اتلاف اسناد و مدارک مکشوفه به دست مردم مربوط به جمعیت به

اصطلاح نهضت آزادی کلیه آنها را به دادستانی انقلاب اسلامی مرکز بیاورید.

دادستان انقلاب اسلامی مرکز

سیداسدالله لاجوردی

پس از تحویل ساختمان، بازرسی از قسمتهای مختلف معلوم ساخت که پس از خروج اجباری اعضای نهضت از ساختمان، مأمورین به آرشیو و کلیه اطاقهای ساختمان وارد شده و بسیاری از اسناد تاریخی و ارزنده نهضت را به جای دیگری منتقل ساخته‌اند. همچنین سه گاوصندوق نهضت که حاوی اسناد مالی و مقداری وجه نقد (حدود ۴۰ هزار تومان)^۱ برای هزینه‌های جاری و حقوق ماهیانه بعضی از کارکنان اداری بوده است باز نموده و آنچه در آنها بوده برده‌اند.

کارهای علمی و تحقیقاتی و تاریخی مربوط به مبارزات ۳۰ سال گذشته ملت ایران و اسناد و مدارک مربوطه همه خارج شده بود. اطاقها به هم ریخته و کتابها و نشریات و اشیاء و اموال شکسته و تخریب شده روی زمین ریخته و دیوارهای ساختمان از شعار مرگ و تفرقه و تخریب و تهدید و تنفر و با امضای حزب‌الله پوشانده شده بود و نهضت آزادی ایران با سوابق ۴۰ ساله مبارزات اسلامی پایه‌گذاران و فعالیت‌های اسلامی و ضد استبدادی ۳۰ ساله بسیاری از اعضاء و مبارزات اسلامی و رسمی ۲۰ ساله اخیرش و خدمات ارزنده در دوران پیروزی انقلاب اسلامی ایران با همه این سوابق، به قول رئیس مجلس شورای اسلامی مورد حمله و تهاجم حزب‌الله! قرار گرفته بود.

۸- تظلم به امام، آیت‌الله منتظری و رئیس جمهوری

پیرو حمله ناجوانمردانه به نهضت آزادی ایران و غارت اموال و مصدوم ساختن مسئولین و علاقمندان آن نهضت ضمن تلگرامی مآووقع را به استحضار رهبر انقلاب و رئیس جمهوری رسانید، همچنین آقایان دکتر یزدی، مهندس صباغیان و مهندس توسلی که قربانیان این حادثه تاسف‌بار بودند تلگرامهایی به عنوان تظلم به حضرت آیت‌الله منتظری ارسال داشتند. متن تلگرامهای ارسال شده به شرح زیر از نظر خوانندگان عزیز می‌گذرد:

تلگرام شهری به رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران

بسمه‌تعالی

حضور محترم رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی

با سلام و امتنان قلبی، برای مزید اطلاع و رفع شبهات محتمل اجازه می‌خواهیم تظلم‌خواهی و جریان را با عرض معذرت به استحضارتان برسانیم و بذل عنایتتان را بخواهیم. یقیناً توجه فرموده‌اید که بعد از نطق قبل از دستور مورخ ۶۲/۵/۲۰ آقای مهندس بازرگان در مجلس شورای اسلامی و طرح مسئله انتخابات مجلس آینده جنجالی از اعتراض و هتاکی در همان جلسه و موجی از تحریف و سوءتعبیر، همراه با توهین و تهمت علیه ایشان و نهضت آزادی ایران در بعضی از روزنامه‌ها و مجلات و در مصاحبه‌های برخی از مقامات بالا برپا گردید که گویی اسم از آزادی بردن در جمهوری اسلامی ایران بعد از پنج سال و خواستار انتخابات آزاد بر طبق قانون اساسی شدن فعل حرام فاجعه‌آفرین و جرم نابخشودنی است و

۱. خوانندگان عزیز توجه فرمایید که مبلغ غارت شده از نهضت در اینجا حدود ۴۰۰۰۰ تومان گزارش شده، در صورتی که در تلگرام به حضرت آیت‌الله منتظری که در این مجموعه آمده است این مبلغ حدود ۲۰۰۰۰ تومان ذکر شده است. دلیل این اختلاف آن است که تلگرام به آیت‌الله منتظری قبل از دریافت گزارش همه مسئولین نهضت در مورد مبلغ موجودی آنان پیش از حمله، تهیه شده است. ولی پس از دریافت گزارشها مشخص شد که این مبلغ حدود ۴۰۰۰۰ تومان بوده است.

منطق و متانت باید با طعن و خشونت پاسخ داده شود. خوشبختانه از طرف مقام رهبری در خطاب به ائمه جمعه روز سوم آبانماه ۶۲ و همچنین از طرف آیه‌الله منتظری در روز بعد تذکر و تأکیدهای به جا در اهمیت حیاتی انتخابات قریب‌الوقوع و ضرورت دقت به لحاظ موازین قانونی و آزادی و رعایت عدالت در میان داوطلبان، به عمل آمد، به طوری که گفتگوی از انتخابات و آزادی، از ممنوعیت و مجرمیت خارج گردید. ریاست جمهوری در مصاحبه خود با روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۱۸ مهرماه با اعلام اینکه «انتخابات آینده مجلس جزء آزادترین و پرشورترین و بهترین انتخابات خواهد بود» به گروهها اطمینان دادند که «دولت در کار آنها هیچ اخلاقی نخواهد کرد و هرچه می‌خواهند در مورد کاندیداهایشان تبلیغات انتخاباتی کنند.» نهضت آزادی از ایشان تشکر نموده تذکر داد که لازمه قانونی بودن و آزادی انتخابات علاوه بر عدم انحصار به طرز فکر خاصی تأمین امنیت از طرف دولت نیز می‌باشد و همچنین اجازه و امکان روزنامه و اجتماع و استفاده بالسویه از رسانه‌های گروهی ضرورت دارد. مع‌الاسف و عصر همان روز جمعه ۶ آبانماه که در خطبه نماز جمعه فرموده بودند: «خدمت امام رسیده و به معظم‌له اطمینان داده‌ام که انتخابات با سالمترین و شیرین‌ترین شکل برگزار خواهد شد»، مردم تهران و کسانی که از خیابان استاد شهید مطهری عبور می‌کردند به عنوان طلیعه آزادی و آرامش و شیرینی موعود، شاهد غوغای عجیب و صحنه دلخراش در برابر ساختمان محل نهضت آزادی شدند. فریادهای ناسزا و شعارهای تهدید علیه سران نهضت و خود نهضت می‌شنیدند که منجر به حمله و هجوم به ساختمان و شکستن نرده‌ها و درها برای ورود به طبقات و اطاقها گردید. دفاتر نهضت را اشغال نموده، پرونده‌ها و کتابها و اثاث را به پایین می‌ریختند. به در و دیوارها فحش و شعارهای سرخ نوشته و بر سر آقایان دکتر یزدی، مهندس صباغیان و مهندس توسلی ریخته به طور وحشیانه‌ای با مشت و لگد و ناسزاهای رکیک شدیداً مضروب و مجروحشان ساخته معنای امنیت و حاکمیت قانون و شیرینی آزادی انتخابات را به آنان چشانند. اینها گروه مسلح و سازمان یافته‌ای بودند، سواره و پیاده در حدود سیصد نفر مجهز به وسایل لازم از جمله برای باز کردن گاوصندوق که در این نوع ضربات سابقه داشته‌اند و با بعضی از آن افراد در حمله لیل‌القدر سال قبل آشنایی پیدا کرده بودیم. اسفانگیزتر از هر چیز اینکه با وجود اطلاع و استمدادی که بلافاصله پس از تجمع آنها از کمیته مرکزی و شهربانی به عمل آمده بود و تلفنی که در آخرین لحظات خدمت جناب آقای مهدوی‌کنی برای نجات همکارانمان شد، مأموران اعزامی کمیته و سپاه و نمایندگان دادستانی انقلاب علاوه بر تعلل و تأخیر در حضور، از دخالت و ممانعت از عملیات تخریبی و غارت و ضرب و شتم متجاوزان خودداری می‌کردند و چنین می‌نمود که هماهنگی و همکاری وجود دارد. بهانه یا مستمسک این حمله و هجوم و خرابکاریها احتمالاً تحریکی بوده است که از طرف سخنران پیش خطبه نماز جمعه به عمل آمده، گفته بوده است که «ورشکسته‌های سیاسی قصد دارند راهپیمایی برپا کنند راهپیمایی ورشکسته‌ها که دلشان نسوخته بلکه دماغشان سوخته است...» در حالی که نه تنها قصد راهپیمایی وجود نداشت و دعوت برای یک سمینار در داخل ساختمان شده بود اصلاً به دلیل عدم موافقت وزارت کشور از برقراری سمینار صرف‌نظر کرده در ورودی نهضت را بسته و پرده‌ای آویخته بودیم که سمینار برگزار نمی‌شود. از اعضای نهضت کسی در ساختمان جز سه نفر آقایان فوق‌الذکر و سه نفر از جوانان که آنها نیز مضروب و سپس از طرف کمیته بازداشت شدند، حضور نداشت و این عده بنا به

خواسته وزارت کشور برای همکاری با کمیته در برقراری نظم و آرامش آمده بودند. شش روز قبل کتیباً به وزارت کشور و نیروهای انتظامی خبر از قصد تشکیل سمینار داده درخواست حفظ امنیت کرده بودیم. بعد از ظهر جمعه ضمن آنکه هیچگونه ابراز حرف و حرکت یا تجمع و تحریک از طرف نهضت و مدعوین به سمینار به عمل نیامده بود اصولاً نیت ما از چنین اقدام یعنی تمنا و تأمین آزادی انتخابات چیزی جز ایفای حق و وظیفه و خیرخواهی برای مملکت و انقلاب نبود زیرا که عقیده داشته و داریم که قانون اساسی میثاق ملی و اسلامی انقلاب و رکن حیاتی بقاء جمهوری اسلامی ایران است و تا انتخابات نمایندگان با رعایت صادقانه و اجرای عادلانه قانون اساسی در شرایط تساوی و آزادی انجام نگیرد، زحمات و مبارزات و فداکاریها و شهادتها به باد فنا رفته، دیکتاتوری و استبداد و استیلائی خارجی وارث غاصب انقلاب خواهد گشت و به فرموده خودتان دیکتاتوری تدریجاً پا باز می‌کند.

نهضت آزادی انتظار نداشت و مصلحت مملکت و آبرو و حیثیت جمهوری اسلامی اقتضا نمی‌کرد که چنین رفتار خلاف اسلام و قانون و انسانیت با ما به عمل آید و به دنیا اعلام شود که در ایران آزادی و امنیت وجود ندارد. حتی اوامر رهبری و وعده‌های رسمی ریاست جمهوری با این سرعت و سهولت ندیده گرفته شود. نمایندگان دادستانی انقلاب تهران نیز که حکم کتبی برای جلوگیری از اتلاف اسناد نهضت و جمع‌آوری آنها داشتند آنچه را که متجاوزان به ساختمان و ضاربین فرصت نکرده بودند متلاشی و متفرق و خارج کنند به عوض آنکه به ما تحویل دهند یا اگر قرار است با خود ببرند می‌بایستی با حضور نمایندگان نهضت و صورت مجلس کردن بوده باشد، پس از اخراج سه نفر آقایان مصدومین و انتقالشان به خانه آقای مهندس صباغیان (ظاهراً در اثر دخالت و دستور جناب آقای مهدوی‌کنی) در سراسر شب اقدام به جمع‌آوری و بردن آنها به دادستانی کردند که تجاوز دیگر و تصرف و تضییع حق محسوب می‌شود. با معذرت مجدد از تصدیع و تفصیلی که باعث و مقصر آن ما نبودیم، قضاوت در قضیه و اتخاذ تصمیم را به خودتان واگذار می‌نماییم.

چنین اعمال و برخوردهایی را که نهادهای غیرمسئول یا مقامات رسمی و رسانه‌های گروهی با ما دارند، اگر جلوگیری و جبران نشود طبعاً چنین تلقی خواهد شد که دستگاه حاکم خواسته است هر صدا و حرکت ناموافق با خود و عمل به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر یا حق انتخاب کردن و انتخاب شدن از ناحیه ملت را در نطفه خفه کند.

در هر حال نهضت آزادی ایران با آنکه حق و وظیفه شرعی دفاع از انقلاب اصیل و خدمت به جمهوری اسلامی را پافشاری برای تأمین آزادی انتخابات و تحقق حقوق افراد ملت می‌داند، مغرور به صحت تشخیص خود نبوده تعصبی ندارد و اگر رهبری انقلاب طرح مسئله انتخابات از طرف ما و خواستن آزادی واقعی و اجرای قانون اساسی را خلاف شرع و به زیان جامعه می‌دانند و انتخاب اصلاح باید به دست گروه خاص صورت گیرد. صریحاً و مستقیماً ابلاغ فرمایند. ما در نهضت آزادی را بسته کناری خواهیم نشست.

اللهم وفقنا لما تحب و ترضی.

تهران ۹ آبانماه ۱۳۶۲

با درود و دعای

نهضت آزادی ایران

تلگرام به آیت‌الله منتظری

بسمه تعالی

قم - محضر آیت‌الله العظمی منتظری مدظله العالی

برای مزید اطلاع و تظلم خواهی وظیفه شرعی خود دانستیم مراتب ذیل را به استحضارتان برسانیم: نهضت آزادی ایران که خواستار تأمین آزادی انتخابات بر طبق قانون اساسی است با اطلاع کتبی قبلی به وزارت کشور و مقامات انتظامی برای جمعه ششم آبانماه جاری دعوت به یک سمینار در داخل ساختمان خود نموده بود که به علت مخالفت وزارت کشور آن را موقوف نمود، اما با کمال تعجب و تأسف علیرغم تأکیدات حکیمانه هفته قبل جنابعالی دائر بر عمومیت انتخابات و عدم انحصار و اختصاص آن و رفتار عادلانه و اسلامی با گروه‌ها، گروهی در حدود سیصد نفر مسلح (سواره و پیاده) که قسمتی از پیش خطبه کذب نماز جمعه دائر بر قصد راهپیمایی و مقالات سراسر اتهام و اهانت روزنامه جمهوری اسلامی و برنامه‌های خلاف واقع صدا و سیما بهانه تحریک و تهاجمشان شده بود با نقشه قبلی به محل نهضت واقع در خیابان شهید مطهری حمله می‌آوردند و پس از جنجال در ملاءعام و دادن شعار و دشنام‌های وقیحانه بدون آنکه از ناحیه ما کمترین حرف و حرکت و تجمعی صورت گرفته باشد با شکستن نرده‌ها و درها به طبقات و اطاقها هجوم برده مغول‌وار اشیا و اسناد و کتب حتی موجودی صندوق (حدود بیست هزار تومان) را تخریب و تاراج می‌نماید و اینجانبان را وحشیانه مورد حمله قرار داده مضروب و مجروح می‌کنند، بدون آنکه مأمورین کمیته و دادستانی و شهربانی که قبل از وقوع حمله در محل حضور داشتند اقدامی برای دستگیری و جلوگیری از حملات وحشیانه آنان بنمایند. آیا شرع انور و قانون اساسی سزای تقاضای آزادی انتخابات و امر به معروف و نهی از منکر مؤدبانه و مسالمت‌آمیز را تهاجم و تخریب و ضرب و شتم می‌دانند؟ آیا این تحریکات و حملات و تهاجم هماهنگ و سازمان یافته که همزمان با بیانات و توصیه‌های رهبر انقلاب و جنابعالی صورت گرفته است، به معنای تلاش برای بی‌اعتبار کردن این توصیه‌ها نمی‌باشد؟ و آیا با چنین حرکات آبرو و حیثیتی برای اسلام و انقلاب و روحانیت باقی می‌ماند؟ آیا خوراک تبلیغاتی دلخواه به دشمنان اسلامی در شرایط بین‌المللی حاضر کنونی داده نمی‌شود؟

با تجدید سلام و ارادات و دعای سلامت و عافیت.

ابراهیم یزدی - هاشم باغیان - محمد توسلی

۶۲/۸/۷

تلگرام به ریاست جمهوری

بسمه تعالی

تلگرام شهری

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

یقیناً استحضار دارید روز جمعه ۶ آبان ماه که نهضت آزادی ایران برای یک سمینار داخلی جهت تأمین آزادی انتخابات با اطلاع قبلی وزارت کشور و مقامات انتظامی دعوت کرده بود و در اثر عدم موافقت وزارت کشور از برگزاری آن خودداری نمود، علیرغم فرمایش جنابعالی در خطبه دوم نماز جمعه که:

«ما آماده هستیم انتخابات با سالم‌ترین و شریف‌ترین و موفق‌ترین شکلی که دل امام را راضی کند انجام گیرد.»

در حدود سیصد نفر از افراد مسلح سواره و پیاده حوالی ساعت ۳ بعدازظهر به محل نهضت حمله کرده پس از جنجال و شعار و دشنام‌های وقیحانه و تهدید، بدون آنکه از ناحیه ما کمترین حرف و حرکت و اجتماعی صورت گرفته باشد به عنف با شکستن در و پنجره وارد طبقات ساختمان شده، اسناد، اموال، نقدینه و کتب را بیرون ریخته به تراج بردند و آقایان مهندس صباغیان، مهندس توسلی و دکتر یزدی را که به توصیه کمیته مرکزی و شهربانی برای ممانعت از تجمع مردم در محل حاضر شده بودند شدیداً مضروب و مجروح و زندانی نمودند و سه نفر از همراهان را نیز به کمیته بردند که بعداً آزاد شدند. مأموران کمیته و دادستانی و شهربانی و سپاه که تا مدت‌ها از حضور و دخالت و ممانعت خودداری می‌کردند، هیچگونه اقدام برای دستگیری و جلوگیری مهاجمین ننمودند.

مسئلاً مصاحبه‌ها و مقالات سراسر کذب و افتراء خلاف اسلام و قانون رسانه‌های گروهی و روزنامه جمهوری و همچنین پیش خطبه تحریک‌آمیز نمازجمعه با ادعای دروغ راهپیمایی از عوامل این تحریک و تهاجم بوده و بزرگترین لطمه را به حیثیت جمهوری اسلامی ایران و مشروعیت انتخابات آینده زده است. نهضت آزادی ایران کماکان انتظار تأمین آزادی انتخابات را طبق قانون اساسی و جبران و اعتذار از خسارات و اتهامات و تحویل اسناد و مدارک و اموال را دارد.

تهران هفتم آبانماه ۶۲

از طرف نهضت آزادی ایران - دکتر یزدی

اطلاع به شورای نگهبان

از آنجا که به موجب قانون اساسی، انتخابات مجلس زیر نظر شورای نگهبان برگزار می‌گردد، و شورای محترم مسئول حسن اجرای آن می‌باشد، و از آنجا که تبلیغات سوء علیه نهضت آزادی و حمله به دفتر نهضت، در ارتباط با تبلیغات منفی انتخاباتی می‌باشد نهضت آزادی با ارسال نامه‌ای به دبیر شورای نگهبان همراه با رونوشت کلیه نامه‌ها و تلگرامها مراتب را به اطلاع شورای نگهبان رسانید. متن نامه به دبیر شورای نگهبان به شرح زیر است:

بسمه‌تعالی

آیت الله جناب آقای لطف‌الله صافی دبیر محترم شورای نگهبان

به نام خدا و با سلام و دعا، نظر به اینکه شورای محترم نگهبان قانوناً نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی را دارند، برای مزید استحضار و هر گونه اقدام و طرح در شورا به پیوست رونوشت تلگرامی را که به محضر امام راجع به جریان مشروح واقعه روز جمعه ۶ آبانماه و حمله‌ای که به جرم قصد تشکیل سمینار تأمین آزادی انتخابات به نهضت آزادی ایران صورت گرفته است خدمتتان ایفاد می‌داریم. رونوشت نامه‌های مبادله شده، تلگرامهای دیگر نیز تقدیم می‌شود.

نهضت آزادی ایران

۶۲/۸/۹

۹- نطق قبل از دستور آقای مهندس صباغیان

حادثه خجالت‌آور حمله به دفتر نهضت آزادی ایران، از حوادثی است که دائره تبعاتش از نهضت و شخصیت‌های آن گذشته و به نحوی به سرنوشت همه آنان که به استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی دل بسته‌اند مربوط می‌شود. اگر جمعیتی مشروعیت مجلس آینده را در گرو انتخابات آزاد اعلام نموده، و بر این پایه به برگزاری سمیناری به منظور «تامین آزادی انتخابات» اقدام کرده و در نتیجه این «فضولی» مورد حمله، اهانت، غارت و ضرب و شتم قرار می‌گیرد، ملت عزیز ایران که در راهپیمایی‌های قبل از انقلاب خود این شعار سه شاخه‌ای را ورد زبان و علامت مشخصه جامعه ایده‌ال خود قرار داده‌اند باید از این حادثه مطلع گردند. نه بدان دلیل که بر مظلومیت نهضت اشک شفقت فرو ریخته و نهضتی‌ها را دوباره به مجلس برگردانند که نهضت در این رابطه جز به انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر نمی‌اندیشد و خارج از این وظیفه، رفتن و نرفتن به مجلس را واقعی نمی‌نهد، بلکه بدان منظور که دریابند بر سر آزادی و جمهوری اسلامی چه می‌آورند. بر این پایه آقای مهندس صباغیان یکی از قربانیان این حادثه در نطق قبل از دستور خود در جلسه ۶۲/۸/۱۰ مجلس شورای اسلامی مآل واقع را به استحضار نمایندگان و ملت عزیز ایران رسانید. ایراد این نطق موجب برخوردهایی از طرف نمایندگان و رئیس مجلس گشت که خود شاهدهی گویا و دلیلی روشن بر عدم وجود آزادی حتی در مجلس شورای اسلامی شد.

ما ذیلاً نطق آقای مهندس صباغیان، استخراج شده از مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی مورخ ۶۲/۸/۱۰ شماره ۵۲۴، برخورد نمایندگان با این نطق را به صورتی که از نوار ضبط شده از رادیو، پیاده شده است می‌آوریم. سپس دنباله این نطق را که به علت تشنج و «قطع تریبون» به دستور حجت‌الاسلام آقای هاشمی رفسنجانی ایراد نشد به استحضار خوانندگان عزیز می‌رسانیم.

بسم الله الرحمن الرحيم

با درود و تحیت به روان شهدای راه اسلام و مجاهدان طریق حق از فرمانده و فرمانبر و با عرض تسلیت و تعظیم به مردم قهرمان دزفول و اندیشک، مسجد سلیمان و بهبهان و درود فراوان بر رزمندگان اسلام که با پیروزی‌های اخیر خود حماسه آفریدند و با ابراز تنفر از رژیم صدام عقلی و پشتیبانان غربی و شرقی وی و اعتراض و انزجار از مجامع بین‌المللی حقوق بشر که در برابر کشتار غیرنظامیان و زنان و کودکان مسلمان ایران ساکت نشسته‌اند، سخن خود را آغاز می‌کنم.

ملت مسلمان ایران پس از انقلاب شکوهمند خود به مصداق «ولنبلونکم بشی من الخوف والجوع و نقص من الاموال والانفس والثمرات و بشرالصابرین» در معرض هجوم انواع ابتلائات بوده و آماج کیدهای امریکای جهانخوار و فرانسه و روسیه تجاوزگر قرار گرفته و بحمدالله با جانبازی و فداکاری مردم مخصوصاً جوانان مخلص و ایثارگر استحقاق خود را برای بشارت الهی نشان داده است.

علاوه بر ابتلائاتی که منشاء خارجی داشته‌اند مشکلات و مصائبی نیز از داخل سرچشمه گرفته‌اند که امیدواریم به حول و قوه الهی بتوانیم با سربلندی آنان را پشت سر بگذاریم. از جمله این ابتلائات تجربه‌ای است که در جمعه گذشته ششم آبانماه برای برخی از دوستان و اینجانب پیش آمد که گزارش آن طی تلگرافهایی برای رهبر انقلاب و آیت‌الله منتظری و ریاست محترم جمهوری ارسال شده است و چون این

تجربه و ابتلا به سرنوشت آینده انقلاب و بقاء جمهوری اسلامی مربوط می‌شود بدین دلیل لازم می‌دانم نه به عنوان تظلم برای دوستان و خود بلکه به عنوان دلسوزی برای انقلاب و جمهوری اسلامی و ثبت در تاریخ مجلس شورای اسلامی با کمال ادب مطالبی را به عرض نمایندگان محترم و مردم قهرمان ایران برسانم.

همانطور که استحضار دارید بعد از سخنان رهبر انقلاب و آیت‌الله العظمی منتظری و ریاست جمهور در رابطه با انتخابات دوره آینده مجلس شورای اسلامی، نهضت آزادی تصمیم گرفت در تاریخ جمعه ششم آبانماه سمینار تأمین آزادی انتخابات در داخل ساختمان نهضت برگزار نماید. طبق روش متداول خود این تصمیم را طی نامه شماره ۲۱/۴/۴۱۳ مورخ ۲۱/۴/۳۰ مورخ شنبه ۲۲/۷/۳۰ به اطلاع وزارت کشور رساند ولی وزارت کشور از طریق کمیته مرکزی طی تلفنگرام شماره ۲۹۲ مورخ ۲۲/۸/۴ و کلانتری طی تلفنگرام شماره ۲۱/۵-۷-۱-۹۵۴ مورخ ۲۲/۸/۴ یعنی در ساعت ۵ بعدازظهر چهارشنبه یعنی چهار روز بعد از شنبه و یک روز مانده به برنامه به دفتر نهضت ابلاغ نمودند که سمینار را نمی‌توانید برگزار کنید و کمیته مرکزی در تلفنگرام خود از ما خواسته بود که در جلوگیری از هر گونه تجمع و برگزاری مراسم با نیروهای انتظامی همکاری نماییم. تصمیم گرفته شد که سمینار برگزار نشود و قرار گذاشتیم آقایان دکتر یزدی و مهندس توسلی و اینجانب در محل حاضر شده و عدم برگزاری سمینار را به دعوت شدگان اطلاع دهیم. علاوه بر آن پلاکاردی مشعر بر عدم برگزاری سمینار در جلوی ساختمان نصب شد ولی با کمال تأسف در حوالی ساعت چهار بعدازظهر حدود سیصد نفر مسلح با برنامه تنظیم شده قبلی که در شکل گرفتن آن، برنامه‌های هفته گذشته اعم از صدا و سیما و مقاله مورخ ۵ آبان ۶۲ دور از ادب اسلامی، روزنامه جمهوری اسلامی و پیش خطبه نماز جمعه که با کمال تعجب و تأسف ما را به قصد راهپیمایی متهم نموده بود سهم به سزایی داشتند به ساختمان نهضت هجوم آوردند و علیرغم سه بار استمداد از کمیته مرکزی در حالی که مأمورین کمیته مرکزی و دادستانی مرکز و شهربانی حضور داشتند پس از شکستن نرده ورودی و درها به عنف وارد ساختمان و طبقات و اطاقها شدند (مجید انصاری - مردم در ۱۴ اسفند چهره شما را در کنار بنی‌صدر یادشان نرفته است. شما چرا مردم را دعوت کردید) و با نثار فحشهای رکیک و نسبت‌های ناروا آقایان دکتر یزدی، مهندس توسلی و اینجانب را شدیداً مضروب و مصدوم ساختند و حدود بیست نفر بر سر اینجانب ریختند و آن قدر مشت و لگد بر بدنم وارد ساختند که تعادل خود را از دست داده روی زمین افتاده و چند لحظه‌ای از هوش رفتم. در این هنگام چند نفر مرا به زیر میز فلزی منتقل نمودند. پس از مدتی آقای مهندس توسلی را که به شدت مصدوم شده بود پهلوی من آوردند. در این موقع یکی از مهاجمین روی میز رفته و اظهار داشت که برادران کمیته و دادستانی در اطاق بمانند و بقیه برادران بیرون بروند. مسئولان کمیته و دادستانی به جای آنکه متجاوزین و ضاربین را دستگیر نموده و از تاراج و تخریب و بی‌احترامی به کتابهایی که میان آنها قرآن و نهج‌البلاغه و تفسیر نیز وجود داشت جلوگیری کنند سه نفر دیگری را که همراه خود در ساختمان آورده بودیم بازداشت کردند و پس از آنکه آقایان دکتر یزدی و مهندس توسلی و اینجانب را مدتی در یکی از اطاقها نگه داشتند حدود ساعت شش و نیم بعدازظهر بود که با ماشینهای کمیته ما را به منزل رساندند. در موقع خروج از ساختمان با حالت نزاری که داشتم اصرار کردم که تکلیف اسنادی که مورد تجاوز قرار گرفته را روشن کنید یکی از اعضای کمیته و شخص دیگری

که حکم از دادستانی انقلاب مرکز ارائه داد اظهار نمودند هیچ چیزی خارج نشده و ما مسئول حفاظت آنها هستیم. اظهار داشتیم اقلماً بگذارید از طبقات بازدید کنم با این امر موافقت کردند و در حالی که رئیس پلیس مرکز حضور داشت چندین اطاق را بازدید کردم که تصادفاً دست نزنده بودند. نماینده دادستانی اظهار داشت ساختمان در اختیار ما می‌باشد و باید اسناد آن را خارج کنیم. اظهار شد در حضور ما صورتجلسه کنید و یا پلمپ و مهر نموده فردا با فرصت کافی اسناد را برده و صورتجلسه نمایید، قبول نکردند و با اصرار ما را خارج کردند. روز بعد از دادستانی تلفن کردند که می‌خواهند ساختمان را تحویل ما بدهند پرسیدم چه چیز را می‌خواهید تحویل دهید؟ گفتند فقط اسناد را برده‌ایم بقیه چیزها موجود است بلافاصله دو نفر آقایان دکتر یزدی و مهندس توسلی به محل ساختمان رفته و ساختمان را با در و پیکر شکسته و اثاث خرد شده با پرونده‌ها و اوراق و کتابها و نقدینه و ضبط صوت و ماشین تحریر و غیره به غارت رفته تحویلمان دادند. در اینجا باید بگویم بلایی را که بر سر ساختمان و لوازم و کتابها و اسناد و نشریات آورده‌اند دیدنی است نه شنیدنی. لذا در اینجا از نمایندگان محترم، دولت دعوت می‌نمایم از محل بازدید کرده و خود به داور بنشینند. (دو روزی - خود ملت کرده‌اند لازم نیست ببینند.)

قابل قبول و انتظار نیست که در جمهوری اسلامی ایران ما را به جرم پافشاری در اجرای انتخابات قانونی و بردن نام آزادی مورد ارباب و انواع توهین و تهمت و آزار و یا ضرب و شتم قرار دهند. (مجید انصاری - توهین به جمهوری اسلامی نکنید شما می‌خواهید انتخابات آزاد نباشد جوسازی می‌کنید) با این عمل خود عملاً عدم آزادی انتخابات و امنیت را به داخل و خارج کشور اعلام نمایند. به ویژه که این واقعه تأسف‌بار و عکس‌العمل‌های دیگری که بعد از نطق قبل از دستور اخیر آقای مهندس بازرگان نشان داده شد نمایشنامه‌ای از مقابله اهانت و خشونت با منطق و متانت بود.



از این لحظه به بعد مهمه و هیاهو و سروصدایی که عده‌ای از نمایندگان ضمن سخنان ناطق برپا کرده بودند و به گوش می‌رسید شدت گرفت و جریاناتی در مجلس رخ داد که بخشی از آن از طریق رادیو نیز پخش گردید که عیناً به شرح زیر که از نوار استخراج شده است می‌آوریم:

آقای هاشمی رفسنجانی: خواهش می‌کنم بگذارید وقت تمام شد، آقا وقتتان تمام شد آقای مهندس.

آقای صباغیان: در هر حال این افتخار نصیب ما گشت که نویر انتخابات شیرین...

آقای هاشمی رفسنجانی: آقا، آقای، آقای...

یکی از نمایندگان - ما نمی‌گذاریم، نمی‌گذاریم آقا،

آقای هاشمی: بگریه آقا... بگذارید بیاد،

آقای صباغیان: این چه حرکتیه که می‌کنید؟ این چه حرکتیه که می‌کنید؟ آخه نکنید

آقای معین‌فر: تو چه کاره هستی؟

آقای صباغیان: چرا این کار رو می‌کنی، چرا این کار رو می‌کنی؟ چرا می‌زنی منو؟

آقای معین‌فر: تو چه کاره هستی؟ چکار می‌کنی اینجا؟

آقای هاشمی رفسنجانی: آقا اسلحه را بگذارید زمین.

آقای صباغیان: چرا می‌زنی منو؟

آقای هاشمی رفسنجانی: تریبون را قطع کنید.

از این مرحله به بعد برخی از نمایندگان نخست با مهمه و فحاشی و سپس با ضرب و شتم مهندس

صباغیان را به عنف از پشت تریبون پایین کشیدند و رئیس مجلس دستور قطع پخش مذاکرات مجلس را دادند.

وقت قانونی هر نماینده برای نطق قبل از دستور حداقل ۱۰ دقیقه می‌باشد. صحبت آقای مهندس صباغیان از شروع تا آنجا که آقای هاشمی به ایشان تذکر دادند که وقتشان تمام شده است دقیقاً ۸ دقیقه و ۵۰ ثانیه طول کشیده بود.

دنباله نطق تهیه شده آقای مهندس صباغیان به شرح زیر است:

در هر حال این افتخار نصیب ما گشت که نوبت انتخابات شیرین و آزاد و آرام را که ریاست جمهوری وعده فرمودند بچشمیم. آقای نخست وزیر در مصاحبه اختصاصی خود که روز بعد از حمله به ساختمان نهضت که در رابطه با کارنامه دوساله خود در روزنامه جمهوری اسلامی چاپ شد درباره این سمینار فرمودند:

«واقعاً بنده از این همه پررویی متعجبم چون یقین پیدا کرده‌اند که مردم به آنها رأی خواهند داد برای آمریکا غذا تهیه می‌کنند ولی بنده به حضرات اطمینان می‌دهم که آنها اگر جرأت کنند خود را نامزد کنند رأی خود را خواهند داشت»

این چنین بیانات در شأن کسی نیست که نخست وزیری جمهوری اسلامی را به عهده گرفته‌اند، ضمناً این سخنان برخلاف اصل ۹ قانون قانون اساسی می‌باشد. خوب است ایشان قدری فکر کنند چه کسانی هستند که برای آمریکا غذا تهیه می‌کنند. آنان که درخواست اجرای قانون را دارند یا آنانکه آزادی و امنیت را زیر پا می‌گذارند. یقیناً همچون داستان گرگ و بره گویندگان و نویسندگان مجاز ما را که کمترین اقدامی در جهت خلاف قانون و مقامات رسمی انجام نداده و سلاحمان جز منطق و برهان و استناد به قرآن و قانون اساسی نبوده و نیست مسئول و مقصر تمام این جریان و آشوب خواهند شناخت و نهضت را به آبروریزی جمهوری اسلامی، مخدوش ساختن انتخابات و دادن حربه تبلیغات به دست دشمنان متهم خواهند کرد و امر به معروف و نهی از منکر با جدال احسن ما را با مشقت و لگد و غارت اموال و اسناد پاسخ خواهند داد و هرگز به ما مجال پاسخ‌گویی نخواهند داد. لذا اینک که فرصتی برای سخن گفتن داریم به مسئولان مملکت و قوه قضایی خصوصاً دادستان انقلاب مرکز اعلام می‌نماییم:

۱- حمله با ساختمان نهضت به هیچ وجه قابل دفاع نیست زیرا در صورتی که دادستانی به اسناد و مدارک نهضت نیازمند بود می‌توانست بدون قانون‌شکنی از ما که حزبی قانونی هستیم آن اسناد را مطالبه نماید و ما نیز طبق قانون به درخواست آنان پاسخ می‌دادیم.

۲- لازم است با حضور نماینده نهضت از کلیه اسناد و اجناسی که بطور غیرقانونی با تخریب برده‌اید هرچه زودتر صورتجلسه تهیه نموده و یک نسخه آن را به ما برگردانید.

۳- چون مهر نهضت به غارت برده شده است لذا اعلام می‌نماییم که از تاریخ حمله هر گونه سندی با آن مهر از درجه اعتبار ساقط است.

۴- نظر به اینکه نهضت آزادی یک حزب قانونی و علنی می‌باشد و هیچ چیز مخفی از ملت ایران ندارد بنابراین از دادستان انقلاب می‌خواهیم بلافاصله کلیه اسناد نهضت را در جراید منتشر کنند تا زمانی که نمایندگان نهضت در مجلس می‌توانند در نوبت خود صحبت کنند در رابطه با آنها اظهار نظر کنند. عدم انتشار فوری اسناد اصالت و اعتبار آن را مخدوش ساخته و قوه قضاییه را مورد سؤال قرار خواهد داد و

انتشار بعدی آن از درجه اعتبار ساقط است.

۵- اسناد و مدارک ما را که نتیجه حدود سی سال فعالیت سیاسی اعضا و نهضت بوده و با زحمات زیادی کلاسه‌بندی شده بدون دخل و تصرف مسترد دارید.

۶- در رابطه با انتخابات آزاد اگر می‌خواهید از چهارچوب شعار خارج شوید از هم اکنون به تمام مردم و گروه‌های معتقد به جمهوری اسلامی اجازه فعالیت داده و آزادی را تأمین نمایید و از رسانه‌های گروهی و مطبوعات دولتی موجود فقط در جهت افراد یا گروه خاصی استفاده ننمائید. اگر چنین نکنید نخواهید توانست در آینده به مردم و در آخرت به خدای بزرگ پاسخ دهید.

اللهم رضا بقضائك صبرا علی بلائک تسلیمًا لامرک لامعبود سواک یا غیاث المستغیثین.

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی

هاشم صباغیان

۱۰- در مجلس چه گذشت؟

مجلس شورای اسلامی که امید می‌رفت به این قانون‌شکنی و ستم رسیدگی کرده و در اجرای قانون و تعقیب مجرمین کوشش کند خود صحنه‌ای از قانون‌شکنی، هتک حرمت، آزادی‌کشی و بی‌عدالتی شد. تو گویی دست‌اندرکاران گوشمالی جانانه روز ۶/۸/۶۲ را برای نهضت و نمایندگان کافی نمی‌دانستند و لازم می‌دیدند این نمایندگان را در مجلس نیز تنبیه کنند تا از فضولی «تأمین آزادی انتخابات» منصرف گشته عبرتی برای سایرین باشند. از آنجا که ماجرای این جلسه از زبان رئیس مجلس، آقای مهندس صباغیان، آقای معین‌فر و برخی دیگر از نمایندگان بازگو شده است ما به منظور حفظ امانت عین مطالب نامبرندگان را آورده اضافه می‌کنیم که نوار این جلسه از شروع نطق آقای مهندس صباغیان تا آنجا که میکروفن قطع شده است، از رادیو پخش گردیده، ضبط شده در اختیار نهضت و سایر مردم می‌باشد ضمناً ویدئوی آن نیز در اختیار هیئت رئیسه مجلس است و قابل ارائه در هر دادگاه صالحه‌ای خواهد بود.

الف: اظهارات ریاست محترم مجلس درباره حادثه دفتر نهضت و مجلس

آقای هاشمی رفسنجانی در جلسه ۶۲/۸/۱۰ پس از وصل شدن «تریبون» بیاناتی به شرح ذیل ایراد نمودند.

بسم‌الله الرحمن الرحیم. آقایان توجه بفرمایید قبل از اینکه سخنران بعدی تشریف بیاورند من دو، سه جمله بگویم. جریان برای این که بیرون ... کسانی که گوش می‌دادند توجه بکنند، به این صورت بود که آقای صباغیان اظهاراتی کردند که خوب مردم شنیدند و وقتشان تمام شده بود من اخطار می‌کردم ایشان قطع نمی‌کردند، آقای قره‌باغ آمدند و ایشان را خواستند ببرند کنار که ناراحتی پیش آمد و یک مقداری ما جلسه را از رادیو قطع کردیم و مطلب این است که (الله بداشتی - این بیانات پشتیبانی از ایشان است) اجازه بفرمایید ما انتظار نداشتیم به این صورت پیش بیاید. مطلب این است که آقایان پیش از این که از وزارت کشور اجازه بگیرند برای یک کار اعلامیه‌ای پخش کردند که آن کار خلاف بوده نبایست می‌کردند بایستی اول اجازه می‌گرفتند. بعد اسمش را گذاشته‌اند سمینار تأمین آزادی، کانه از پیش بگویند که آزادی وجود ندارد و ما می‌خواهیم تأمین بکنیم از اسمش تحریک‌آمیز بوده و پیدا بوده، مسأله بعدی این است که آنها دو طرف قضیه را در نظر گرفتند. گفته‌اند اگر گذاشتند حرف بزنیم می‌گوییم آزادی نیست اگر هم نگذاشتند همین کارها را می‌کنیم که حالا دیدید که برنامه بوده و متأسفانه این طور چیزی را ما توقع نداریم از کسانی که توی مجلس شورای اسلامی هستند اگر بیرون باشند حرفی نداریم. آنهایی که توی مجلس هستند نباید این چنین رویه‌هایی عمل کنند اگر هم بیرون عمل می‌کنند به مجلس نکشانند حالا به هر حال

کشاندند و من از برادران می‌خواهم که خونسردی‌تان را حفظ کنید این مسائل نیاز ندارد که عصبانی بشوید خون شهدا، را این طوری نمی‌شود پایمال کرد. شما خیال نفرمایید که این اثر چندانی دارد و اشتباه دیگری این بود که این جا گفتند که سیصد نفر مسلح آمدند که مسلح نبودند مردم عادی رفته بودند و آنها با مردم طرف بودند. در این قضیه هم مسأله جداگانه است که البته رسیدگی می‌شود باید ببینیم که آن مسلحی که آقایان می‌گویند آیا مسلح رفته جلوگیری کند یا برای امنیت رفته؟ این مسائل رسیدگی می‌شود به هر حال من خواهش از شما برادران و خواهران نماینده این است که خونسردی‌تان را حفظ کنید در این مسائل حرف بهتر از عمل می‌تواند توضیح‌گر باشد. حرف بزنید، روشن کنید، مسائل را بگویید. سخنران بعدی تشریف بیاورند...

به طوری که ملاحظه می‌شود مطالب ایشان با واقعیت حوادث بسیار متفاوت است.

ب: تخلف از آیین‌نامه و سخنان خلاف واقع آقای منتجب‌نیا:

علاوه بر این در همان جلسه مجلس آقای هاشمی رفسنجانی به یکی از نمایندگان آقای منتجب‌نیا، که صحبت ایشان در دستور کار مجلس قرار نداشت برخلاف آیین‌نامه داخلی مجلس اجازه دادند که گزارشی سر تا پا خلاف در مورد حمله به نهضت را بخوانند. ما برای آنکه نشان بدهیم که تا چه حد علیه نهضت آزادی جوسازی شده و در مجلس گزارشات خلاف عنوان می‌شود، مطالب ایشان را عیناً می‌آوریم:

منتجب‌نیا - بسم‌الله الرحمن الرحیم. دیروز من گزارشی را از وزارت کشور گرفتم که در جلسه امروز سه‌شنبه عرض کنم ولی فرمودند الان به عرض نمایندگان محترم برسایم.

صبح روز سه‌شنبه هفته گذشته از طرف نهضت آزادی اعلامیه‌ای توزیع می‌شود، در سطح وسیعی در تهران و متن آن دعوت از عموم مردم بوده به دفتر نهضت آزادی با تعبیر «هموطن»
«هموطن عزیز برای تأمین انتخابات آینده در عصر جمعه جمعه گذشته شرکت بکنید.

این اعلامیه پخش می‌شود و به دنبال آن وزارت کشور چون احساس می‌کند که متن این اعلامیه دعوت به سمینار نیست، بلکه دعوت به میتینگ است و میتینگ نیازمند به اجازه رسمی از وزارت کشور است اعلام می‌کند به شهربانی که این میتینگ غیرقانونی است. متأسفانه بعد از اعلام وزارت کشور و شهربانی باز به پخش اعلامیه ادامه می‌دهند تا حدی که چند نفر دختر را در رابطه با توزیع اعلامیه، اعضای کمیته دستگیر می‌کنند.

این قضیه ادامه پیدا می‌کند تا روز بعد از آن اعلامیه، آقای صباغیان نامه‌ای به وزارت کشور می‌فرستند و در آن متذکر می‌شوند که بنا است روز جمعه سمیناری در فلان جا برگزار بشود و ما جهت اطلاع «نه کسب اجازه» جهت اطلاع و تأمین امنیت آنجا این نامه را نوشتیم. یعنی کمک می‌طلبید از وزارت کشور که مأموران انتظامی امنیت آنجا را برقرار بکنند و ضمناً جهت اطلاع بوده نه کسب اجازه و این نامه‌ای که آقایان می‌فرستند و بعد از آن که نامه نوشته می‌شود و به ایشان متذکر می‌شوند که غیرقانونی است، آقایان تراکت‌هایی را پخش می‌کنند که وزارت کشور گفتند نامه‌هایی را اطراف آن دفاتر ما پیدا کردیم که نوشته شده بود به دلیل ممانعت وزارت کشور این سمینار تعطیل شد و پلاکاردی را بالای دفتر نصب می‌کنند که «به دلیل ممانعت وزارت کشور ممنوع شد و تعطیل اعلام می‌شود». روز عصر جمعه آقایان صباغیان، توسلی و ابراهیم یزدی و همراهان در ساختمان حضور پیدا می‌کنند که مردم متوجه قضیه می‌شوند. مردم هشیار و حزب‌الله متوجه بودند و اطراف دفتر نهضت آزادی را می‌گیرند. آقای مهندس بازرگان با حضرت آیت‌الله مهدوی کنی تماس تلفنی برقرار می‌کنند و می‌گویند مردم دفتر را محاصره کرده‌اند و شما جلوگیری کنید. آقای مهدوی کنی با آقای ناطق نوری وزیر کشور تماس می‌گیرند و وزیر کشور هم دستور می‌دهند به کمیته که کمیته آنجا حضور پیدا کنند و مردم را متفرق کنند.

وقتی کمیته وارد می‌شوند، می‌بینند که مردم، مردمی که مسلح نبودند، مردم حزب‌الله، نه اعضای کمیته، مردم وارد دفتر شدند و با آقایان درگیر شدند پرسنل کمیته در صدد متفرق کردن مردم برمی‌آیند و مردم را از ساختمان دور می‌کنند و مأمور می‌شوند از طرف وزارت کشور که آقایانی که در آنجا هستند یعنی اعضای نهضت آزادی را اسکورت کنند و به منزلشان برسانند. و لکن مردم از اطراف دفتر متفرق نمی‌شوند تا حدود ساعت ۷/۳۰-۷ شب، چون مأمورین کمیته می‌بینند از وسط مردم نمی‌توانند آقایان را بیرون ببرند و برای آنها خطر دارد، آقایان را از پشت بامها رد می‌کنند از حیاط‌های همسایه آنها را بیرون می‌برند و با اتومبیل کمیته آنها را اسکورت می‌کنند به محل خودشان و منزل خودشان می‌رسانند. فقط اتومبیلی بوده از آقای ابراهیم یزدی که در کمیته باقی می‌ماند با ایشان تماس می‌گیرند که راننده را بفرستید و اتومبیل را تحویل بگیرید که می‌فرستند و اتومبیل را از آنجا تحویل می‌گیرند.

این خلاصه گزارشی است که وزارت کشور به من دادند و معلوم شد که نه مسلحی به آنجا حمله کرده بوده و نه نیروهای انتظامی مردم بودند و این هم مسأله سمینار نبوده بلکه برای هر عاقل و آگاهی روشن است که تصمیم بر برگزاری میتینگ بوده به نام سمینار.

والسلام علیکم ورحمة الله

ج - گزارش حادثه به شرح مشروح مذاکرات آن روز مجلس

صورت مشروح مذاکرات جلسه پانصد و بیست و چهارم روز سه‌شنبه دهم آبان ماه ۶۲ که توسط اداره تندنویسی مجلس شورای اسلامی تهیه و با امضای رئیس جلسه چاپ و توزیع می‌گردد، شرح ماوقع را چنین آورده است:

قره‌باغ - این بچه شیطان چه کاره است؟ از پشت تریبون بیا پایین.

رئیس - خواهش می‌کنم بگذارید حرف تمام شود.

قره‌باغ - ما نمی‌گذاریم صحبت کند.

رئیس - آقای مهندس وقتتان تمام شد.

قره‌باغ (خطاب به آقای صباغیان) - از پشت تریبون بیا پایین.

صباغیان - در هر حال این افتخار نصیب ما گشت که نوبر انتخابات شیرین (در این هنگام آقای قره‌باغ

پشت تریبون آمده و آقای مهندس صباغیان را از پشت تریبون پایین کشید).

رئیس - آقای آقای....

قره‌باغ - ما نمی‌گذاریم آقا، ما نمی‌گذاریم آقا. بیا پایین.

صباغیان - ببینید دارند چه کار می‌کنند؟

رئیس (خطاب به آقای قره‌باغ) - بگذارید بیاید.

صباغیان (خطاب به آقای قره‌باغ) - آقا این چه حرکتی است می‌کنید؟ نکنید.

معین‌فر (خطاب به آقای قره‌باغ) - تو چه کاره هستی؟

صباغیان (خطاب به آقای قره‌باغ) - چرا این کار را می‌کنی؟ چرا می‌زنی مرا؟

معین‌فر (خطاب به آقای قره‌باغ) - تو چه کاره هستی، چه کار می‌کنی اینجا.

رئیس - آقا، از اطراف تریبون بروید عقب.

صباغیان (خطاب به آقای قره‌باغ) - چرا می‌زنی من را؟

معین‌فر (خطاب به آقای قره‌باغ) - تو چه کاره هستی؟

رئیس - تریبون را قطع کنید.

به طوری که ملاحظه می‌فرمایید گزارش مشروح مذاکرات ناقص است. نه تنها آنچه که در همان چند لحظه از رادیو منتشر گردیده است و صدها هزار نفر از مردم شنیده‌اند منعکس نمی‌نماید. بلکه از آنچه که بعد از قطع رادیو در مجلس اتفاق افتاد نیز ذکری به میان نیاورده است.

د - مشاهدات یکی از نمایندگان

آقای فخرالدین حجازی مشاهدات این جلسه را تحت عنوان «دعوی مجلس» به نظم درآورده و روز پنجشنبه ۶۲/۸/۱۲ در معرض تماشای حاضران در مجلس شورای اسلامی گذاشتند. ما از ابیاتی که متضمن دشنام، تهمت و افترا علیه نهضت است با کرامت گذشته و آنها را حذف می‌نماییم و تنها قسمتی را که مربوط به حادثه و از روی دستخط ایشان کپی برداشته شده است ذیلاً می‌آوریم.

جویری بمیدان جنگ واران	بغریه خنجرلی پر توان
ولی خوار و نالان دزار آمدند	دگر لیرالان کبار آمدند
صراحی شکسته قبح ریخته	دلیلان بکله بئر آویخته
کسینه فریاد؟ خشمگین	بیفا دعوا مه؟ بر زمین
نسته به کرسی پاینده اس	ریاست بخوردری و خنده اش
همی بود ناظر بر آن کار زار	به آرامی و خاموشی و وقار
حشونت بر آن جنک دعوا گرفت	چو آن سعه جنگ بالا گرفت
شود بر چنین صحنه کار زار	بفرمود آتش بسی بر قرار
بدند ان گزیده سر انگشت بود	ولی دستها همچنان مشت بود
بر آکنده سازد صف کار زار	ریاست بفرمود تا پانده ار
برون از میان هیاهو سینه	دلیلان زخمی به کسب سینه
بگوش معین فریاد چک گذشت	بغریه ناگاه الله به است
به این سوی و آن سوی میرد دست	معین فرمقاوم چو پیدلان مست
بر آورد دستش از آستین	که ناگاه غفاری خشمگین
که خون از سرش گشت فواره زن	بزد مشت بر کله چاق سن

هـ- مشاهدات و تجربیات آقای مهندس صباغیان

آقای مهندس صباغیان حوادث این جلسه را خود به رشته تحریر درآورده و در اختیار گذاشته‌اند. ما در اینجا عین نوشتار ایشان را برای استحضار خوانندگان نقل می‌کنیم:

نطق را قبل از رفتن به مجلس در منزل خواندم و با اندازه‌گیری وقت متوجه شدم خواندن آن دقیقاً یازده دقیقه وقت لازم داشت ولی چون برحسب معمول مجلس نمایندگان دو دقیقه از وقت اضافی استفاده می‌نمودند تغییری در آن ندادم.

در مجلس پس از گذشتن، مدت پنج دقیقه از خواندن نطق اعتراض در بین نمایندگان شروع شد و با یک نگاه در طرف غرب سالن مجلس متوجه شدم که این اعتراضات از طرف آقایان قره‌باغ، ناری‌زاده، مجید انصاری بود در همین موقع آقای قره‌باغ از محل خود بلند شد و اعتراض کنان به سمت تریبون آمد و در جلوی تریبون داد و فریاد راه انداخت که «بیا پایین و این حرفها چیست می‌زنی» من به مطالب وی توجهی نکرده و به سخنان خود ادامه دادم. در این موقع آقای قره‌باغ دستم را گرفت که از پشت تریبون پایین بکشد ولی باز به او توجهی نکردم وی سپس عبای خود را به کناری انداخت و جلو آمد در حالیکه می‌گفت «این بچه شیطان چه کاره است از پشت تریبون بیا پایین ما شهید داده‌ایم و نمی‌گذاریم این حرفها را بزنند» دستم را گرفت و پایین کشید، باز هم مقاومت کردم، مجدداً دستم را گرفت به سختی پایین کشید به طوری که کت من پاره شد، در همین موقع متوجه شدم عده‌ای از نمایندگان به سمت تریبون می‌آیند آقایان مهندس معین‌فر - مجید انصاری - اسدی‌نیا - الله بهداشتی - خلخالی که در بین اینها آقای مهندس معین‌فر از بقیه

جلوتر بود و سریع به سمت تریبون می‌آمد. آقای معین‌فر به سمت آقای قره‌باغ رفته و اظهار داشت «تو چه کاره هستی؟ چه کار می‌کنی؟». در همین موقع مشت محکمی از طرف آقای اسدی‌نیا به گردنم خورد و بقیه نمایندگان نامبرده روی سرم ریختند و مشت و لگد بود که نتارم می‌شد. با توجه به تجربه روز جمعه ۶۲/۸/۶ با دستهای صورتم را پوشاندم در این موقع آقای زائری را دیدم که دیگران را از من دور نموده و با حائل ساختن خود از حمله دیگران به من جلوگیری می‌کرد، ولی آقای عابدین‌زاده علیرغم وجود آقای زائری مشت دیگری به من زد، در این اوان چشمم به آن طرف میز منشیها افتاد دیدم آقای معین‌فر بر روی زمین افتاده بود صورتش ورم کرده و آثار ضرب زیادی در پای چشمش دیده می‌شد و آقای هادی غفاری فحشهای بسیار رکیک و زننده و ناموسی نثار ما می‌کرد. بالاخره با دخالت آقایان انصای راد - احمد ناطق نوری - زائری - عزت‌الله سبحانی از حمله نمایندگان که عبارت از آقایان اسدی‌نیا - عابدین‌زاده - هادی غفاری - الله بهداشتی - عزت‌الله دهقان و بود جلوگیری نموده و آقای معین‌فر و مرا از مجلس بیرون بردند. در همین موقع که از سالن مجلس خارج می‌شدیم کسی از پشت سر با کف دست محکم به سرم کوبید، برگشتم دیدم آقای هادی غفاری بود. بالاخره ما را به اطاق آقای موسوی خویینی‌ها هدایت کردند. در این اطاق به صورت نیمه زندانی بودیم زیرا اجازه نمی‌دادند با کسی تماس بگیریم و حتی از تماس تلفنی هم جلوگیری می‌شد. سرانجام به پاسداری که مانع تلفن کردن من می‌شد و با حمایت آقای موسوی خویینی‌ها از من، موفق شدم تلفنی بکنم. پس از شروع مجدد مجلس قصد رفتن به مجلس را داشتیم که مأموران مانع شدند. اصرار کردیم تا آقای بشارتی از طرف هیئت رئیسه آمده و گفتند چون جو نامساعد است بهتر است شما امروز به منزل بروید و اگر چه ما اصرار داشتیم که ابتدا به سالن رفته پس از گذشت نیم ساعت به منزل برویم، آقای بشارتی روی نظر هیئت رئیسه اصرار داشتند. بالاخره آقای مهندس بازرگان آمدند و ایشان هم تایید کردند که بهتر است ما به منزل برویم لذا ما قبول نموده و هر دو به منزل رفتیم.

و - اخطار نظامنامه‌ای آقای مهندس معین‌فر

آقای مهندس معین‌فر که از مصدومین و مجروحین جلسه ۶۲/۸/۱۰ بوده‌اند، انتظار داشتند که جزئیات این حادثه اگر نه در دادگاه صالحه، لااقل در صورتجلسه مجلس به درستی بازگو شود ولی از آنجا که انتظارشان برآورده نشد در جلسه ۶۲/۸/۲۹ اخطار نظامنامه‌ای دادند که متأسفانه آن هم به دلیل ممانعت ریاست مجلس نیمه تمام ماند. متن کامل اخطار آقای مهندس معین‌فر ذیلاً از نظرتان می‌گذرد.

«بسم‌الله الرحمن الرحیم - صورتجلسه ۵۲۴ مورخ ۶۲/۸/۱۰ که چاپ و توزیع شده نیاز به اصلاحاتی دارد و علاوه بر آن منعکس‌کننده تمام جریانی که در آن روز در جلسه علنی اتفاق افتاد نمی‌باشد. نوار آن قسمت از جریان قبل از آنکه پخش مستقیم رادیو قطع شود نزد اینجانب و عده کثیری از مردم موجود است و این نوار با آنچه در صورتجلسه نوشته شده به طور کامل تطبیق نمی‌کند. به طور مثال در نوار جمله «بگیرید بله» و بعد جمله «بگذارید بیاد» و پس از چند لحظه جمله «آقا اسلح را بگذارید.» توسط آقای رئیس ادا شده و در صورتجلسه فقط جمله «بگذارید بیاد» ذکر شده و بعد در پرائنتر نوشته شده «خطاب به آقای قره‌باغ» و معلوم نیست این پرائنتر روی چه قرینه‌ای است. با توجه به اینکه پس از قطع رادیو از طرف آقای رئیس اعلام تنفس و یا تعطیلی نشد بقیه جریان نیز در جلسه علنی اتفاق افتاده است و باید در

صورتجلسه ذکر می‌شد.»

در اینجا آقای رئیس مانع ادامه صحبت آقای مهندس معین فر شدند. ادامه توضیحات ایشان به نقل از متن نوشته شده اخطار نظامنامه‌ای به شرح زیر است:

«حاضر جلسه ملاحظه کردند که حدود ده نفر از نمایندگان محترم بر سر آقای صباغیان و اینجانب ریختند و با ضربات مشت و لگد ما را مضروب و مصدوم کردند خصوصاً حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای هادی غفاری به خارج ساختن کفش از پای خود و کوفتن‌های مرتب بر سر و صورت و بدن اینجانب گوی سبقت را از دیگران ربودند. ایشان همچنین فحشهای عرضی و ناموسی زن، مادر و خواهر نثار من کردند که مستوجب حد است. پس از آنکه با فداکاری و همت جمعی از نمایندگان تا حدودی جلوی مهاجمین سد و اینجانب به جایگاه هیئت رئیسه پناه بردم که از حمله و تهاجم مجدد مصون بمانم. در جلوی چشم رئیس محترم مجلس شورای اسلامی دو تن از افراد گارد و محافظ مجلس نیز با پوتین‌های سنگین و با لگد و مشت مرا به شدت کتک زده از سالن خارج ساختند. به طور کلی در اثر این حادثه و ضربات وارده قسمتهایی از بدنم کبود و خون‌مردگی پیدا کرد. به سرم برآمدگیهایی به وجود آمد اطراف چشم چپم به شدت صدمه دیده به طوریکه هنوز هم آثار کبودی آن باقی است. درخواست دارم این صحنه‌های مشمئزکننده تاریخی که در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی اتفاق افتاد در صورتجلسه ثبت شود.»

متأسفانه ریاست محترم مجلس برخلاف آیین‌نامه مجلس، نه تنها مانع ادامه صحبت آقای مهندس معین فر و اتمام اخطار نظامنامه‌ای ایشان شدند بلکه به جای اصلاح و ترمیم خرابیهای به بار آمده مطالبی بیان کردند که به هیچ وجه کمکی به اعاده حیثیت مجلس و نمایندگان ملت ننمود. متن سخنان ایشان بدین قرار است:

«این تعبیر اسلحه را بگذارید از چیزهایی بود که خبرگزاری فرانسه جعل کرد و ایشان هم عیناً از اینجا پخش کردند. اگر چنانچه این جمله در نوار نبود من علیه ایشان اعلام جرم می‌کنم. چون چنین چیزی وجود ندارد. لااقل خوب بود می‌رفتند به نوار مراجعه می‌کردند و کمیسیون اصل ۹۰ مراجعه بکند به متن نوار و آنچه که پیاده شده هر کلمه و هر حرفی و هر چیزی که از مجلس قطع شده و نبود در صورت مذاکرات بیاورد این حقی است که باید انجام بشود. ولی باز حرکت آقایان، ما با همه نصیحت‌هایی که کردیم همان است و ایشان هم از این اخطار استفاده کردند به ادامه همان توطئه، که مصمم هستیم توطئه را در ایران سرکوب می‌کنیم. ولی تذکرات قانونی حق است. آقایان هر چیزی دارند بفرمایند ولی توطئه نفرمایند.»^۱

۱۱- اظهارات وزیر محترم کشور و پاسخ نهضت

حجت‌الاسلام آقای ناطق نوری وزیر کشور که علاوه بر مسئولیت نیروهای انتظامی کشور، مسئولیت اجرای قانون احزاب را نیز به عهده دارند. در مصاحبه‌ای که در شماره ۱۲۸۲، ۱۱ آبان ماه ۶۲ روزنامه جمهوری اسلامی منتشر شد، مطالبی خلاف واقع درباره یورش مهاجمین «مجاز ولی غیرمسئول» به نهضت آزادی ایران بیان داشته و ضمن اهانت به نهضت و نهضتی‌ها کوشیده‌اند این عمل شرم‌آور خلاف قانون و مصلحت را توجیه کنند. قبلاً هم همانطور که اشاره کردیم حجت‌الاسلام آقای هاشمی رفسنجانی نیز در روز ۱۰ آبان ماه در مجلس شورای اسلامی پس از مضروب شدن آقایان مهندس صباغیان و

1. کیهان - دوشنبه ۳۰ آبان ۶۲

مهندس معین فر مطالب مشابهی را ابراز داشته بودند. نهضت آزادی طی نامه‌ای خطاب به آقای ناطق نوری به این مطالب غیرواقع و تحریفات پاسخ گفت. ذیلاً متن نامه نهضت آزادی ایران به وزیر کشور را منتشر می‌سازیم تا خوانندگان عزیز بتوانند خود به قضاوت بنشینند:

بسمه‌تعالی

جناب حجت‌الاسلام ناطق نوری وزیر کشور جمهوری اسلامی ایران

با سلام و آرزوی توفیق در شناخت و اعتراف به حقایق برای جنابعالی، لازم می‌دانیم به حکم وظیفه امر به معروف و نهی از منکر و توصیه به حق مطالبی پیرامون مصاحبه اختصاصی شما با روزنامه جمهوری اسلامی (شماره ۱۲۸۲ مورخ چهارشنبه ۱۱ آبان ۱۳۶۲) به استحضارتان برسانیم تا چنانچه ندانسته گفته‌اید به تصحیح گفته خود بپردازید و بدینوسیله به روشن شدن اذهان و دور شدن از خشم ایزد منان کمک فرمایید.

مقدمتاً باید بگوییم که ما در صدد نیستیم درباره داوری‌های جنابعالی از قبیل «موات» خواندن نهضت و یا «نداشتن چهره موجه» سخن بگوییم. از این قسمت با کرامت می‌گذریم و تنها یادآور می‌شویم که انتظار می‌رفت جنابعالی بدانید که کسی، آن هم در مقام وزارت کشور قانوناً اجازه هتک حیثیت شهروندان را ندارد. ما به مطالب خلاف واقعی که در این مصاحبه آمده است به شرح ذیل اشاره می‌کنیم تا اگر انصاف دارید به تصحیح آن بپردازید:

۱- فرموده‌اید «نهضت در تاریخ ۶۲/۸/۳ نامه‌ای برای ما فرستاد که در آن نامه درخواست موافقت با برگزاری این میتینگ را کرده بود.» چنین مطلبی انسان را به یاد داستان معروف «خسن و خسین هر ۳ دختران معاویه هستند» می‌اندازد. اولاً نهضت آزادی ایران در تاریخ ۶۲/۷/۳۰ و نه در تاریخ ۶۲/۸/۳ نامه‌ای به وزارت کشور فرستاده است و دلیل روشن صحت ادعای نهضت علاوه بر تصویرنامه نهضت و تلگرافات کمیته مرکزی و شهربانی که ضمیمه است دفاتر نامه‌های وارده وزارت کشور می‌باشد. ثانیاً در این نامه تقاضایی وجود نداشته و تنها برگزاری سمینار را به اطلاع وزارت کشور رسانده‌ایم. ثالثاً در این نامه به هیچ وجه سخنی از «میتینگ» وجود ندارد و جنابعالی به ناحق استنباط خود را به نهضت نسبت داده‌اید. در اینجا باید بگوییم که ممکن است نامه نهضت که در روز ۶۲/۷/۳۰ به وزارت کشور داده شده است چهارروز بعد به اطلاع جنابعالی رسانیده باشند که در این صورت نیز حق بود مساله را عیناً و با صراحت با ما و مردم در میان بگذارید.

۲- فرموده‌اید «این سمینار هم مانند سمینارهایی است که در جامعه تشکیل می‌شود و در روزنامه‌ها هم نوشته می‌شود.» آقای وزیر ما هم علاقمندیم که به جای پخش اطلاعاتی بتوانیم سمینارها و جلسات خود را در روزنامه‌ها اعلام کنیم و برای خود و مدعوین مشکلاتی مانند آنچه پیش آمد فراهم نسازیم ولی جنابعالی به عنوان وزیر کشور جمهوری اسلامی و به عنوان عضو شورای مرکزی حزب حاکم به خوبی می‌دانید که روزنامه‌های کثیرالانتشار که متعلق به بنیاد مستضعفان بوده و تحت نظارت معاون نخست وزیر در امور بنیاد اداره می‌شوند حاضر نیستند حتی با اخذ بهاء، آگهی‌های تسلیت و کلاسهای سیاسی - عقیدتی نهضت آزادی ایران را به اطلاع مردم برسانند. اگر حاکمیت برخلاف قانون همه درها را به روی

حزبی قانونی چون نهضت آزادی ببندد آیا چاره‌ای جز پخش اطلاعیه آن هم در سطح محدود (نه آنطور که جنابعالی گفته‌اید که در سطح شهر پخش شده است) می‌ماند؟

۳- شما سمینار نهضت آزادی را «میتینگ» نام نهاده و بدینوسیله تجاوز به ساختمان نهضت را قانونی جلوه داده‌اید. اولاً همانطور که اعلام شده است این سمینار در ساختمان نهضت که گنجایشی کمتر از پانصد نفر دارد برگزار می‌شد و همه کس می‌داند که در فضایی بدین کوچکی نمی‌توان میتینگ برگزار کرد. ثانیاً اگر جمعیت بیشتری به دعوت ما پاسخ مثبت می‌داد مأمورین کمیته و شهربانی قانوناً می‌توانستند به آسانی و برای جلوگیری از سد معبر آنها را به خانه‌هایشان برگردانند. ثالثاً اگر هم ادعای باطل جنابعالی را پذیرفته و این سمینار را میتینگ نام نهیم باز هم چنین گردهمایی طبق تبصره ۲ ماده ۶ قانون احزاب که می‌گوید:

«تشکیل اجتماعات و راهپیمایی طبق اصل ۲۷ قانون اساسی آزاد است ولی برگزاری آنها در پارک‌ها، میادین و معابر عمومی منوط به کسب مجوز از وزارت کشور است.»

تنها زمانی نیازمند به اجازه وزارت کشور است که در پارک‌ها و معابر عمومی برگزار شود و روشن است که محل برگزاری این گردهمایی داخل ساختمان نهضت آزادی ایران و نه در پارک، معبر و یا میدانی بوده است. ضمناً توجه دارید که این ماده احزاب را مکلف به مطلع ساختن وزارت کشور در موارد گردهمایی‌های داخلی نمی‌نماید و نهضت با حسن نیت و داوطلبانه طی نامه شماره ۲۱/۴/۴۱۳ مورخ ۶۲/۷/۳۰ مراتب را به اطلاع وزارت کشور رسانیده است.

۴- فرموده‌اید: «بنده دستور دادم که به منطقه رفته و مردم را متفرق کنند تا به ساختمان نهضت و افرادشان حمله نشود». آقای وزیر اگر راستی شما چنین دستوری دادید باید بگوئیم، کارکنان حوزه مسئولیت شما ظاهراً کمترین ارزشی برای دستوراتتان قائل نبوده و عملاً آن را اجرا نکرده‌اند. زیرا این کارکنان نه تنها مردم را متفرق نساختند بلکه خود جزء مردم بودند و به عنوان نمونه حتی یک نفر از مهاجمین را دستگیر نساختند. هم اینان بودند که پاره‌ای اسناد و اموال نهضت را به کمیته مرکزی بردند.

۵- فرموده‌اید: «ملتی که دارد کشته می‌دهد و برای حفظ استقلال و آزادی می‌جنگد آیا درست است که بعد عده‌ای بیایند و بگویند که ما می‌خواهیم سمیناری برای تأمین آزادی انتخابات تشکیل دهیم؟» پاسخ سؤال شما روشن است. اولاً اصل نهم قانون اساسی که خونبهای شهیدان است صریحاً گفته است که:

«در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد بنام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.»

ثانیاً آیا وزیر کشور چنین ملتی، حق دارد خودسرانه این اصل را زیرپا بگذارد و کسانی که اجرای آن را مطالبه کرده‌اند مورد اتهامات ناروا قرار دهد. ثالثاً اگر آزادی‌های مصرحه در قانون اساسی حکم‌فرماست بهتر بود اجازه داده می‌شد که چنین سمیناری برگزار شود و همه مردم بدانند که آنان که درخواست تأمین آزادی انتخابات را دارند گروهی دروغگو می‌باشند. ولی آقای وزیر بگذارید ما سؤال شما را به صورت دیگری مطرح نموده بپرسیم «ملتی که دارد کشته می‌دهد و برای حفظ استقلال و آزادی

می‌جنگد آیا درست است که حق حضور آزادانه در یک گردهمایی قانونی را نداشته باشد».

۶- فرموده‌اید: «همواره امام امت هم به رأی مردم و آزادی انتخابات تأکید فرموده‌اند». جناب آقای وزیر کشور آیا سزاوار است علیرغم تأکید امام امت اینگونه با کسانی که برای تأمین آزادی انتخابات می‌کوشند برخورد خصمانه کنید؟

۷- فرموده‌اید: «همان شب می‌بینید که رادیوهای بیگانه شروع به تبلیغات بر ضد جمهوری اسلامی می‌نمایند و می‌گویند که در ایران حتی به اندازه تشکیل یک سمینار هم آزادی نیست». آقای وزیر در حالی که نهضت تسلیم درخواست مخالف قانون وزارت کشور شده و سمینار را لغو نموده بود و مراتب را طی برده‌ای که بر دیوار خارجی ساختمان دفتر نصب کرده بود به اطلاع عموم رسانیده بود اگر وزارت کشور وظیفه قانونی خود را در حفظ امنیت شهروندان انجام می‌داد و مانع تهاجم به نهضت می‌گردید آیا برای رادیوهای بیگانه خوراکی فراهم شده بود؟ راستی اگر وزارت کشور حمله به دفاتر احزاب را خلاف قانون می‌داند چرا جلوگیری ننموده و درصدد توقیف و محاکمه متخلفین بر نمی‌آید؟

جناب آقای وزیر کشور باید بگوییم همانطور که «سمینار تأمین آزادی انتخابات» توانست از اولین گام، آزادی انتخابات را اثبات کند، مصاحبه جنابعالی نیز به خوبی توانست صحت اطلاعات و یا حسن نیت و بی‌نظری جنابعالی را آشکار سازد. گواه عاشق صادق در آستین باشد.

ما در برابر این آزادی‌کشی‌ها و بی‌عدالتی‌ها چاره‌ای جز صبر نداریم. تنها به حکم وظیفه خطیر امر به معروف و نهی از منکر و توصیه به حق گهگاه اقدامی نموده و خود را به خطر می‌اندازیم و امیدواریم که بتوانیم در پیشگاه الهی روسیاه نباشیم.

ربنا آتنا من لدنک رحمه و هیئتی لنا من امرنا رشدا

نهضت آزادی ایران

۶۲/۸/۲۱

۱۲- نامه و تلگرام به دادستان انقلاب اسلامی مرکز

همانطور که گفته شد آرشیو نهضت آزادی ایران از تحقیقات و اسناد ذی‌قیمتی مربوط به مبارزات ملت رزمنده ایران تشکیل شده است. برخی از این اسناد نسخه‌های منحصر به فردی هستند که از بین رفتن آنان خسارت معنوی بزرگی به فرهنگ جمهوری اسلامی وارد می‌سازد. نهضت به منظور حفظ این گونه اسناد، در تاریخ ۶۲/۸/۱۲ نامه‌ای به دادستانی انقلاب مرکز نوشته درخواست نمود اولاً از اسناد رپوده شده صورت‌مجلس در حضور نماینده نهضت آزادی تهیه گردد، ثانیاً از اسنادی که مورد نیاز دادستانی است کپی برداری شده به نهضت عودت داده شود و ثالثاً آرشیو نهضت را که مورد احتیاج دادستانی نیست به نهضت برگردانند. چند روز پس از ارسال این نامه چون اقدام مقتضی از طرف دادستانی صورت نگرفت، در تاریخ ۶۲/۸/۱۷ نهضت طی تلگرامی به دادستانی تقاضای خود را دنبال کرد. متأسفانه تا این تاریخ پاسخی به این تقاضا داده نشده است. متن نامه و تلگراف نهضت به دادستانی ذیلاً از نظر خوانندگان عزیز می‌گذرد:

نامه نهضت به دادستان انقلاب اسلامی مرکز

بسمه تعالی

جناب آقای اسدالله لاجوردی

دادستان انقلاب اسلامی مرکز

به طوری که مسبقاً هستید در جریان رویداد روز جمعه ۶ آبانماه و حمله به دفتر نهضت آزادی ایران، نمایندگان آن دادستانی نیز حضور پیدا کردند و در حدود ساعت ۵/۳۰ بعد از ظهر، موقعی که مأموران کمیته مرکزی انقلاب اسلامی به منظور اجرای دستوری که داشتند ترتیب انتقال ۳ نفر آقایان مهندس توسلی، مهندس صباغیان و دکتر یزدی را از ساختمان به منازلشان می دادند در برابر سئوال برادران مسئول نهضت در مورد سرنوشت ساختمان و اسناد و مدارک آن اظهار داشتند که ساختمان به برادران دادستانی تحویل داده می شود و آنها حفاظت می نمایند. در مورد اینکه آیا اوراق و مدارکی در اثر حمله به ساختمان بیرون برده شده باشد با صراحت گفتند و چند بار هم تکرار کردند که یک ورق هم از ساختمان برده نشده است و هرچه در دست اشخاص دیده شده موقع خروج از ساختمان از آنها ضبط شده است.

برادری که به عنوان نماینده دادستانی معرفی شده بود کارت شناسایی خود و برگ مأموریتی را که به شماره ۳۰/۶۲/۶۸۱۷ مورخه ۶ آبانماه ۶۲ مبنی بر جلوگیری از اتلاف اسناد و مدارک و انتقال به دادستانی با مهر و امضای جنابعالی بود ارائه داده و تأکید و تأیید کرد که از تمامی اسناد و مدارک و لوازم حفاظت خواهد شد و اسنادی را هم که لازم بدانند به دادستانی خواهند برد. از ایشان در حضور نماینده کمیته مرکزی و سایر مأموران کمیته و دادستانی درخواست شد، بردن اسناد با حضور نماینده ای از جانب نهضت (یکی از ۳ نفر آقایان فوق الذکر) و با تهیه صورت مجلس انجام گیرد. متأسفانه موافقت نمودند. درخواست شد تمامی اطاقها و دفاتر لاک و مهر بشود و در اختیار نمایندگان دادستانی باشد و اول وقت روز بعد در حضور نمایندگان نهضت و با تهیه صورت مجلس اسناد را ببرند. با این درخواست نیز موافقت نشد. بعد از اصرار و تأکید تنها موافقت کردند یکی از ۳ نفر آقایان فوق الذکر (آقای مهندس صباغیان) در معیت یکی از مأموران حاضر (جناب سرهنگ فشارکی رئیس پلیس تهران) به طبقات مختلف سرکشی نموده و وضعیت هر یک از اطاقها را بررسی کنند، که انجام شد و مشاهده گردید که بسیاری از اطاقها دست نخورده مانده بودند.

حدود ساعت ۶/۳۰ برادران فوق الذکر را از ساختمان خارج و به منازل منتقل ساختند.

روز بعد، شنبه ۷ آبانماه ۶۲، حدود ساعت ۹ صبح از طرف نمایندگان دادستانی مستقر در ساختمان اطلاع داده شد که آماده برای تحویل ساختمان و لوازم آن هستند. نمایندگان نهضت مراجعه کردند و در حضور و با شرکت نمایندگان دادستانی انقلاب و کمیته مرکزی از تمام طبقات ساختمان که در اختیار نهضت می باشد بازدید به عمل آمد و صورت مجلسی مبنی بر وضع موجود تهیه و به امضا رسید که قطعاً ملاحظه نموده اید.

در این بازدید ملاحظه شد که درها و پنجره ها شکسته، فایل ها شکسته و بیرون ریخته شده، صندوق های نسوز مالی باز و محتویات خارج شده است. مدارک و اسناد سیاسی، تشکیلاتی و مالی نهضت و همچنین لوازم مختلف مفقود شده اند.

چه کسانی، چه چیزهایی را از ساختمان بیرون برده اند و تهیه ریز ارقام آنها به آسانی میسر نیست.

لهذا بدینوسیله از آن دادستانی درخواست می‌شود پیرو حکمی که داده بودند، اولاً اجازه بدهند در حضور نماینده‌ای از جانب نهضت آزادی از کلیه اسناد و مدارکی که در اختیار آن دادستانی می‌باشد صورت مجلس تهیه گردد، ثانیاً اسناد و مدارکی که دادستانی به آنها نیاز دارد کپی برداری نموده و به نهضت عودت بدهند، خصوصاً مدارک مالی که جهت پرداخت دیون و یا پیگیری مطالبات به آنها نیاز می‌باشد. ثالثاً مدارک و اسنادی که از آرشیو برده شده‌اند از قبیل آرشیو نوار سخنرانی‌های شخصیت‌ها و آرشیو انتشارات احزاب و گروهها و دستجات و کتب و غیره، که مورد نیاز آن دادستانی نیست به نهضت عودت داده شوند.

علاوه بر اینها مهر رسمی نهضت آزادی، وجوه نقدی و مقادیری اثاثیه مانند ماشین تحریر، ضبط صوت، رادیو و غیره از محل دفتر برده شده‌اند که جداً درخواست می‌شود ترتیب استرداد آنها داده شود.

والسلام

اللهم وفقنا لما تحب و ترضی

نهضت آزادی ایران

۶۲/۸/۱۲

تلگرام نهضت به دادستان انقلاب اسلامی مرکز

بسمه تعالی

۶۲/۸/۱۷

تلگرام شهری

جناب آقای اسدالله لاجوردی دادستان انقلاب اسلامی مرکز

پیرو نامه شماره ۲۱/۴/۴۲۴ مورخه ۶۲/۸/۱۲ مجدداً درخواست می‌شود:

اولاً اسناد و مدارک و لوازم برده شده از دفتر نهضت آزادی به آن دادستانی با حضور نماینده نهضت صورت مجلس گردد.

ثانیاً به منظور ادامه گردش کار نهضت خصوصاً پرداخت دیون و دریافت مطالبات از آنچه که دادستانی لازم دارد رونوشت برداشته و اصل آنها عودت داده شود.

والسلام - با تشکر

نهضت آزادی ایران

۱۳- اعتراض نمایندگان به رئیس مجلس

پیرو بیانات حجت‌الاسلام آقای هاشمی رفسنجانی در جلسه دهم آبان ماه، آقایان دکتر سحابی، مهندس بازرگان، دکتر یزدی و مهندس صباغیان نمایندگان مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۶۲/۸/۱۲ یادداشت اعتراضیه مختصری به ریاست محترم مجلس شورای اسلامی نوشته و تخطیاتی را که

در مجلس و نحوه اداره آن انجام پذیرفته است یادآور شدند. متن نامه نامبرده ذیلاً از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد:

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

جناب آقای هاشمی رفسنجانی

در بیاناتی که روز سه‌شنبه دهم آبان‌ماه جاری هنگام نطق قبل از دستور و بعد از قطع اتصال رادیوئی مذاکرات مجلس، برای اطلاع مردم فرمودید، وضع ناگوار و شرم‌انگیزی که از ناحیه عده‌ای از آقایان نمایندگان علیه ناطق قبل از دستور، آقای مهندس صباغیان در مجلس برپا گردید و تفسیر و تعبیرهایی که شخصاً ابراز داشتید، به ناحق و من غیرواقع، نهضت آزادی را عامل و مسبب اصلی معرفی نمودید، در حالی که در تمام اظهارات و هتاک‌ها و حمله‌ها که در قبال نطق نیمه‌تمام و کمتر از ده دقیقه آقای مهندس صباغیان، علیرغم قانون و اخلاق و آیین‌نامه اداری مجلس صورت گرفت و انعکاس خارجی یافت، جنابعالی در مقام ریاست و اداره مجلس کمترین ممانعت و مخالفتی به عمل نیاورده، با نظاره‌گری و سکوت خود صحنه بر آنها گذاشتید. لذا بدین وسیله اعتراض خود را اعلام می‌داریم و در این مورد نیز مانند تعبیرهای ناروا و حق‌کشی‌هایی که در مقام ریاست مجلس و خطبه‌های نماز جمعه و مصاحبه‌ها نسبت به ما روا می‌دارید صبر می‌کنیم و قضاوت را به خدای احکم الحاکمین واگذار می‌نماییم.

یدالله سحابی - یزدی - صباغیان - مهدی بازرگان

۱۴- سخنان آقای هاشمی رفسنجانی در جمع سفرا و کاردانان

در گردهمایی سفرا و کاردانان جمهوری اسلامی ایران در کشورهای خارجی، آقای هاشمی رفسنجانی در رابطه با حمله به دفتر نهضت آزادی ایران و فاجعه مجلس شورای اسلامی بیاناتی ایراد کردند که دارای نکات بسیار جالب و منعکس‌کننده طرز تفکر حزب حاکم می‌باشد. قسمتی از سخنان ایشان به شرح زیر است:

«... مدتی پیش آقای بازرگان ضمن صحبت‌هایشان در مجلس که مستقیماً از رادیو پخش می‌شد مطرح کردند که در ایران آزادی نیست اگر در ایران آزادی نبود که اجازه نمی‌دادند فرد مخالفی مستقیماً از رادیو حرف بزند. سخنرانی مستقیم در همه جای دنیا فقط در اختیار افراد معدود و مطمئن یک سیستم است. نهضت آزادی در شرایطی که قرار است ۴ ماه یا ۶ ماه دیگر تبلیغات انتخاباتی مجلس آغاز شود بدون اجازه گرفتن از وزارت کشور اعلام می‌کند که سمینار تأمین آزادی انتخابات را برگزار می‌کند. در یک سمینار عده‌ای را دعوت می‌کنند که درباره موضوعی بحث کنند اما بحث عمومی و تجمع مردم در یک میدان و سخنرانی یک نفر سمینار نیست، اینها همه حساب شده است و این کار را با نظامی می‌کنند که دارد بهترین بچه‌هایش را شهید می‌دهد. نام این سمینار هم مفهوم مخالفت دارد یعنی آزادی نیست و ما می‌خواهیم آن را تأمین کنیم اگر وزارت کشور اجازه بدهد از ما روزنامه و وقت رادیو و تلویزیون و... می‌خواهند و اگر هم وزارت کشور اجازه ندهد اعلام می‌کنند که به خاطر مخالفت وزارت کشور آن را لغو کرده‌اند.»^۱

به طوری که ملاحظه می‌گردد از تمام امکانات تبلیغاتی علیه نهضت آزادی و مخدوش جلوه دادن

1. جمهوری اسلامی - پنجشنبه ۱۲ آبان ۶۲

واقعیت‌ها استفاده گردیده است، تا ما را به جرم درخواست امکانات قانونی برای ایفای وظیفه امر به معروف و نهی از منکر و ابراز نظرات خیرخواهانه درباره سونوشت انقلاب و جمهوری اسلامی سرکوب نمایند. تا مبدا به قول خودشان «جسارت» پیدا کرده و تقاضای «روزنامه» بنماییم. مفهوم سخنان ایشان این است که به جز حزب و گروه حاکم نه تنها به هیچ خدا بنده‌ای اجازه و امکان ابراز عقیده را نمی‌دهیم بلکه اگر جسارت پیدا کنند و درخواست انتشار روزنامه‌ای را بنمایند!! ذنب لایغفری را مرتکب شده‌اند که مستوجب گوشمالی خواهند بود!!

۱۵- سخنان آقای هاشمی رفسنجانی در خطبه نماز جمعه

آقای هاشمی رفسنجانی در خطبه دوم نماز جمعه در ۶۲/۸/۱۳ در رابطه با حمله به دفتر نهضت آزادی و حوادث مجلس شورای اسلامی مطالبی به شرح زیر ایراد کردند.^۱

«... آمریکا می‌خواهد انقلاب نیکارگوئه را نابود کند، بهانه‌جویی می‌کند. مساله خلیج فارس را مطرح می‌کند. مسائل دیگر را مطرح می‌کند برای اینکه در دنیا بحران درست کند. افکار عمومی را آماده کند برای تجاوز. اینها امروز چند نوع هجوم علیه ما شروع کردند. یک هجوم همین تروریستی بود که عرض کردم. یک هجوم تبلیغاتی در داخل کشور ما شروع کردند و البته نمی‌خواهم بگویم آنهایی که این روزها این حرکت را کردند آمریکایی هستند. ولی در جهت خواست آمریکا است. آمدند حرکت راه‌اندختند یک مظلوم‌نمایی شبیه مظلوم‌نمایی آمریکا در گرانادا و در لبنان. آمدند گفتند که ما می‌خواهیم سمینار تأمین آزادی انتخابات درست کنیم. حالا ما هنوز ۷-۶ ماه داریم تا برسیم به انتخابات حالا که تبلیغات انتخابات نیست، آزادی انتخابات تأمین نیست. آنها می‌خواهند تأمین نکنند. خیلی خوب از وزارت کشور نرفتند اجازه بگیرند تا اینکه اعلانش را پخش کنند که وزارت کشور را در مقابل عمل انجام شده قرار بدهند. وقتی که این کار را کردند وزیر کشور هم به حق گفت نه. سمینار معنایش این است که یک عده‌ای را دعوت کنید بیایند توی جلسه بنشینند مثل همیشه که هر شب سمینار دارید. ما منع نمی‌کنیم سمینار اجازه نمی‌خواهد. میتینگ اجازه می‌خواهد و الان میتینگ را هنوز اجازه نمی‌دهیم. چون موقع انتخاب نشده است. با همین کارهایشان مردم را تحریک کردند مردم هم ریختند آنجا. البته من تأیید نمی‌کنم که مردم بروند، خود ما عاجز نیستیم می‌توانیم جلوی آن را بگیریم، مردم رفتند. حالا دیگر این مردم ما از اول اینطور بودند. ما از روز اول کارهایمان را خود مردم جلو می‌رفتند و انجام می‌دادند حالا دیگر دولت مسلط است و نیاز زیادی نیست ولی ما دیگر به مردم اینقدر هم نمی‌توانیم زور بگوییم. ولی به هر حال رفتند و آنها هم آمدند در مجلس و از تریبون آزاد مجلس یک مصیبت نامه‌ای خواندند و دیدید که چه خواندند. دروغ گفتند. گفتند ۳۰۰ نفر مسلح آمد. نعوذ بالله که آدم اینقدر کج باشد. ما تریبون آزاد و پخش مستقیم در اختیارش بگذاریم او بیاورد دروغ بگوید و بگوید ۳۰۰ تا مسلح ریختند و سمینار را بهم زدند. (در حالی که حضار قصد شعار علیه سردمداران جریان‌های اخیر را داشتند. حجت الاسلام رفسنجانی خواهش کردند که شعار ندهند) و گفت: استحقاق مرگ را ندارد و من این حرفها را جهت روشن شدن شما می‌گویم. من جزو دلسوزان اینها هستم. اینها سوابق دارند و ما دلمان می‌خواهد تا آخر با ما باشند. اما من این را نصیحت می‌کنم به آنها به خانواده‌هایشان نصیحت می‌کنم که جلوی اینها را بگیرند. اینها دارند اشتباه می‌کنند اینها کارشان به جایی می‌رسد که فردا مثل محارب در مقابل جمهوری اسلامی قرار بگیرند. اینجور که شروع کردند همه‌اش توطئه است با توطئه که آدم نمی‌تواند کار بکند. آمدند در مجلس دروغ گفتند که ۳۰۰ نفر مسلح ریختند و آنجا را به هم زدند والله اینجور نبوده. مسلحین رفته بودند اینها را نجات بدهند. من نمی‌دانم حالا توی مردم مسلح بوده یا نبوده اما مردم بودند، مردم حزب الله

1. کیهان شنبه ۶۲/۸/۱۴، شماره ۱۲۰۰۶

بودند. بعد آقایان رفتند اینها را نجات دادند و آنها را بردند. خوب مردم هم آنجا درگیر شده بودند با اینها حالا من نمی‌خواهم باز هم بگویم مردم کار خوبی کردند. آنرا قبلاً گفتیم با اینکه این دروغ را بطور آزاد در مجلس گفت و من مجلس را کنترل کردم که ده تا دوازده دقیقه ایشان حرف زد هر چه من اخطار می‌کردم چراغ قرمز می‌کردم ایشان ول نمی‌کرد. خوب دیگر حوصله مجلسی‌ها سر رفته بود تا حد قانونی‌اش همه تحمل کردند. وقتی که از حد قانونی‌اش گذشت یکی از آقایان آمد آنجا که البته من این کار او را هم قبول ندارم. منتهی من متوجه نشدم آمد نزدیک یک وقت دیدم ایشان را می‌خواهد از پشت تریبون پایین بیاورد. پشت تریبون هم آنجا یک مظلوم نمای جدیدی مثل همین آمریکاییها که چرا ما را می‌زنید، حالا، این آقا داشت او را می‌زد. من دیدم دستش رفته بود عمامه آن آقا را بردارد اما می‌گفت چرا ما را می‌زنید برای اینکه توی مردم بگویند در مجلس ما را دارند می‌زنند. این که درست نیست. اگر آدم بخواهد اینجور مبارزه بکند. شما با کی اینجور مبارزه می‌کنید؟ با جمهوری اسلامی؟ با امام؟ با مجلس؟ اینجور که شما گفتید توی مجلس ما را می‌زنند اگر جا می‌افتاد و مجلس بدنام می‌شد برای شما خوب بود؟ این خون شهیداست ما که نمی‌خواهیم شما اینطور بشوید ما می‌خواهیم شما اگر گروه مخالف سیاسی هم هستید و مخالف ما هستید باشید. اختلاف نظر آزاد است می‌توانید با ما اختلاف داشته باشید. ولی این طور نکنید. آدم این طور برخورد نمی‌کند. اگر شهرت می‌خواهید شما مشهور هستید اینجور شهرتها به درد شما نمی‌خورد. اینها به درد برادر حاتم طائی می‌خورده وقتی که دید برادرش آن همه معروف شده گاهی می‌رفت خرج کند مادرش گفت تو خرج نکن، تو نمی‌توانی، تو بچه هم که بودی شیر از پستان من می‌خوردی با او فرق داشتی، او وقتی که شیر می‌خورد بچه‌ای دیگر می‌آمد می‌رفت عقب تا آن بچه شیر بخورد تو وقتی می‌دید بچه دیگری می‌آید بر پستان دیگر من هم دست می‌گذاشتی تا او نخورد. شماها می‌خواهید با بدنام کردن انقلاب با علامت گذاشتن روی انتخابات پیش ببرید. برادران، به خدا ما مایلیم که با هم باشیم کار بکنیم دلیلش هم حسن نیتمان است که اول بار این حکومت را با همه چیزش دست شماها دادیم و همان روز هم شما به حزب جمهوری که مخلصانه برای انقلاب کار می‌کرد و هیچ پستی در اختیارش نبود می‌گفتید حزب حاکم و کم کاری خودتان را به گردن او می‌انداختید. حالا آمدید رسیدید به اینجا. انتخابات آزاد است. آزاد است هزار بار بگویید. انتخابات گذشته را هم گفتند آزاد نبوده. خوب شما مردم می‌دانید البته ممکن است ما روحانیون بیشتر بتوانیم تبلیغ بکنیم. ما مسجد داریم ما زبان داریم ما تو نماز جمعه حرف می‌زنیم و همه جور می‌توانیم بیشتر تبلیغ بکنیم. روحانیت بیشتر می‌تواند تبلیغ بکند. خودتان یادتان هست آن موقع‌ها که می‌خواستیم انتخابات شورا بکنیم در انقلاب شما می‌گفتید به روحانیون بگویید کاندید نشوند چون اینها اگر کاندید شدند رأی می‌آورند و دیگران رأی نمی‌آورند. شما این حرف را همیشه با صراحت به ما می‌زدید. می‌خواستید این شرط را بگذارید که بیشتر از یک روحانی در جمعیت فلان نباشد. این در پیش‌نویسها هست این را جزو شرایط قانونی می‌خواستند بگذارند، بخاطر اینکه می‌دانستند اینها رأی خواهند آورد. خوب این انتخابات آزاد امروز اگر یک روحانی کاندید بشود رأی می‌آورد یا اگر روحانیت کسی را تایید بکند رأی می‌آورد. شما اینجور انتخابات آزاد را می‌گویید ناآزاد. انتخابات آزاد است. ما نیاز نداریم به خفقان. اگر نیاز داشتیم و انقلاب ایجاب می‌کرد هیچ ابایی نداشتیم برای ما انقلاب اصل است و امام و اسلام. اگر این انقلاب روزی نیاز به خفقان پیدا کرد خفقان پیش می‌آوریم. اما امروز ایجاب نکرده. هنوز ملت ما و اکثریت مردم که رأیشان دمکراسی می‌سازد. اینها با انقلابند. بنابراین چه نیازی هست چرا اینطور برخورد می‌کنید با همه. بیایید از این به بعد اینجوری نکنید. من شما را به عنوان برادران گذشته‌مان نصیحت می‌کنم و می‌خواهم که با هم کارتان را انجام بدهید. شما را متهم نمی‌کنیم که آمریکایی هستید. ما شما را متهم نمی‌کنیم به یک معنایی بی‌دین هستید اختلاف نظر دارید. اختلاف نظر تان را مثل بقیه انجام کنید و نرسید به جایی که همه همت این باشد که جمهوری اسلامی را بدنام بکنید. این خواست آمریکاست، آمریکا دارد این کار را می‌کند. صدام به ما موشک می‌زند و این کار شما اینطور است که آدم وقتی قدری باز بکند می‌بینید مطلب یکی است. وقتی که صدام دید شهر پنجوین را ما داریم می‌گیریم دستور داد ۶ گردان مهندسی‌شان از جبهه

آمدند نوب شهر و شهر را منفجر کردند و اکثر شهر را خراب کردند. حالا ما که گرفتیم خبرنگاران می‌روند می‌بینند که چه کردند آنجا را تا بعد مظلوم‌نمایی نکنند. خوب وقتی که شما از پشت تریبون داد می‌زنید که چرا می‌زنید عین کار صدام است که آنجا را خراب می‌کند و می‌گوید خراب کردند. یک قدری باز کنید همین است. مثل کار آمریکا است که وقتی که مقررشان به خاطر ظلمی که خودش کرده منفجر می‌شود می‌خواهد به پای جمهوری اسلامی بنویسد. جمهوری اسلامی امروز مظلوم‌ترین نهادها و مظلوم‌ترین کشورهای دنیا است که همه شروع کرده‌اند برای تبلیغات علیه ما، فرانسه سوپر اتاندارد می‌دهد که خلیج فارس را از حیثیت بیندازد. بعد بگویند ما بستیم. صدام می‌زند چاه را خراب می‌کند برای اینکه محیط زیست را خراب کند بعد به پای ما می‌بندند. ما می‌رویم چاه خراب شده را می‌بندیم باز به نام ما بچه‌های ما را اینطور شهید و مجروح می‌کنند باز هم صحبت از این می‌کنند که ایران جنگ طلب است. یک حمله تبلیغاتی، ما دیگر از داخل توقع نداریم و از دوستان دیروزمان و کسانی که نمی‌خواهیم در مقابل هم باشیم و می‌خواهیم با هم کار بکنیم توقع نداریم که اینطور رفتار بکنند...»

۱۶- پاسخ نهضت به آقای هاشمی رفسنجانی

نهضت آزادی ایران به منظور روشن شدن مطالب و انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر طی نامه‌ای به شرح زیر به بیانات جناب آقای هاشمی رفسنجانی پاسخ داد.

جناب آقای هاشمی رفسنجانی

رئیس محترم مجلس شورای اسلامی و امام جمعه موقت تهران

پس از حمد پروردگار و سلام بر فرستادگان او و بر بندگان صالح و شهدای راه حق و با آرزوی سلامت و توفیق جناب عالی و سایر متصدیان امور در تأمین خشنودی خدای رحمن و خواسته‌های ملت ایران، علاقمندیم چند کلمه مشفقانه در زمینه سه جلسه اظهارات مفصلی که درباره نهضت آزادی و آزادی انتخابات در مجلس شورای اسلامی، در جمع سفرا و کارداران ایران و در خطبه نماز جمعه ۱۳ آبان فرموده‌اید به قلم بیاوریم. امیدواریم که این خود برگ تازه‌ای بر دفتر سیئات نهضت آزادی ایران نیفزوده بهانه دیگری برای حملات زبانی، قلمی، تلویزیونی و غیره نشود.

منظور ما از این اقدام علاوه بر دفاع مشروع که قوانین و آئین‌های دنیا، حق مسلم هر مظلوم و متهم شناخته‌اند و از جهتی وظیفه شرعی و اجتماعی نیز هست، عرضه نمودن مطالبی است در رابطه با انتخابات قریب‌الوقوع که اهمیت آن را، هم مقام رهبری (به شهادت لوحه‌ای که هنگام خطبه نماز جمعه در طرف راستان دیده می‌شد)، هم آیت‌الله العظمی منتظری و هم ریاست جمهوری از چند هفته قبل اعلام فرموده‌اند و حزب جمهوری دو روز پیش از نطق قبل از دستور بیستم مردادماه آقای مهندس بازرگان دست به کار آن شده بود.

از اینکه در خطبه نماز جمعه سوابق و همکاری‌های مبارزات گذشته را به یاد آورده با اعلام حسن نیت خودتان از ما دعوت به تبادل نظر مسالمت‌آمیز و تفاهم به جای «توطئه» کرده‌اید، سپاسگزاری می‌کنیم و از اینکه شهادت داده‌اید که ما نه امریکایی هستیم و نه بی‌دین (!) و اختلاف نظر داشتن جرم محسوب نمی‌شود بر ما و همه مسلمانان و سایر آزادگانی که به جمهوری اسلامی وفادار و با سیاست‌های حاکم مخالفند منت گذارده و امیدواری داده‌اید. گو آنکه گفته‌هایتان شامل مطالبی خلاف واقع از قبیل قانون شکنی نهضت در اقدام به تشکیل سمینار، انقضای وقت قانونی نطق قبل از دستور آقای مهندس صباغیان (در حالی که به

شهادت صدها هزار نفر شنونده و نوار ضبط شده بیش از یک دقیقه از وقت قانونی و بیش از چند دقیقه از وقت متداول باقی مانده بود)، کتک زدن ایشان (با آنکه مضروب قرار گرفتندشان برابر دیدگان حاضرین در جلسه اتفاق افتاد)، و اتهاماتی مانند مظلوم‌نمایی امریکایی کردن، تحریف‌هایی همچون خون شهیدان را زیر پا گذاشتن، تهدیدهایی در جهت محارب شدن و پیام دلسوزانه به خانواده‌های ما دادن، بود که ما با به کار بستن آیه کریمه «والکاظمین الغیظ و العاقین عن الناس والله یحب المحسنین» از آنها صرف نظر نموده تنها ابراز تأسف و تحیر می‌کنیم. ابراز تأسف و تحیر ما، هم از جهت سوابق دوستی و روابط صمیمانه گذشته به خاطر آن برادر دیرینه است و هم به خاطر انقلاب و نظام جمهوری و حرمت مجلس شورای اسلامی. همچنین از هتک احترام و قداست نماز جمعه که خطبه‌هایش جانشین رکعات نماز است رنج می‌بریم. آنچه را که ما کماکان می‌خواهیم پابرجا شود همان ارزشهای والای اسلامی و حقوق و تحقق آرزوهای اعلای ملت عزیز ایران می‌باشد.

شما خوب می‌دانید که نهضت آزادی نه تنها هرگز علیه نظام جمهوری اسلامی ایران توطئه نمی‌کند بلکه همواره توطئه گران را محکوم ساخته و از دوستان نادان خواسته است به هوش بوده تسلیم توطئه دشمنان دانا نگردند.

احتمال محارب شدن نهضت آزادی، جمعیتی که هفده سال قبل از پیروزی انقلاب بر پایه ایدئولوژی اسلامی تأسیس شده است و سران و فعالان آن همواره در راه اسلام و حکومت اسلامی قلم و قدم زده‌اند، ظنی سوء و دور از انصاف است. ما همواره به دولتمردان تاکید کرده‌ایم که با تمکین به حقوق ملت که در قانون اساسی آمده است از تشدید درگیری‌ها احتراز شود و حربه را از دست دشمنان بگیرند. حال چگونه ممکن است چنین جمعیتی راه توطئه و یا محاربه علیه نظام جمهوری در پیش گیرد؟ معاذالله ان هذا الا بهتان عظیم!

آنچه نهضت آزادی ایران از دوست و دشمن کشیده و می‌کشد به خاطر همین دفاع سرسختانه از جمهوری اسلامی، قانون اساسی و شعارهای آزادی و استقلال است و اگر روزی بیاید که بدین جرم نهضت حیات سیاسی خود، و نهضتی‌ها زندگی خاکی را از دست بدهند، طبق وعده قرآن حیات ابدی و فضل و بشارت الهی در انتظارشان خواهد بود.

دلپذیرتر و روشن‌تر از بیانات مثبت شما، تذکرات و تعلیمات رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی بود که روز بعد در خطاب به اعضای کمیسیون‌های داخله و خارجه مجلس فرمودند: «عقل اقتضا می‌کند که وقتی عده‌ای مخالف داریم خودمان مخالفتمان را کنار بگذاریم تا با وحدت کلمه این مملکت برسد به آنجا که دلمان می‌خواهد.» و قبلاً توضیح داده بودند که «در مسائل ملایمت و جهت رحمت بیشتر از جهت خشونت تأثیر می‌کند... میل دارم وضع و امور با ملایمت و اخلاق حسنه صورت بگیرد و این خیلی بهتر است... با خودمان رؤف باشیم و در مقابل دشمنان سرسخت».

اگر این رهنمودهای قرآنی را از آغاز به کار می‌بستیم، انقلاب اسلامی ایران در حرکت بعد از پیروزی خود از برنامه وحدت همه هموطنان و از رحمت و رأفت منحرف به خشونت نگردیده مانند مومنین معاصر رسول اکرم می‌شدیم که «اشداء علی الکفار رحماء بینهم» بودند و به مصداق همان آیه سوره فتح^۱ مشمول

1 - فتح/ ۲۸ و ۲۹- هوالذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و کفی بالله شهیدا محمد رسول الله و الذین معه

«مثلهم فی الانجیل» می‌گشتیم. با همسازی و همکاری و مهربانی و با سازندگی ناشی از ایمان و عمل شایسته مانند گیاه برومند باروری که قرآن مثل زده است به خودمان نعمت و خدمت می‌رساندیم و دنیا و دشمنان را، از این طریق، به تحسین و به حسرت و غیظ می‌انداختیم. خود می‌دیدیم که رحمت بیش از خشونت نتیجه می‌دهد و دیگران با مشاهده اینکه اسلام مکتبی است هم مبارز و هم مولد، عاشقانه روبه آن می‌آوردند. انشاءالله همگی با به کار گرفتن چنین رویه‌ای در آینده مشمول رحمت الهی و فضل و نصرت وی بگردیم.

آن آقایان مجهز متشکل به قول شما «از مردم» که روز روشن در حالی که دفتر نهضت تعطیل بود در منظر و مرثای عام به دفاتر ما ریختند و زیر نظارت و حمایت ماموران انتظامی و دادستانی، کردند آنچه را که کردند، و همچنین آن عده از نمایندگان مجلس که خشم و کین‌ها با ما خالی نمودند، خود به رساترین بیان و آشکارترین وجه اعلام کردند که حق با مدعیان عدم آزادی است. در شرایط حاضر نه تنها امنیت و آزادی لازمه انتخابات قانونی برای غیرخودیها وجود ندارد بلکه فضولی آزادی خواستن را اول با توهین و تهمت و سپس با کتک و غارت جواب می‌دهند. البته ما نه خواهان و آمر چنین امری بودیم و نه مقصر برنامه‌ریز جریان و نه قصد تضعیف نظام یا جبهه‌ها را داشتیم.

شما می‌فرمایید که آزادی هست و نام خدا را پشتوانه آن می‌آورد ولی همانطور که با حلوا گفتن دهان شیرین نمی‌شود اگر دوصد بار هم این کلام تکرار و تأکید گردد اما در عمل خلاف آن مشاهده شود و مطبوعات و صدا و سیما و همه امکانات گروهی انحصاری علیه آزادی طلبان و قانون خواهان بسیج گردد آزادی وجود نخواهد داشت، که «دو صد گفته چون نیم کردار نیست.» بدیهی است که برای دولتمردان و رسانه‌های گروهی انحصاری، آزادی کامل برای هرگونه تهمت بلاذفاع و هتک حیثیت و حقوق مخالفین و سابقین برقرار است (ازجمله برنامه «از ظهور تا سقوط امریکا» در تلویزیون که بطور وضوح جنبه تدارکاتی منفی انتخابات را دارد).

البته ما موقعیت شما را درک می‌کنیم که در برابر آن حرکات غیرقانونی، بخاطر حفظ آبروی دولت و مجلس، کاسه کوزه‌ها را بر سر ما شکسته و گفته باشید اینها بودند که تمرد و تحریک کردند، مرتکب خلاف شدند، در مجلس هم صحنه‌سازی نموده نمایندگان را زدند و مظلوم نمایی کردند!... ما حرفی نداریم که بدینوسیله بلاگردان حفظ حیثیت و اعتبار جمهوری اسلامی شده باشیم. ولی در عین حال و با توجه به مجاز بودن اختلاف نظر، اگر ما جای شما بودیم با استفاده از نیرو و نصرتی که خدا به صادقین وعده کرده است و همانطور که چند قدمی هم جلو آمدید و عدم تایید از بعضی اعمال انجام شده را اعلام نمودید، قاطعانه مقصرین مجاز و قاصرین مامور و ضاربین ناجور را محکوم می‌کردید.

ما قبول داریم که همانطور که فرمودید قدرت برای خفقان دارید و هروقت احساس نیاز کنید اعمال می‌نمایید، ولی قرآن کریم و قانون اساسی در هیچ حال آن را قبول ندارند و بدین دلیل هیچ مقامی علیرغم داشتن قدرت هرگز حق ایجاد خفقان و سلب آزادیهای قانونی را ندارد.

این را هم توجه کردیم که فرمودید: «ما روحانیون بیشتر می‌توانیم تبلیغ کنیم... اینها اگر کاندید شدند رأی می‌آورند و دیگری رأی نمی‌آورد... اگر یک روحانی کاندید شود رأی می‌آورد یا اگر روحانیت کسی را

اشداء علی الکفار رحماء بینهم تریهم رکعاً سجداً یبتغون فضلاً من الله و رضواناً سیماهم فی وجوههم من اثر السجود ذلک مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الانجیل کزرع اخرج شطئه فازره فاستغلظ فاستوی علی سوجه یعجب الزراع لیغیظ بهم الکفار...

تایید کند رأی می‌آورد» که در این صورت چه حاجت به اتخاذ خفقان خواهد بود. اما آنچه ما اضافه می‌کنیم این است که روحانی مانند غیرروحانی حق دارد و می‌تواند بر پایه مساوی نامزد معرفی نماید، کاندیدا شود و رأی بدهد و رأی بیاورد. ولی آنچه نباید بشود این است که طبقه ممتازهای در کشور به وجود آید یا روحانیت و مسجد و جماعت با استفاده از امکانات عمومی کشور، وسیله برای سیاست و اعمال قدرت به سود نامزد و یا جمعیتی گردد و اگر چنان شد نامش ارشاد به سوی خدا و هدایت خلق نخواهد بود و اهداف مشخص یا پیمان مقدس انقلاب که «استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی» بود تأمین و تحقق نخواهد یافت.

جنابعالی در خطبه جمعه ضمن نثار یک سلسله نسبت‌های ناروا و اظهارات دور از حقیقت و انصاف در باره ما، اظهار تمایل و دعوت فرمودید که «با هم باشیم کار کنیم» اما متأسفانه اختلافات و انتقادهای ما و بیان نظریات و دردهای مردم یا دفاع از قرآن و قانون را که همیشه با متانت و منطق و از مجاری قانونی ادا می‌کنیم و به نیت و در جهت اعتبار و استحکام جمهوری اسلامی می‌باشد، برخورد خصمانه یا هم آهنگی با دشمنان خارجی و تایید دشمنان داخلی نامیدید. در حالی که ایراد و پیشنهاد در هر نظام شورایی و مردمی آزاد، چه اسلامی و چه غیراسلامی و دموکراتیک از بدیهی‌ترین حقوق و بلکه از وظایف هر نماینده و حزب می‌باشد. به فرموده مولای متقیان تعهد رعیت در برابر والی است و به فرموده رسول اکرم (ص) راه تقدیس و تصحیح امت است و در مجموع خدمت محسوب می‌شود نه خصومت. معذک ما حالا هم با همه تهمت‌ها، تلخی‌ها، توهین‌ها، طردها و تهدیدها و ضرب‌ها که به طور یک‌جانبه مشمول و مظلوم آن بوده‌ایم قصد ادامه خدمت به ملت و جمهوری اسلامی را داریم. تا قبل از انقلاب در راه براندازی استبداد سلطنتی با همه نیروهای موجود همکاری کرده‌ایم، پس از پیروزی در سخت‌ترین شرایط بنا به وظیفه شرعی دعوت رهبری انقلاب را اجابت کرده در دولت موقت و شورای انقلاب برای انتقال از نظام استبدادی به جمهوری اسلامی ایفای وظیفه نمودیم در کارهای اجرایی هر جا که خواستند و امکان داده شده است از خدمت دریغ نکرده‌ایم اکنون نیز برای تحقق آرمانهای ملت در زمینه آزادی و استقلال و آبادانی و اجرای همه جانبه قانون اساسی با هر گروهی که چنین باشد خواهیم بود و کار خواهیم کرد.

در هر حال آنچه که پیش آمده است الخیر فی ما وقع می‌گوییم قهر و کینه از ضاربینمان و از بی‌مهریهای قسمتی از گفتار شما به دل نداریم، هیچگاه جویای شهرت (که الحمدلله حاصل است) و جاه و مقام (که هر بار به سهولت آن را رها کرده‌ایم) نبوده به هیچ وجه مبارزه با نظام جمهوری اسلامی و اسلام و با امام و مجلس نکرده‌ایم، خون شهدا را بسیار عزیز و پاس می‌داریم، انصاف شما را هم که نهضت می‌تواند گروه سیاسی مخالف (یا به تعبیر پارلمانی، مخالف وفادار) بوده اختلاف نظر و حق انتقاد داشته باشد تقدیر و اتخاذ سند می‌نماییم. انتقاد ما همیشه با منطق و متانت بنا به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر و فرموده علی و پیغمبر (صلوات الله علیهما) یعنی النصیحه للامرا انجام گرفته است و حالا هم چیزی خارج و خلاف قانون اساسی و مصلحت کشورمان نمی‌خواهیم و در انتخابات انگیزه شخصی و گروهی نداشته و به مصلحت مملکت و حقوق مردم نظری داشته و تحقق شعارهای انقلاب و سعادت ایران را در گروی آن می‌دانیم. توصیه‌های موکد و بجای امام را که «تواصوا بالصبر و تواصوا بالمرحمة» قرآن است با جان و دل خریدار بوده انشاءالله مانند گذشته رعایت خواهیم کرد.

درود و دعای ما نثار ارواح شهداء، تقدیم به رزمندگان جبهه‌های دفاع از حق و از ایران، به خدمتگزاران کشور و به تمام ملت عزیز ایران از وضعی تا شریف.

والسلام علینا و علی عبادالله الصالحین

نهضت آزادی ایران

آبانماه ۱۳۶۲

۱۷- گزارش عملکرد آقای هاشمی رفسنجانی به آیت‌الله منتظری

از آنجا که حضرت آیت‌الله منتظری مسئولیت نظارت بر ائمه جمعه در سراسر کشور را به عهده دارند و از آنجا که حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی در خطبه دوم نماز جمعه ۶۲/۸/۱۳ مطالبی خلاف واقع در رابطه با سمینار و حادثه مجلس بیان داشتند، نهضت آزادی ایران، نامه‌ای به انضمام نوار جلسه ۶۲/۸/۱۰ مجلس شورای اسلامی و سایر مدارک لازم به دفتر ایشان تقدیم داشته از آیت‌الله منتظری استدعا نمود تا مسئولین این واقعه را نصیحت فرمایند تا به خاطر حفظ جمهوری اسلامی جانب انصاف را رعایت نموده و کاری نکنند که موجبات خشم خدا و ناراحتی بندگان وی را فراهم سازند. نامه نهضت به حضرت آیت‌الله منتظری ذیلاً از نظر خوانندگان عزیز می‌گذرد.

بسمه تعالی

حضرت آیت‌الله العظمی منتظری دامت برکاته

با عرض سلام و آرزوی توفیق حضرت تعالی در خدمت به اسلام و مسلمین و ارشاد متصدیان به حق و تقوی. پیرو تلگراف مورخ ۶۲/۸/۷ درباره حوادث حمله روز جمعه ۶ آبان به دفتر نهضت آزادی از آنجا که مراسم نماز جمعه در سراسر کشور تحت نظارت جنابعالی می‌باشد لازم دانستیم مطالبی درباره گزارش‌های حجت‌الاسلام آقای هاشمی رفسنجانی در خطبه دوم جمعه ۱۳ آبان داده‌اند و از رسانه‌های عمومی از جمله صدا و سیمای جمهوری اسلامی پخش شده است به استحضار برسانیم شاید با این عمل گامی در جهت توصیه به حق، دفاع از مظلوم و انجام وظیفه خطیر امر به معروف و نهی از منکر و اهتمام به امور مسلمین برداشته شود.

اگر جنابعالی مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی را از رادیو استماع فرموده‌اید نیازی به شنیدن برخی از مطالب ما نخواهد بود. ولی در صورتی که این مذاکرات را مستقیماً نشنیده باشید نوار ضمیمه از نطق قبل از دستور آقای صباغیان و برخورد نمایندگان با این نطق تهیه شده است که با صرف قریب ده دقیقه می‌تواند صحت و سقم بسیاری از مطالبی را که در این باره گفته شده است روشن کند. اجازه فرمایید مطالبی را که حجت‌الاسلام آقای هاشمی رفسنجانی در این باره فرموده‌اند گزارش نموده و واقعیت قضیه را با دلائل و شواهد از جمله نوار سخنان مجلسیان به عرض برسانیم.

آقای هاشمی رفسنجانی در خطبه دوم نماز جمعه گفتند:

۱- «حالا ما پنج تا شش ماه تا انتخابات داریم» (و بنابراین عمل نهضت آزادی تعجیل از روی سوءنیت

بوده است.)

آقای موحدی ساوجی هنگام طرح لایحه انتخابات در جلسه پنجشنبه ۶۲/۸/۱۲ به نقل از وزارت کشور اظهار داشتند انتخابات روز ۲۲ بهمن خواهد بود بنابراین از تاریخ سخنان آقای هاشمی تا برگزاری انتخابات تنها ۳ ماه و نه روز فاصله است.

۲- آقای هاشمی گفتند: «آنها (نهضت آزادی ایران) از وزارت کشور نرفتند اجازه بگیرند تا اینکه اعلانشان را پخش کنند که وزارت کشور را در مقابل عمل انجام شده قرار بدهند.»

واقعیت قضیه این است که نهضت آزادی در تاریخ ۶۲/۷/۳۰ برگزاری سمینار را به اطلاع وزارت کشور رسانید و این مطلب در دفاتر وزارت کشور، پلیس تهران، و کمیته مرکزی منعکس شده و بهترین دلیل آن تلفن‌گرامهای ضمیمه است که از پلیس تهران و کمیته مرکزی دریافت شده است. در صورتی که پخش دعوتنامه در روز ۶۲/۸/۳ آغاز شده است البته برگزاری سمینار در داخل ساختمان نهضت بر طبق قانون اساسی و قانون انتخابات هیچگونه نیازی به اجازه وزارت کشور نداشته است و تنها به دلیل حفظ امنیت به وزارت کشور اطلاع داده شده است.

۳- آقای هاشمی، آقای مهندس صباغیان را متهم ساختند که «به دروغ گفتند که ۳۰۰ نفر مسلح آمد» واقعیت قضیه این است که ۶ نفر آقایان حاضر در ساختمان، از جمله آقایان مهندس توسلی و مهندس صباغیان و دکتر یزدی از طبقه سوم ساختمان مشاهده کرده‌اند که جمعیتی در حدود ۳۰۰ نفر در پیاده‌رو و خیابان روبروی ساختمان دفتر نهضت تجمع نموده است سپس مشاهده نموده‌اند که همین جمعیت در و نرده آهنین را شکسته وارد ساختمان می‌شوند و باز مشاهده می‌نمایند که آن جمعیت ۲۰ نفری که بر سر ایشان ریختند با کلت و سایر اسلحه‌ها مسلحند. البته ایشان را مجال آن نبوده است که بتوانند فرد فرد مهاجمین داخل و خارج را بازرسی بدنی کنند و بدانند آیا همه مسلحند یا خیر و از کجا آمده‌اند به علاوه اگر بگویند یک لشکر ۶۰۰ نفری مسلح به تانک و هواپیما به فلان محل حمله کرده‌اند معنای این جمله آن نیست که تمام افراد لشکر دارای تانک و طیاره بوده‌اند.

۴- آقای هاشمی گفتند «من کنترل کردم مجلس را که ده دقیقه تا دوازده دقیقه ایشان حرف زد» واقعیت قضیه این است که از بام بسم‌الله تا اخطار آقای هاشمی به آقای صباغیان دقیقاً هشت دقیقه و پنجاه ثانیه طول کشیده و دلیل صحت این ادعا نواری است که به راحتی می‌توان مدت سخنرانی آن را اندازه گرفت.

۵ - آقای هاشمی گفتند «هرچه من اخطار می‌کردم چراغ قرمز می‌کردم ایشان ول نمی‌کرد تا حد قانونیش همه تحمل کردند.»

واقعیت این است که حد قانونی و یا مجاز نطق قبل از دستور ده تا دوازده دقیقه است که آقای صباغیان هرگز به آن حد نرسیدند و بر فرض محال اگر هم آقای صباغیان از حد قانونی و متداول تجاوز کرده بودند آقای هاشمی می‌توانستند با قطع میکروفون به «تجاوز» ایشان پایان دهند. شاید مقایسه رفتار آقای هاشمی با آقای صباغیان که سخنانشان توسط رئیس مجلس بیش از یک دقیقه قبل از حداقل مدت قانونی قطع شده با رفتار ایشان با سخنران بعدی همان جلسه آقای خلخالی که به جای ۳ دقیقه چهار دقیقه و سی ثانیه طول کشیده است بتواند روشنگر پایه‌های عملکرد رئیس مجلس باشد. سنت مجلس این بوده است که تا به حال شصت هفتاد درصد نمایندگان نطق قبل از دستورشان را با وجود تذکرات رئیس مجلس

دو سه دقیقه و گاهی تا ده دقیقه ادامه می‌داده‌اند بدون آنکه هیچ نماینده‌ای برای اجرای دستور رئیس مبادرت به حمله و فحش بنماید. ضمناً آقای مهندس صباغیان با شنیدن ناسزاها و جنجال بعضی از نمایندگان در چنان ناراحتی و حالتی بود که می‌گوید اصلاً تذکر آقای هاشمی را نشنیدم.

۶- آقای هاشمی گفتند «وقتی که از حد قانونیش گذشت یکی از نمایندگان آمدند.»

واقعیت قضیه این است که یکی از نمایندگان نبود بلکه عده‌ای بودند که از میان آنها آقایان قره‌باغ، هادی غفاری، اسدی‌نیا را می‌توان نام برد. البته پس از گذشتن پنج دقیقه از آغاز صحبت آقای مهندس صباغیان، طبق معمول چند نفر از نمایندگان به اخلال در سخنرانی ایشان پرداختند. سپس حجت‌الاسلام قره‌باغ فریادزنان به طرف تریبون حمله برده قصد داشتند ایشان را از پشت تریبون پایین بکشند. زمانی که با مقاومت آقای صباغیان روبرو شدند فریاد کردند من نمی‌گذارم او صحبت کند و چنان آقای صباغیان را به پایین کشاندند که کت ایشان پاره شد (در طول این مدت همانطور که در نوار منعکس شده است آقای هاشمی کوچکترین اعتراضی به عمل آقای قره‌باغ ننمودند) در این هنگام آقایان محمدعلی هادی، هادی غفاری، الله بداشتی، اسدی‌نیا، عزت الله دهقان، عابدین‌زاده بر سر آقای صباغیان و آقای مهندس معین‌فر که به دفاع از آقای صباغیان آمده بود ریخته و هر دو را شدیداً مضروب ساختند و آخر سر دو نفر از محافظین آقای هاشمی (ظاهراً) به جای آنکه حمله‌کنندگان را عقب بزنند دردناکترین ضربات را به مضروبین وارد ساختند. در اینجا باید بگوییم از میان نمایندگان آقایان احمد ناطق نوری، عزت الله سبحانی، حجت‌الاسلام انصاری راد و زائری نیز به دفاع از مضروبین پرداختند که به آنها نیز فحاشی شد.

۷- آقای هاشمی گفتند «دیگر پشت تریبون با یک مظلوم‌نمایی جدیدی مثل همین قضیه آمریکایی‌ها که

چرا ما را می‌زنید، حال این آقا داشت او را می‌زد.»

واقعیت قضیه این است که آقای مهندس صباغیان بود که زیر حملات چندین نفر قرار گرفته بود و اگر هم اسلحه‌ای در دست مهاجمین وجود نداشت نمی‌توانست از خود دفاع کند. با آنکه به شهادت سخن خود آقای هاشمی (که در نوار می‌گویند آقا آن اسلحه را زمین بگذار) مشخص است که یکی از مهاجمین به آقای صباغیان با اسلحه حمله‌ور شده بود و در اینجا لازم است به استحضار برسانیم که در ورود به مجلس نمایندگان تحت کنترل دقیق قرار می‌گیرند که اسلحه با خود حمل نکنند و اگر کسی اسلحه وارد مجلس کرده باشد احتمالاً با اجازه مقامات مسئول در مجلس بوده است و در هر حال جا دارد که قضیه رسیدگی گردد و مسئول به مجازات قانونی برسد.

خوشبختانه فیلم این صحنه‌ها در مجلس شورای اسلامی موجود است و جنابعالی می‌توانید با دیدن این فیلم یا شنیدن مشاهدات نمایندگان مورد وثوقتان از آنچه گذشته است مستحضر گشته و اقدام مقتضی را به عمل آورید. علاوه بر مطالب خلاف واقع فوق و تهمت‌ها و نسبت‌های ناروا به نهضت آزادی و به نمایندگان آن، آقای هاشمی نهضت آزادی ایران را با تمایل به حرکت به سوی محارب شدن و در برابر نظام جمهوری اسلامی ایستادن متهم ساختند که باید بگوییم ان‌الله‌الیه‌المرجع‌الآخیر.

در خاتمه با عرض معذرت استدعا داریم مسئولین این واقعه را نصیحت فرمایید تا به خاطر حفظ جمهوری اسلامی جانب انصاف را رعایت نموده و کاری نکنند که موجبات خشم خدا و ناراحتی بندگان وی را فراهم سازند. و آخر دعوینا ان الحمدلله رب العالمین.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

نهضت آزادی ایران

۶۲/۸/۱۵

۱۸- حملات هماهنگ علیه نهضت آزادی ایران

علاوه بر جوسازیها و حملات هماهنگ و گسترده‌ای که از مدتها قبل علیه نهضت آزادی ایران شروع شده و با حمله به دفتر نهضت و تخریب و غارت اموال و اسناد و ضرب و شتم اعضاء و مسئولین ادامه یافته و با فاجعه شرم‌آور مجلس به اوج خود رسید که شمه‌ای از آن همراه با توضیحاتی در این مجموعه به اطلاع خوانندگان محترم رسیده، شخصیتها و مقامات رسمی دولتی، نخست‌وزیر، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رادیو و نشریات سلطنت‌طلبان حملات مشابهی را علیه نهضت نموده و تهمتها و دروغهایی را به ما نسبت داده‌اند که برای پرهیز از اطاله کلام به بحث و یا جوابگویی آنها نمی‌پردازیم، بلکه به نقل مطالب اکتفا نموده مقایسه آنها با واقعیتهای و تفسیر این هماهنگی‌ها را بر عهده خوانندگان عزیز واگذار می‌نماییم:

یک - حملات مکرر صدا و سیمای جمهوری اسلامی تحت پوشش «آمریکا از ظهور تا سقوط»

در این برنامه بکرات نهضت آزادی و رهبران و مسئولان آن آماج تهمت و قربانی دروغهای فراوان قرار گرفته‌اند. در رابطه با این برنامه‌ها در تاریخ ۶۲/۹/۲ نامه زیر جهت مدیر عامل صدا و سیمای جمهوری اسلامی فرستاده شده است:

مدیرعامل محترم صدا و سیمای جمهوری اسلامی

به طوری که مستحضر هستید طی ماه گذشته، در برنامه‌های متعدد سیمای جمهوری اسلامی تحت عنوان «آمریکا از ظهور تا سقوط» به کرات مطالبی به اینجانبان نسبت داده شده که به کلی عاری از حقیقت بوده و از مقوله دروغ و افتراء می‌باشد و لذا بر طبق مقررات شرع و قوانین موجود درخواست می‌شود به اینجانبان فرصت مساوی در سیمای جمهوری برای پاسخگویی به این افتراءات داده شود. از توجه و اقدام مساعد شما قبلاً تشکر می‌نماییم.

مهندس مهدی بازرگان، دکتر ابراهیم یزدی

اما متأسفانه مسئولان صدا و سیما نه تنها از اصول مصرحه در قانون اساسی تخلف نموده و هتک حرمت و حیثیت کرده‌اند، بلکه علیرغم درخواست بسیار ابتدایی نهضت حاضر نشده‌اند به مقررات شرعی و قانونی تسلیم شده و به این درخواست ترتیب اثر بدهند و این از مظاهر حضور «آزادی» ادعایی حاکمیت می‌باشد.

دو - روزنامه جمهوری اسلامی: «نامزدهای آمریکایی»

روزنامه جمهوری اسلامی، ارگان حزب حاکم در تاریخ پنجشنبه ۵ آبان ماه ۶۲ در مقاله‌ای تحت عنوان «نامزدهای آمریکایی» آنچه از تهمت‌ها، دروغها و مطالبی که درج آن شایسته روزنامه‌ای که صفت اسلامی را در نام خود آورده است، نیست به نهضت آزادی نسبت داده است. جالب توجه است که این مقاله بعد از لغو سمینار و یک روز قبل از حمله به دفتر نهضت یعنی روز پنجشنبه ۵ آبان ماه منتشر شده است:

«لیبرالهای ورشکسته داخلی از طریق نامه‌پراکنی و پخش اعلامیه‌هایی مبنی بر تشکیل سمیناری برای تامین آزادی انتخابات، با آمریکا و اسرائیل و انگلیس و فرانسه و دیگر شیاطین همصدا می‌شوند و هیزم به تنوری می‌ریزند که آنها آن را روشن کرده‌اند. لیبرالها ظاهراً می‌دانند که در انتخابات مردم به آنها رأی نخواهند داد و نمی‌توانند در تنوری که آمریکا و همدستانش روشن کرده‌اند نان خود را بپزند. دقیقاً به همین جهت است که دست به تبلیغات مسموم برای زیر سؤال بردن نظام و مخدوش کردن انتخابات زده‌اند.

بد نیست که حضرات لیبرالها به پشت سر برگردند و سوابق درخشان! خود را ملاحظه کنند شاید به انگیزه‌ای که آنها را رها نمی‌کند و راحتشان نمی‌گذارد و به گذاشتن چوب لای چرخ انقلاب و ادارشان می‌نماید پی ببرند و کمی به خود آیند. شاید بهتر باشد این تذکر را به دستگاه قضایی جمهوری اسلامی بدهیم که با این حضرات با همه خیانت‌هایی که به انقلاب اسلامی کردند آنچنان مهربان برخورد کرد که اکنون طلبکاری هم می‌کنند. اگر قوه قضاییه کسانی را که خود را شریک جرم جاسوسی مانند امیرانتظام می‌دانند محاکمه می‌کرد قطعاً اکنون همان افراد جرأت نمی‌کردند این چنین با رادیوهای بیگانه همصدا شوند و با توطئه‌ای زیرکانه تلاش کنند تا انتخاباتی را که هنوز انجام نشده است زیر سؤال ببرند. اگر دستگاه قضایی جمهوری اسلامی همراه با دستگیری و محاکمه منافقین تروریست، کسانی را هم که منافقین را فرزندان خود لقب می‌دادند و در همه زمینه‌ها آنها را به خاطر آنکه کانون اصلی فساد بودند به عدالت می‌سپرد، امروز اینان نمی‌توانستند با استفاده از همه امکانات از تریبون مجلس گرفته تا نشریات به سبک «پرسش و پاسخ کیانوری» به تحریف تاریخ انقلاب پردازند و به خون شهدای ملت دهن‌کجی کنند و در پشت جبهه به سمپاشی علیه حماسه‌آفرینی‌های رزمندگان اسلام پردازند. سران نهضت آزادی در بیانیه‌ای در بهار سال ۶۰ یعنی در اوج فسادانگیزیهای منافقین و در آستانه فجاج ۳۰ خرداد منافقین را مورد خطاب قرار داده و نوشتند:

«مجاهدین خلق شما فرزندان نهضت آزادی هستید در سال ۱۳۴۳ که در زندان بودیم به دنیا آمدید... میانی فکری و تعلیمات اولیه را کتابها و بحث و تحلیل‌ها و تجربیاتی که از نهضت گرفتید تشکیل می‌داد... (میزان ۶۰/۲/۱۲). در همین بیانیه سران نهضت آزادی خطاب به منافقین اضافه می‌کنند «یکدیگر را گروهک نخوانید. مجاهدین عده للیل نیستند و نفوذ عجیب در دخترها و پسرهای دانش‌آموز و دانشجو و در مدارس دارند» (میزان ۶۰/۲/۱۲). همین حمایت‌ها و تبلیغات بود که عده‌ای از جوانان را فریب داد و به دامن نفاق انداخت و از آنها آدم‌کش‌های حرفه‌ای ساخت. اسلحه را این حضرات با همین حمایتها به دست جوانهای ناپخته‌ای که به دام منافقین افتاده بودند دادند و به موقع خود را کنار کشیدند. به زندانها بروید و یا متن محاکمات فریب‌خورده‌های منافقین را بخوانید. بدون استثناء، به لیبرالها نفرین می‌کنند و آنها را مسببین اصلی انحراف خود می‌دانند. همین‌ها بودند که به منافقین می‌گفتند: «چرا کمی بیشتر به معرفی سازمان خود و اعضای برجسته آن و خدمات عظیم خود نمی‌پردازند؟» (مهندس بازرگان - روزنامه میزان ۶۲/۱/۲۰) صاحب این جمله چه هدفی را می‌تواند دنبال کند؟ آیا واقعاً منافقین که در همه غائله‌های پس از پیروزی انقلاب از فجاج ضدخلقی‌ها در کردستان تا ماجرای خلق عرب تا ماجراجوییهای گنبد و انزلی و... حضور داشتند و دستشان تا مرفق به خون فرزندان این ملت آلوده بود شایسته چنین ستایشی بودند؟ آیا این منطق مهندس بازرگان که در مرحله دوم دور اول انتخابات مجلس شورای اسلامی در اردیبهشت ۱۳۶۰ سر کرده منافقین را که ضدیتشان با مردم بر همه آشکار بود معرف پرشوری از جوانان با ایمان لقب می‌دهد دلیل روشنی بر همدستی او با منافقین و شرکت او در جرائم آنها نیست؟ در شرایطی که سرکرده منافقین، به فرموده امام، به خاطر تحریم همه‌پرسی قانون اساسی که خونبهای ملت است شایستگی شرکت در انتخابات ریاست جمهوری را ندارد، بازرگان با دست پاچی اعلام می‌کند: «برای تامین وحدت و حقوق گروه‌های اقلیت امیدوارم آقای مسعود رجوی که معرف جناح پرشوری از جوانان با ایمان می‌باشد

نیز به مجلس راه یافته موفق به همکاری صادقانه با گروه‌های با حسن نیت از طریق خدمت به خدا و خلق بشود.» (کیهان ۵۲/۲/۱۶). بازرگان و دارو دسته او که تیز کردن چاقوی بنی‌صدر را وظیفه خود می‌دانستند، از مدتها قبل آگاهی داشتند که سران منافقین از آمریکا دستور می‌گیرند و مامورند انقلاب را منحرف کنند و شیطان بزرگ را که مردم از در بیرونش کرده بودند از پنجره وارد کنند. آنها با آگاهی به این مساله از منافقین حمایت می‌کردند و به برژینسکی لبخند می‌زدند و با نماینده آمریکا در تهران پشت میز می‌نشستند و درباره چگونگی حفظ منافع شیطان بزرگ مذاکره می‌کردند. خاطرات سایروس ونس وزیر خارجه کارتر را که همین روزها در روزنامه جمهوری اسلامی چاپ می‌شود بخوانید و ببینید که ابراهیم یزدی چگونه به نماینده آمریکا در پاریس قول مساعد می‌دهد که دولت موقت که بازرگان رئیسش خواهد بود همه مشکلاتی را که امام خمینی برای آمریکا فراهم کرده است برطرف خواهد کرد. اینها همه به وضوح نشان می‌دهند که این حضرات از ابتدا با آمریکا همفکر و هم‌نوا بودند همانگونه که یزدی در پاریس به نماینده آمریکا گفته بود: دولت موقت می‌تواند با آمریکا کنار بیاید.

آمریکا که هنوز هوس بازگشت به ایران را در سر دارد، در رویای خود برای مجلس و حکومت ایران عناصری را هم در نظر گرفته است. طبعاً هیچ گروهی بیش از لیبرالها باب طبع آمریکا نیستند. شاید نتوان باور کرد که آمریکا هنوز به این نتیجه نرسیده است که لیبرالها دیگر شانس به دست آوردن آراء مردم را ندارند. بر همین اساس، چاره کار از نظر آمریکا در این است که انتخابات مجلس زیر سؤال برود. زیرا مجلسی که عناصر مطلوب آمریکا در آن نباشد از نظر آمریکا باید زیر سؤال برود. این کار را لیبرالها می‌توانند به خوبی انجام دهند. زیرا آنها هم معتقدند مجلسی که خودشان در آن نباشند باید زیر سؤال برود. این است فلسفه هم‌نوابی لیبرالها با رادیوهای بیگانه.

تاسف در این است که لیبرالها هنوز نفهمیده‌اند که با بازیهای سیاسی نمی‌توان در ایران به مقام و پایگاه دست یافت. این بازی را توده‌های‌ها هم از طریق «پرسش و پاسخ کیانوری» از حدود دو سال پیش آغاز کرده بودند ولی به نتیجه نرسیدند. توده‌های‌ها نامزدهای شوروی بودند و لیبرالها نامزدهای آمریکا هستند. به همین جهت است که جزوه‌های آنها در شهرهای آمریکا در تیراژ وسیع چاپ و توزیع می‌شود. شاید تفاوت در این باشد که توده‌های‌ها می‌دانستند چه می‌کنند ولی لیبرالها نمی‌دانند. خدا کند این چنین باشد.»

نویسنده مقاله یا فرمانی را که در آیه شریفه: یا ایها الذین آمنوا ان جائکم فاسق بنبئاً فتبینوا... آمده است فراموش کرده یا سران و مقامات مسئول دولت آمریکا را «فاسق» نمی‌دانند و بر این اساس مطالبی را که وانس وزیر خارجه اسبق آمریکا در خاطرات خود آورده‌اند، خدشه‌ناپذیر دانسته و بر اساس آن در حق مسلمانانی که سالها در خدمت اسلام و ایران بوده‌اند، فارغ از پروای بازخواست الهی و عواقب ناگوار دنیایی به قضاوت نشست است.

مع‌الاسف، صدای جمهوری اسلامی، این مقاله روزنامه جمهوری اسلامی را بعد از ظهر همان روز یعنی پنجشنبه ۵ آبان ماه قرائت می‌نماید و به این ترتیب از یک طرف دستورات قرآن و قوانین موجود را به بازی گرفته مهر تأیید بر نوشتجات دولتمردان آمریکایی زد و از طرف دیگر نغمه خود را در ارکستر هماهنگ توطئه علیه نهضت نواخت و این بی‌عدالتی و قانون‌شکنی را زیر پوشش نعل وارونه «حمله به آمریکا» انجام داد.

سه - راه‌پیمایی نهضت؟! خبری دروغ در پیش خطبه نماز جمعه

روز جمعه ۶ آبان ماه سخنان سخنران پیش خطبه نماز جمعه زمینه‌های اجرایی برنامه هماهنگ علیه

نهضت آزادی ایران را فراهم آورد. این سخنران طبق نوشته روزنامه جمهوری اسلامی ۷ آبان ماه ۶۲ در سخنان خود به دروغ در حق نهضت آزادی ایران چنین گفت:

«... امروز هم بعضی از لیبرالها اگر می‌خواهند یک اشتباهی مرتکب شوند همین نماز جمعه بساط آنها را برچیده می‌کند. نماز جمعه جلوی دهن کجیها را می‌گیرد...»

... نماز جمعه یک میتینگ بی‌خرج است ممکن است لیبرالها طی اعلامیه‌هایی ۲۰۰ نفر را جمع کنند اما این ۲۰۰ نفر کجا میلیونها نفری که برای شرکت در نماز جمعه جمع می‌شوند کجا...

... ورشکسته‌های سیاسی قصد دارند راهپیمایی برپا کنند. راهپیمایی ورشکسته‌ها که دلشان نسوخته بلکه دماغشان سوخته است ما یادمان نمی‌رود گروهکهایی که دارند بازی درمی‌آورند با ما چه کردند آنها با ما بازی کردند دیگر کسی نمی‌تواند با ما بازی کند ولایت فقیه را مردم پذیرفته‌اند و آقایان ورشکستگی‌شان ثابت شده است و الان گاهی نیش می‌زنند آن آقا زمانی در صف اول نماز جمعه بود و الان که می‌بیند کاندیدا نمی‌شود می‌گوید آزادی نیست و این خیلی مهم است که انسان در هر حال راضی باشد...»

واضح است که ادعای این سخنران تا چه اندازه بی‌پایه و اساس بوده و تنها در جهت تحریک و اغوای مردم بی‌اطلاع و آماده کردن اذهان جهت اجرای برنامه هماهنگ عصر آن روز عمل نموده است.

آیا سخنران پیش خطبه نماز جمعه و همچنین امام جمعه‌ای که به هر حال مسئول مطالب و رویدادهای نماز جمعه می‌باشد در برابر این دروغ‌پردازیها جواب خدا و خلق را چه خواهد داد؟ خداوند همه ما را به راه راست هدایت فرموده از لغزشهایمان درگذرد.

چند روز بعد موقعی که لایحه «نهضت سوادآموزی» در مجلس مطرح بود یادداشتی به شرح زیر برای سخنران آن پیش خطبه ارسال شد:

بسمه‌تعالی

جناب آقای قرائتی

بعد از سلام برادر مسلمان مبلغ ایمان به خدا و صداقت و تقوی، شما از کجا به «نیت و قصد» ما به راهپیمایی در روز جمعه ۶ آبانماه پی بردید و مطلع شدید که آن را با آن قاطعیت در پیش خطبه نماز جمعه عنوان کردید و موجب تحریک افراد بی‌اطلاع شدید که به آن حادثه انجامید. در حالی که مطلب کاملاً بی‌اساس بود و چنین قصدی در کار نبود و برنامه سمینار هم لغو گردیده بود. آیا این است معنی و مفهوم عمل به آیه شریفه:

وَلاتقف ما لیس لك به علم ان السمع و البصر و الفواد كل اولئك كان عنه مسئولا؟

با تشکر و دعای توفیق خدمت به اسلام و ایران

ابراهیم یزدی

۱۳۶۲/۸/۲۲

واقعاً با ایراد چنین مطالبی آن هم در نماز وحدت‌آفرین جمعه چگونه می‌توان پاسخگوی مردم در دنیا و خداوند در روز جزا بود؟

چهار - اخطار و التیماتوم نخست‌وزیر

آقای مهندس میرحسین موسوی نخست‌وزیر، عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی در یک

مصاحبه اختصاصی با روزنامه جمهوری اسلامی مورخه ۷/ آبان ماه/۶۲ در مورد آزادی انتخابات چنین گفتند:

«مسئله لیبرالها روشن است چون آنها یقین پیدا کرده‌اند که مردم بدانها رأی نخواهند داد برای آمریکا غذا تهیه می‌کنند، ولی بنده به حضرات اطمینان می‌دهم که آنها اگر جرأت کنند خود را نامزد کنند رأی خود را خواهند داشت و ما آن را به مردم اعلام خواهیم کرد و اگر واقعاً مردم به آنها رأی دادند ما به این رأی احترام خواهیم گذاشت. در عین حال بنده این اخطار را مجبور هستم بکنم که شعار تأمین آزادی انتخابات نمی‌تواند در هنگامه جنگ به عنوان وسیله‌ای جهت تضعیف جبهه‌ها به کار گرفته شود و واقعاً بنده از این همه پررویی متعجبم.»

کنایه‌های آقای نخست‌وزیر در مورد جرأت کاندیدا شدن آن هم بعد از ماجراهای حمله به دفتر نهضت و ضرب شستی که نشان داده شد، بسیار پرمعنی است، واقعاً اگر کسی از میان غیرموافقین و تسلیم‌نشدگان به حاکمیت جرأت و جسارت شرکت در انتخابات و معرفی کاندیدا را پیدا کند خصوصاً بعد از این اخطار و تهدید، قطعاً همان طور که جناب نخست‌وزیر با صراحت بیان کرده‌اند باید خیلی «پررو» باشد. البته در شرایط کنونی چنین اقدامی از طرف غیرموافقین برای شخص ایشان خیلی تعجب‌آور خواهد بود!!

پنج - سوراخ دعا و نماینده قم

در جلسه روز سه‌شنبه ۱۰ آبان ماه، پس از اخلال در سخنان آقای مهندس صباغیان و ضرب و شتم‌ها و فاجعه و بعد از سخنان آقای هاشمی رفسنجانی که شرح آن گذشت، آقای صادق خلخالی نماینده قم، از اوضاع حسن استفاده انتخاباتی را نموده و ضمن جبران موضع‌گیری خصمانه گذشته نسبت به حزب حاکم درباره نهضت آزادی ایران به هتاکی پرداخته چنین گفتند:

«اگر انتخابات مجلس شورای اسلامی آزاد نبود - آقای بازرگان، صباغیان و ابراهیم یزدی نمی‌توانستند به خانه ملت راه پیدا کنند، وی افزود ما نباید در صدد این معنا باشیم که میزان انتخابات صحیح این است که اگر من در مجلس نباشم انتخابات باطل است و این آقایانی که دسیسه‌بازی می‌کنند و برای ملت توطئه می‌کنند خوب می‌دانند که برای آمدن به خانه ملت و خانه اسلام رأی ندارند لذا از پیش دستپاچه شده توطئه می‌کنند که انتخابات آزاد نیست و آنهایی که همواره بلوا درست کرده و می‌کنند در ریختن خون شهدای ما شریک بودند و همیشه آب به آسیاب آمریکا می‌ریختند آمریکائی که در لبنان دسته‌دسته مردم را می‌کشد و در ایران هم می‌خواهد آشوب درست کند...»

ایشان علاوه بر سخنان مذکور، در جلسه علنی روز پنجشنبه ۶۲/۹/۱۲ نیز مطالبی به شرح زیر علیه نهضت آزادی ایران ایراد نمودند:

«عده‌ای از همین خودفروختگان که عظمت ملت ایران را درک نمی‌کردند، اینها آمدند و گفتند که اینها جوانانی هستند در خط شیطان، نه در خط امام، به انقلاب ما دهن‌کجی می‌کردند. حالا هم دهن‌کجی می‌کنند. آنهایی که رفتند با برژینسکی نشستند شهادت آن را دارند و داشتند که نوار آن را در ملاء عام بگذارند و مردم ببینند که در آنجا چه مذاکراتی رخ داده؟ تا چه وقت باید این مساله جزو اسرار باقی بماند؟ اینها، نهضت آزادی برداشتند درباره مجاهدین که چاقوی آنها را علیه این ملت تیز می‌کردند و خودشان هم متوجه بودند که رجایی و باهنر و دکتر عالی‌مقامان آیت‌الله دکتر بهشتی را، این همه نمایندگان مجلس شورای اسلامی را در دفتر حزب جمهوری اسلامی ایران به درجه شهادت رساندند، کسی از اینها اظهار همدردی کرد؟ حالا اینها چه می‌گویند؟ می‌گویند انتخابات آزاد نیست؟ من می‌خواهم بگویم، نه برعکس

انتخابات آزاد است. چه طور شد آن موقع (این مطالب را پریروز هم عرض کردم) در زمان شما انتخابات بود و شما به مجلس آمدید آزاد بود. حالا رأی مردم را در پشت سر ندارید. اعلام می‌کنید که انتخابات آزاد نیست. انتخابات آزاد است. ولی شما نمی‌توانید به مجلس بیائید معنای آزادی انتخابات این نیست که من به مجلس بیایم و اگر نیامدم، انتخابات آزاد نیست. اگر شما می‌گویید از طرف حزب جمهوری اسلامی ایران یک عده‌ای هستند که آنها بایستی بیایند، مساله اینجوری نیست. ما خودمان جزو حزب جمهوری اسلامی ایران نبودیم ولی مردم ایران خادم خودشان را تشخیص داده بودند در حدود متجاوز از یک میلیون و صدهزار نفر به من رأی دادند با اینکه ابدأ من وابستگی به حزب جمهوری نداشتم، حزب جمهوری چه خطایی را مرتکب شده است که من نمی‌دانم. غیر از این است که در مقابل آمریکای جنایتکار ایستاده، در مقابل لیبرالها ایستاده، در مقابل فئودالها ایستاده، در مقابل زمین‌خواران ایستاده، همین مردم هستند یک تشکیلی به خودشان داده‌اند غیر از این مساله دیگری در این وسط نیست.

حالا شما چه می‌گویید؟ یک عده از افرادتان مانند امیرانتظام و دیگران و دیگران... هستند که علیه موجودیت ما و علیه اسلام ما همیشه فعالیت کرده‌اند. حالا شما آرام در اینجا نشست‌اید و هر روز هم می‌روید در آنجا یک بازی درست می‌کنید انتخابات آزاد نیست، چهار ماه، ۵ ماه به قول آقای هاشمی شاید ۶ ماه مانده باشد برای انتخابات، شما می‌گویید که از حالا آزاد نیست، وقتی که وقت آن می‌شود شما هم مثل همه مردم بیایید وارد بشوید و بروید اسم‌نویسی کنید. خودتان را کاندید کنید. حالا مردم اگر رأی‌شان را دادند، دادند، اگر رأی ندادند، خوب ندادند ملاک در این است که من باید به این مجلس بیایم و اگر نیامدم، خیر، همه اوضاع دنیا خراب است. خیر آقا اینجورها نیست. این آزادی در این مجلس وجود دارد با اینکه بعضی از مسائلی گفته بودند، چه کرده بودند...»

شش - سخنان نماینده سربند

در جلسه علنی روز پنجشنبه ۱۲ آبان ماه مجلس شورای اسلامی، آقای اسماعیل فدایی نماینده سربند اراک، نیز برای عقب نماندن از قافله و تحکیم وضعیت انتخاباتی خود در رابطه با حاکمیت، تمام و یا قسمت اعظم وقت خود را صرف حمله و هتاکی به نهضت آزادی ایران نمود. جالب است که رئیس محترم مجلس سه بار به ایشان اخطار کرد که «آقا وقتتان تمام است» اما نه آقای قره‌باغ اقدامی کرد که ایشان را پایین بکشد و نه آقای رئیس «تریبون» را قطع کردند!!

به هر حال ایشان در سخنان خود همان مضامین قدیمی کهنه‌ای را که دهها بار به آنها جواب داده شده است تکرار کردند:

«از همین تریبون بارها و بارها نمایندگان محترم مجلس خواسته‌اند که آن اعمال روز ۱۴ اسفند و جنایاتی که پیش آمد و این افراد و سردمداران نهضت آزادی در کنار بنی‌صدر خائن جلوه‌گری می‌کردند و وقتی به آنها گفته می‌شود شما چگونه توجیه می‌کنید اعمال آنها را که مردم و دختران و زنان را از بالای دیوارها به داخل دانشگاه می‌ریختند؟ می‌گویند اشکالی نداشت. وقتی آن روز در ۱۳ اسفند این حقیر مطالبی گفت و بعد روایتی از حضرت امام صادق علیه السلام درباره نفاق، ایشان اعتراض کردند که چرا شما کلمه «نفاق» را به کار بردید؟ عرض کردم همان گونه که تلویزیون شما را در کنار بنی‌صدر بودید نشان داد، آیا آن کارها اشکال نداشت؟ باید گفت، با کمال پرویی و جسارت گفتند، نه، هیچ اشکال نداشت. و آن اعمالی که انجام شد چرا نباید تحت تعقیب و پیگرد قانونی قرار بگیرد؟ مگر نه این است که ما هرچندگاه، یک بار از این‌ها لااقل مردم ما به شدت ناراحت شده‌اند. اعلامیه چه کسی باید برود که آن روز در زمان شهیدرجایی نوشته شد و در مملکت پخش گردید، این ناراحتی برای مردم به وجود نیاورد؟ و نمی‌شود گفت که رجایی خون شریفش، یا باید گفت به واسطه به دست اینها ریخته شد و یا شهدای هفتم تیر به واسطه و با

تحریکات اینها انجام نشد؟ و هر شکلی که در بیانیه دیگرشان اعلام می‌کند به عنوان کانال‌های اطلاعاتی امام خیلی‌ها از خود می‌پرسند چه چیز باعث شده که امام این قدر نسبت به درس‌خوانده‌ها کم‌لطفی دارند. این مطلبی است بسیار بسیار ناچیز در مقابل مطالب بسیار زنده‌ای که درباره امام دارند. آیا اینها نمی‌خواهند مقام و در عین حال وجهه امام را حتی در ایران کم کنند؟ آیا اینهایی که مصاحبه‌هایی با افراد خارجی داشتند و مطالبی که گفته‌اند، کفایت نمی‌کنند که آنها را به پای میز محاکمه بکشاند؟ این مطلبی است که در روزنامه میزان نوشته شده است خطاب به مجاهدین خلق: مجاهدین خلق! شما فرزندان نهضت آزادی هستید در سال ۱۳۴۳ که در زندان بودیم، به دنیا آمدید (رئیس - آقای فدایی! وقتتان تمام شد) و راه خود را پیش گرفتید بدون آنکه از خانه فرار کرده و یا اخراج شده باشید. مبانی فکری و تعلیمات اولیه را کتابها و بحث و تحلیل‌ها و تجربیاتی که از نهضت گرفتید تشکیل می‌داد. اگر بعداً به لحاظ ایدئولوژی و تاکتیک فاصله‌ها و اختلافهایی پیش آمد و از خود شما کسانی جدا و مخالف شدند اینها مانع و منکر رابطه پدر و فرزندی نمی‌تواند بشود.

رئیس - وقتتان تمام است.

فدایی - معذرت می‌خواهم فقط در چند جمله‌ای این قسمت را عرض کنم که ما می‌بینیم اینجا باز در بیانیه دیگرشان چگونه از بنی‌صدر جنایتکار حمایت و دفاع می‌کنند.

رئیس - وقتتان تمام است دیگر نمی‌شود صحبت کرد.

فدایی - من عرایضم را خاتمه می‌دهم. همین اندازه از دستگاه قضایی محترم این مملکت خواستاریم که برای خاتمه دادن به این نگرانی‌های مردم و برای خاتمه دادن به این آتش‌افروزی‌های اینها لاقلاً آن وقایع و فجایع روز چهاردهم اسفند را پیگیری کنند و هرچه زودتر به مجلس شورای اسلامی اعلام دارند. والسلام علیکم و رحمہ اللہ و برکاتہ.»

هفت - سخنان پوراستاد

آقای پوراستاد که بر سر توزیع آهن گرفتاریها و مسائل فراوان دارند و خود از حمله‌کنندگان به ناطق قبل از دستور جلسه ۱۰ آبان ماه مجلس بودند، در جلسه علنی یکشنبه ۱۵ آبان ماه مجلس شورای اسلامی طی سخنانی که قسمت عمده آن حمله به آقای مهندس بازرگان بود مطالبی را بیان کردند که نه ربطی به آزادی داشت و نه انتخابات و خود مطلب نیز گویای مسائل خاص:

«در یکی از کتاب‌های مرحوم دکتر شریعتی خوانده‌ام که «انقلاب‌های دنیا همیشه توسط پابره‌نه‌ها و طبقه سومی‌ها به ثمر می‌رسد و روشنفکران از آن بهره‌برداری می‌کنند و در آخر هم به انحراف می‌کشاند» کجایی ای دکتر شریعتی تا ببینی که دوستان آنروزت درست مصداق همین جمله شده‌اند دگرانی به دنبال روحانیت مبارز و پیروی از مرجع تقلیدشان و لبیک به رهبرشان انقلاب کردند و رهبر انقلاب با بزرگواری خاص خودشان حکومت را به آنها سپردند دیدیم که چه فضاحتی به بار آوردند. و انقلاب را می‌خواستند به بیراهه بکشند تا آنجا که با برژینسکی ملاقات کردند و علیه همین انقلاب و رهبر توطئه نمودند منافقین این کثیف‌ترین، رذل‌ترین، پست‌ترین گروهکهای تاریخ بشریت که در خون‌آشامی روی هیتلر را سفید کرده‌اند که نه به نوامیس مردم و نه به زن و بچه شیرخوار رحم نکردند این عناصر سیاه را اولاد خود خواندند و ابوالمنافقین شدند این یار صدیق مصدق که مصدق به طرفداری از شاه پشت قرآن امضاء نموده بود و در آخرین نطقش هم گفت «شاه باید سلطنت کند نه حکومت» پیرو مقلد شریعتمدار که شریعتمداری تا این اواخر هم یک کلمه علیه شاه صحبت نکرد این رهبر نهضت آزادی ورشکسته که در حزبش افرادی هم چون حسن نژی، امیرانتظام، صادق قطب‌زاده، علی بابایی، مهندس سبحانی که علیه روحانیت و ولایت فقیه در همکاری منافقین در همین خیابان خزانه میتینگ دادند را به دور خود جمع کرده

است و هم اینها این جمعیت را از پاریس رهبری می‌کنند و به دستور اربابانشان می‌خواستند هم چون چهارده اسفند که پا به پای بنی‌صدر ایستادند فتنه‌ای دیگر به پا کنند که من در اینجا از وزارت محترم کشور به خاطر جلوگیری از این فتنه، به خاطر جلوگیری به موقع از این فتنه تشکر می‌کنم که حزب‌الله هم جوابشان را دادند و حالا به خیال خام خود دارند مظلوم‌نمایی می‌کنند ولی دیگر حنای شما رنگ ندارد و اگر بزرگواری امام عزیز و تذکراتی برادر عزیز جناب آقای هاشمی رفسنجانی نبود حزب‌الله به عنوان فریضه، بعد از هر نمازی بر شما نفرین می‌فرستاد و همین جلوگیری‌ها بود که عقده شد و روز جمعه گذشته ترکید و حزب‌الله فکر می‌کرد شماها را به اوین می‌برند و گرنه تا گور شماها را تعقیب می‌کرد. من گاهی فکر می‌کنم که بعد از این همه حوادث چرا من زنده مانده‌ام بعد به این نتیجه می‌رسم شاید به خاطر شهادت بعضی از موضوع‌هاست که باید به عرض ملت ایران برسد مردم از این روشنفکرها در تاریخ گذشته هیچ خیری ندیدند این آقایان در گذشته یک مقداری مخالفت با شاه مثلاً می‌کردند و حزب‌الله و مردم کوچه و بازار هم فکر می‌کردند که این‌ها اصالتی دارند هر عمل خودشان را سعی می‌کردند که مثلاً یک جوری به اینها متصل کنند. داستان چهلم مسجد ترک‌ها، مسجد آذربایجانیه‌ها در چهلم شهادت عده‌ای از برادرهایمان در تبریز این آقایان مشهد تشریف داشتند آنجا مشغول زیارت بودند یک عده افراد کوچه و بازار تصمیم گرفتند که چهلمی برای شهدای تبریز به پا کنند گفتند چکار کنیم؟ کجا این چهلم را برگزار کنیم دیدیم مسجد ترک‌ها بهترین جاست ولی چون پدر آقای مهندس بازرگان در مسجد ترک‌ها دست‌اندرکار بودند ما تصمیم گرفتیم به احترام پدر ایشان که آنجا مشغول بودند و جو مسجد ترک‌های آن روز هم جوی بود که اگر امضای ایشان نبود اجازه برگزاری آن چهلم را به ما نمی‌دادند لذا ما امضای آقای مهندس بازرگان لازم بود تحقیق کردیم آقا مشهد تشریف داشتند در هتل سپید همین آقای دکتر شیبانی که الان من خدمتشان هستم رفتیم خدمت ایشان که جناب دکتر شیبانی ما یک همچونین چهلمی می‌خواهیم بپا کنیم و امضای مهندس بازرگان به خاطر اینکه پدرش در مسجد ترک‌ها سمتی داشته لازم است ایشان فرمودند که من برای اینطور مواقع یک اجازه‌ای از آقای مهندس بازرگان دارم ایشان پای آن اعلامیه را امضاء کردند آقای مهندس بازرگان از مشهد تشریف آوردند و ما را احضار کردند به من گفتند که من به جرم جعل امضاء تو را تعقیب می‌کنم که ایشان حتی حاضر نبودند در مسجد ترک‌ها به خاطر شهادت یک عده‌ای از برادرانمان در تبریز یک ختم به پا کنند بنده را بردند منزل همین آقای احمد صدر حاج‌سیدجوادی آقای پولادی هم بودند چند نفر دیگر هم آنجا بودند به من گفتند که آقا این امضاء که امضاء من نیست من تو را تعقیب خواهم کرد بعد از مدتی صحبت ما از ایشان خواهش کردیم که آقای مهندس شما اجازه بدهید این مجلس برگزار بشود اگر مجلس خوب بود افتخارش مال شما اگر بد شد بفرمایید که آقا فلانی سرخود این کار را کرده وقتی آن مجلس با آن شکوه و عظمت که برادر عزیزمان جناب حمیدزاده آن روز چهلم را اداره کردند به بهترین وجه از در مسجد که آقای مهندس بازرگان می‌آمدند بروند آنجا گفتم آقای مهندس خوب بود مجلس؟ تبسمی فرمودند و گفتند بله. گفتم دیگر تجدید نمی‌کنید گفتند نه این را من به خاطر شهادت در تاریخ می‌گویم که این‌ها اگر حرکتی هم برایشان شروع شده بود حرکتی هم انجام می‌دادند حزب‌الله و مردم کوچه و بازار بودند این حرکت را انجام می‌دادند منتها فکر می‌کردند که خودشان نمی‌توانند باید یک امضای مثلاً یک شخصیت آنچنانی آن روز پای ورقه‌هایشان باشد این را من فقط به خاطر شهادت تاریخ گفتم که ثبت در تاریخ بشود اینها هیچ حرکتی از خودشان نداشتند اگر حرکتی بوده حرکت مردم کوچه و بازار بوده است. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.»

شاید برخی از خوانندگان اطلاع نداشته باشند که پدر بزرگوار آقای مهندس بازرگان در سال ۱۳۳۲ به رحمت ایزدی پیوسته‌اند و حوادثی که آقای پوراستاد اشاره می‌کنند ظاهراً مربوط به سالهای ۱۳۵۶ یا ۵۷ می‌گردد!! بقیه مطلب ایشان نیازی به توضیح ندارد زیرا خوانندگان می‌توانند با خواندن آن خود واقعیت‌ها

را لمس کنند.

هشت - چند کلمه از نماینده زرنند کرمان

آقای مجید انصاری، نیز در جلسه علنی مجلس روز یکشنبه ۱۵ آبان ماه پس از بیان مطالب خود چنین گفتند:

«و مانده این گروه‌های وابسته چه از نظر فکری چه از نظر سیاسی در کشور هم می‌بینیم که به بن‌بست کامل رسیده‌اند و برای شکستن این بن‌بست مذبوحانه دست و پا می‌زنند از برگزاری میتینگ گرفته تا استفاده از تریبون آزاد مقدس مجلس شورای اسلامی ...»

که از این گفته هم بدون تفسیر با کرامت می‌گذریم.

نه - سخنان نماینده سلماس

در ادامه این برنامه هماهنگ، آقای محمد غفاری نماینده سلماس در جلسه علنی روز سه‌شنبه ۱۷ آبان ماه ۶۲ گفت:

«ثالثاً بسی جای شکرگزاری است که ملت مسلمان و دلاور ایران با رهنمودهای امام بزرگوار در آستانه دومین دوره انتخابات با بصیرت و آگاهی کامل آماده رأی شده‌اند. چون آنها که سوء نیت داشته‌اند به حکم آیه شریفه: «ام حسب الذین فی قلوبهم مرض ان لن یخرج الله اضغانهم» در این مدت اندک با گفتار و نوشته‌ها و کردار خود انحرافشان را به همه مردم نشان دادند که با این وصف توفیق دریافت رأی از این ملت مسلمان نخواهند داشت و به همین سبب که ناامید و مأیوس شده‌اند داد و فریادشان بلند گشته که در مملکت آزادی نیست، نه آزادی هست ولیکن برای منحرفین رأی نیست.»

ده - افاضات حجت‌الاسلام موسوی تبریزی

آقای سیدحسن موسوی تبریزی، نماینده هشتگرد که هیچ فرصتی را برای هتاکی و فحاشی و تهمت از دست نمی‌دهد نیز نهضت و کینه خود را نسبت به آن فراموش نکرد. معلوم نیست وی که در کسوت روحانیت بوده و القاب آن را یدک می‌کشد، چگونه بی‌پروا و با جسارتی دور از تقوا معیارها و ارزشها و تقوای اسلامی را زیر پا می‌گذارد و هرچه به ذهنش می‌رسد از پشت بلندگوی مجلس که مظهر عدل علی نامیده شده به زبان می‌آورد:

«و آیا نهضت آزادی با این نیرنگها و حيله و مکرها که اخیراً بعد از دو سال سکوت در مجلس شورای اسلامی می‌توانند مردمی که منافقین و بنی‌صدرها و هزاران توطئه‌گر را به گور فرستادند بفریبانند؟ اینها می‌دانند و یقین دارند نه مردم و نه نمایندگان محترم مردم در مجلس شورای اسلامی دیگر خریدار این چرندیات و لاطائلات نیستند. با این همه فقط و فقط به خاطر ادامه زندگی ذلت‌بار و نیمه جان خود در میان سلطنت‌طلبها و خانواده فراریان و هم مسلکهای خود و برای اینکه در نظر غرب یک تیپ روشنفکر بمانند دست به این کارها می‌زنند والا نه هدف کاندید شدن دارند و نه هدف رأی آوردن. چون خود آنها یقین دارند که دیگر مردم ما به آنها رأی نمی‌دهند و تجربه تلخ برای یکبار کافی است و من جرب المجرّب حلت به الندامه والا مردم ما از رأی سابق که برای اینها دادند پشیمان هستند. کجا می‌توانند دوباره به این جنایتکاران و سازشکاران و خیانتکاران رأی دهند؟ لذا حرکات اخیر آنها در مجلس شورای اسلامی و برگزاری سمینار به اصطلاح بررسی آزادی انتخابات و از این قبیل کارها فقط به خاطر حفظ آبرو از دیدگاه خودشان است و در بین دوستان آنها و باید بدانند که در میان مردم آبرو ندارند و برای چندمین بار مرده‌اند و یک مرده نمی‌شود زنده شود...»

البته ایشان و یا دوستانشان باید به این سؤال مردم جواب بدهند که به راستی اگر نهضت آزادی به زعم ایشان مرده است و برای چندمین بار مرده است چرا ایشان و همفکرانشان این قدر از این «مرده سیاسی» وحشت دارند؟! اگر به راستی کشور از برگزاری یک سمینار محدود با افرادی محدود این قدر ترس دارند؟! آیا این ترس و وحشت مبین این نیست که ادعا و تظاهرشان از اقبال مردم به نهضت آزادی و از بی‌آبرویی خود در میان مردم نگرانند و بدین دلیل نهضت را مورد تهاجم همه‌جانبه قرار می‌دهند.

یازده - بیانات نماینده بابل

حجت‌الاسلام آقای محمد فاضل نماینده بابل، نیز در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی در روز سه شنبه ۲۴ آبان ماه ۶۲ در نطق قبل از دستور خود، به استقبال از «انتخابات رفتند» و در رابطه با «تامین آزادی انتخابات» گفتند:

«در رابطه با دوره دوم انتخابات اگر نگرانی وجود داشته باشد که امیدوارم نباشد مسأله آزادی انتخابات نیست چون آزادی انتخابات با معیارهای اسلامی تضمین شده است و مدارک قابل ارائه. اما در حدی که بتوان مدعیان و هواخواهان آزادی را راضی و خشنود نمود باید گفت با وجود این نظام و حاکمیت خط ولایت فقیه هیچ نوع آزادی نظر این مدعیان را تأمین نکرده و عطش آنان را به برقراری آزادی هرگز برطرف نخواهد کرد. جز اینکه با تسلیم قوای سه‌گانه کشور فعالیت مایشائی در کل جامعه به آنان سپرده شود. در حالیکه اختیار قوه مجریه در مدتی کوتاه به دست آنان بود و تاکنون خسارات ناشی‌اش جبران نشده و شاید به این زودی‌ها قابل جبران نباشد. و اما آنچه می‌تواند مایه نگرانی باشد مطلبی عمیق‌تر از این‌ها است و آن موضوع عمق و محتوای مجلس آینده است و احتمال می‌دهم طرح تأمین آزادی انتخابات نقشه‌ای باشد به منظور منحرف کردن اذهان از این امر مهم.»

به زبان دیگر جناب فاضل معتقدند که تأمین آزادی مانع از آن خواهد شد که عمق و محتوای مجلس آینده بر طبق دلخواه و معیار مورد نظرشان تأمین گردد و هدف از طرح تأمین آزادی انتخابات را انصراف از آن برنامه ذکر می‌کنند. اما ایشان فراموش کرده‌اند که چگونه بدون تأمین آزادی انتخابات می‌توان مجلسی داشت که عمق و محتوا داشته و فرمایشی نباشد!!

دوازده - حملات سلطنت‌طلبان

قابل توجه‌ترین حملات به نهضت آزادی ایران در رابطه با «سمینار تأمین آزادی انتخابات» برخورد رذیلانه سلطنت‌طلبان با نهضت می‌باشد. بلندگوها و نشریات وابسته به گروه‌های ضد انقلاب، خصوصاً سلطنت‌طلبان هیچ فرصتی را برای جوسازی و تبلیغات سوء و دروغ علیه نهضت و سران و فعالین آن از دست نداده‌اند. پس از سخنان آقای مهندس بازرگان در مجلس شورای اسلامی موضع‌گیری صریح و آشکار علیه نهضت آزادی تحت عنوان «هشدار به ملت قهرمان و دولت‌مردان جمهوری اسلامی ایران پیرامون تلاش مذبوحانه سلطنت‌طلبان» حملات و جوسازیه‌ها علیه نهضت آزادی توسط این گروه‌ها که از ماوراء مرزها پخش می‌گردد، تقریباً اکثرأ بخشی از برنامه خود را به سم‌پاشی و تبلیغات دروغ علیه نهضت اختصاص دادند. علاوه بر برنامه‌های رادیویی، نشریات وابسته به این گروه‌ها نیز مطالب سخیف و بی‌پایه‌ای علیه نهضت منتشر ساختند. برای تکمیل این مجموعه و نشان دادن سطح و محتوای حملات همه‌جانبه علیه نهضت، شاید خوب بود مقاله‌ای را که نشریه «ناسیونالیستها» ارگان سلطنت‌طلبان که در خارج از کشور در تاریخ ۱۸ مهرماه ۶۲ در این مورد نوشته است عیناً می‌آوریم، اما با عرض معذرت از

خوانندگان عزیز به خاطر لحن موهون آن صرفنظر می‌کنیم.

سیزده - نامه سرگشاده دکتر شیبانی و پاسخ به آن

بالاخره فرزند قدیم نهضت آزادی جناب دکتر عباس شیبانی طی نامه سرگشاده‌ای خطاب به آقای مهندس بازرگان که ابتدا در روزنامه جمهوری اسلامی ارگان حزب حاکم و سپس روزنامه‌های اطلاعات و صبح آزادگان منتشر شد مطالبی را درباره آقای مهندس بازرگان و نهضت آزادی عنوان نمودند. آقای مهندس بازرگان به این نامه جواب دادند که خوشبختانه در روزنامه‌های صبح آزادگان و جمهوری اسلامی و اطلاعات عیناً چاپ شد. اما دو روزنامه اخیرالذکر در کنار پاسخ آقای مهندس بازرگان مطالبی را مجدداً عنوان نمودند و به نهضت نسبت دادند که اولاً دور از رفتار و اخلاق اسلامی و برخلاف قانون مطبوعات است و ثانیاً ایراد این مطالب خود از مقوله القاء شبهه و تحریف بوده و طبق قانون مطبوعات قابل پاسخ دادن می‌باشد. اما به هر حال ما از اقدام این دو روزنامه استقبال می‌کنیم زیرا معتقدیم مردم که نامه آقای شیبانی و پاسخ آقای مهندس بازرگان و توضیحات و حواشی دو روزنامه را نیز می‌خوانند به خوبی می‌توانند قضاوت کنند. از این بابت هیچ نگرانی وجود ندارد.

۱۹- همدردی و اعتراضات به مسئولین

به دنبال حوادث حمله به دفتر نهضت آزادی و ضرب و شتم برادران ما و سپس فاجعه اسفانگیز مجلس در روز ۱۰ آبان ماه ۶۲ و بیانات مقامات مسئول مملکت، خصوصاً آقای هاشمی رفسنجانی در مجلس و در خطبه نماز جمعه ۱۳ آبان ماه، نامه‌های اعتراض‌آمیز و متعددی از جانب تعدادی از نمایندگان و برخی از اقشار مردم به آقای هاشمی رفسنجانی نوشته شد، که انشاءالله متن کامل آنها در فرصت دیگری منتشر خواهد شد.

اما روزنامه پیام هاجر، ارگان جامعه زنان انقلاب اسلامی ایران در شماره ۶۹ مورخه ۲۵ آبان ماه ۶۲ خود در رابطه با این حوادث سرمقاله‌ای تحت عنوان «حوادث مجلس و تذکری به مسئولین» نوشت که به شرح زیر می‌آوریم:

بسم الله الرحمن الرحيم

حوادثی که در روز سه‌شنبه دهم آبان ماه در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی گذشت، بار دیگر دل هر مسلمان مومن و دردمند و آگاه را که به انقلاب اسلامی و جمهوری پایبندند و آرزومند اعتلای اسلام و خواهان تحقق آرمانهای انقلاب می‌باشند، به سختی به درد آورد و باعث تأسف همگان شد. ما در اینجا بر آن نیستیم که وقایع‌نگاری کنیم و بگوییم که حادثه تأسف‌بار درگیری به هنگام نطق قبل از دستور یکی از نمایندگان چگونه آغاز شد و آغازگر چه کسی بود و چرا درگیری پیش آمد و چگونه پایان یافت و چه کلماتی رد و بدل شد و نقش ریاست مجلس چه بود، و... اصولاً کاری به این مسئله نداریم که در این درگیری چه کسی و یا چه کسانی مقصر بودند و بطور کلی نمی‌خواهیم درباره جناحهای درگیر قضاوت و داوری کنیم که همه اینها را به خداوند و محکمه عدل الهی و وجدان بیدار ملت مسلمان و آگاهان و تاریخ واگذار می‌کنیم آنچه اکنون برای ما مطرح است و سبب شده که فقط و فقط به عنوان انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر تذکراتی به مسئولین و به خصوص به نمایندگان محترم مجلس بدهیم. نفس حادثه

و حوادث مشابه آن است که متأسفانه تا کنون فراوان در گوشه و کنار مملکت دیده شده است. راقم این یادداشت که مسلمانی معتقد و حریص به صیانت و تحقق اسلام و آرزومند پیروزی جمهوری اسلامی بر تمامی شیاطین خارجی و داخلی است، خیرخواهانه، با تمام وجود و با تمام اخلاص و دلسوزی به شما مسئولین مملکتی و نمایندگان مجلس می‌گوید:

برادران، مجلس بالاترین مقام تصمیم‌گیری کشور و نیرومندترین مکان برای حل مشکلات عدیده مملکت است و لذا کسانی که به عنوان نمایندگان مردم در این مکان جمع می‌شوند باید از بهترین، مؤمن‌ترین، باتقواترین، آگاهترین، صابرترین، دلسوزترین باشند و از شرح صدر کامل و کافی برخوردار باشند و بر همین اساس و با توجه به همین شرایط قطعی بود که امام در روزهای اول افتتاح مجلس، نمایندگان را «عصاره فضائل ملت» خواندند. مجلس در همه جای دنیا دارای اهمیت و احترام خاصی است و در یک نظام اسلامی، آن هم نظامی که برآمده از متن یک انقلاب عظیم و خونین است، باید مجلس و فضای آن و نمایندگان آن از اهمیت و احترام بیشتری برخوردار باشند. چرا که در چنین مجلسی مسلمانان آگاه و معلمین اخلاق و مروجان شریعت جای دارند و لذا علاوه بر دیگر ویژگیها، مجلس اسلامی باید از حرمت اخلاقی نیز برخوردار باشد. و نیز بر همین اساس بود که در ماههای اول افتتاح مجلس، با اصرار فراوان، عنوان «مجلس شورای ملی» که در قانون اساسی آمده بود، تبدیل به «مجلس شورای اسلامی» شد و ماده تاریخی آن نیز «مظهر عدل علی» انتخاب گشت. و همه اینها این امید را به وجود آورد که دیگر «مجلس شورای ملی» نخواهیم داشت و ملت مسلمان ایران، پس از سالها و بلکه قرن‌ها، شاهد مجلسی اسلامی با تمام تبعات و ویژگیهای آن، به عنوان مظهر عدل علی خواهند بود. و البته هنوز هم مردم مسلمان و علاقمند با چنین دید و چنین توقعی به مجلس شورای اسلامی و نمایندگان آن نگاه می‌کنند. اما با صراحت و دردمندانه باید گفت که در طی این مدت بیش از سه سال، گاهی مسائلی و برخوردهایی لفظی و اخیراً فیزیکی پیش آمده است که مسلماً از مجلس شورای اسلامی و مظهر عدل علی (ع) و نمایندگان مسلمان و معلمان ایمان و اخلاق و تقوی، توقع نیست! چنین برخوردهایی قطعاً به سود هیچکس نیست و نخواهد بود. اگر مجلس ملوک و متهم شود از اعتبار و حرمت آن کاسته خواهد شد و اگر خدای نخواستہ حرمت آن شکسته شود، دیگر مجلس و نمایندگان آن نمی‌توانند نقش سیاسی و اجتماعی خود را در جامعه متحول ما ایفا کنند و به دنبال این تضعیف و بی‌حرمتی، مصوبات مجلس و تصمیمات قوه مقننه نیز اعتبار لازم را نخواهد داشت. برادران! مشهور است که حرمت امامزاده را باید متولی آن نگهدارد. قبل از دیگران، شما نمایندگان باید حرمت و اعتبار مجلس را حفظ کنید و اگر شما چنین نکردید از دیگران چه توقعی دارید؟ شما که عمدتاً سخنران و مبلغ اسلامی هستید و در مجلس و منبر و نمازهای جمعه و مساجد مردم را دعوت به ایمان، وحدت و تقوی، شرح صدر، گذشت و ایثار می‌کنید، چرا برخی از شما گاهی خلاف این دعوتها عمل می‌کنید؟ مگر امام صادق فرمود: دیگران را با عمل‌تان - نه زبانهایتان - به حق دعوت کنید؟ باور بفرمایید که: دوصد گفته چون نیم کردار نیست! اگر کسی هم همگام با «حافظ» بگوید که: مشکلی دارم ز دانشمند «مجلس» باز پرس توبه‌فرمایان چرا خود توبه کمتر می‌کنند؟ چه پاسخی دارید؟ دشمن که پرونده قطوری برای روحانیت و جمهوری اسلامی آماده کرده است، چرا شما بر صفحات آن می‌افزایید؟ نمایندگان محترم شما قبل از همه و بیش از دیگران باید به قانون اساسی و ارزشهای اسلامی و آئین‌نامه

داخلی مجلس - که مخصوص شماسست - احترام بگذارید، اگر احیاناً فکری، نظری، عملی مطابق میل و سلیقه شما نبود و حتی اندیشه‌ای و یا عملی حق نبود، راهی جز عمل و پایبندی به قانون و مقررات قانونی نیست. قانون اساسی در اصل نهم آن آزادی و استقلال را دو جزء لاینفک جمهوری اسلامی دانسته که هیچکدام نباید فدای دیگری شود و اصل ۸۴ هر نماینده را در برابر تمام ملت مسئول دانسته و حق اظهارنظر در تمام مسائل داخلی و خارجی را به او داده است و اصل ۸۶ نماینده را در ایفای وظایف نمایندگی "کاملاً" از نظر "رای" و اظهارنظر آزاد گذاشته است.

آئین‌نامه داخلی مجلس نیز مسئولیت نطق‌های قبل از دستور نمایندگان را به عهده خود آنها گذاشته است و اگر ناطقی از چهارچوب قانونی‌اش خارج شد، فقط رئیس مجلس است که مطابق اختیاراتش حق دخالت و اجرای قانون را دارد و اگر این روند قانونی طی شود و همه به آن پایبند باشند، دلیلی ندارد که برخوردهای زشت و غیراخلاقی و اهانت‌آمیز پیش آید و چهره مجلس را نازیبا کند. در سطح جامعه نیز یکی از مصائب و مشکلات مهم سیاسی و اجتماعی که گرفتاریهای فراوانی برای انقلاب و دولت به وجود آورده همین است که عده‌ای غیرمسئول با سوء استفاده از عنوان مقدس «حزب‌الله» همواره به اماکن و اشخاص مختلف هجوم برده، به بهانه دفاع از انقلاب و اسلام و مبارزه با آمریکا و... هر چه دلشان خواسته کرده‌اند و متأسفانه نه تنها از این حرکت‌های غیرقانونی و احیاناً ضد ارزش‌های صریح و آشکار اسلامی جلوگیری جدی صورت نگرفته، بلکه گاهی مستقیم یا غیرمستقیم اینگونه اعمال به وسیله مسئولین رسمی کشور که باید سخت مجری قانون باشند، توجیه شده و در نهایت لباس مشروعیت بر اندام زشت آن حرکات پوشانیده شده است - مانند سخن رئیس مجلس در نماز جمعه ۶۲/۸/۱۳ تهران مبنی بر اینکه ما نمی‌توانیم به مردم زور بگوییم و... راستی خیلی عجیب است آیا مدافعان و معتقدان جمهوری اسلامی هر عملی انجام بدهند از هر طریقی ولو خلاف قانون و خلاف شرع مانند: هجوم، زدن، فحاشی و هتاک، اتلاف مال دیگران و... و... بخواهند مخالفان را سرکوب کنند مجازند؟ آیا قانون فقط دهان‌بند مخالفان است؟ اگر «حزب‌الله» قانون‌شکنی کرد و آبروی جمهوری اسلامی را در خطر انداخت نباید مجازات شود و اگر جلو آنان گرفته شود زورگویی است؟ اگر این زورگویی است پس عمل آنان چه نام دارد؟ روشن است که هدف، دفاع از مخالفان و متخلفان و احیاناً منحرفان نیست و اصولاً انحراف و یا عدم انحراف در اینجا مطرح نیست. تمام سخن این است که جلو یک فرد متخلف و منحرف و همچنین دسته و جمعیت منحرف را چه کسی باید بگیرد؟ چند نفری به نام مردم یا قانون و مقامات قانونی؟ اگر بنا شود با وجود ارگانهای قانونی و نیروهای انتظامی عده‌ای - ولو صددرصد حق باشند - بخواهند مستقیماً عمل کنند پس اینهمه دستگاه‌های عریض و طویل اجرایی و انتظامی برای چیست؟ اگر در همین ماجرای روز جمعه ۶۲/۸/۶ در خیابان استاد مطهری، افراد غیرمسئول در این کار دخالت نمی‌کردند، حوادث بعدی مانند حادثه مجلس اتفاق نمی‌افتاد و این همه ضایعه اخلاقی و معنوی پیش نمی‌آمد. از حق نباید گذشت که تا زمانی که در خود مجلس - محل قانونگذاری - قانون اساسی و مقررات داخلی مجلس به وسیله برخی شکسته می‌شود از عده‌ای در خارج مجلس توقع حرمت قانون نمی‌توان داشت! به هر حال، نمایندگان ارجمند، مسئولین اجرائی و قضائی کشور! یکی از راههای مشخص حفظ ثبات داخلی و امنیت و وحدت کشور، اجرای دقیق قانون و اقامه قاطع عدل و داد است. با تحقیق این آرمان، آمریکا و دیگر دشمنان خارجی و داخلی انقلاب اسلامی

نیز مأیوس خواهند شد. در اینصورت دوستان امیدوار و دشمنان ناامید می‌گردند. آیا حقیقت را کسی منکر است که دشمنان همیشه با دست دوستان بی‌توجه، یک جمعیت و یا یک انقلابی را شکست می‌دهند؟
شیشه نزدیکتر از سنگ ندارد خویشی هر شکستی که به انسان برسد از خویش است

۲۰- چند کلمه با خوانندگان

خوانندگان عزیز!

آنچه در این مجموعه مطالعه نمودید داستان تأسفات‌انگیزی است که قربانیان آن نه نهضت آزادی ایران بلکه آزادی و قانون اساسی می‌باشند و بعضی قهرمانان آن نه گروهی «مردم» مسلح بلکه کسانی هستند که برای حفظ و صیانت قانون اساسی و جمهوری اسلامی سوگند یاد نموده و علاوه بر آن ادعای حراست از اسلام و قوانین الهی را یدک می‌کشند.

تأمین آزادی انتخابات به طور اخص و تأمین آزادی به طور اعم بدان دلیل مورد درخواست نهضت آزادی ایران است که سعادت آینده ملت، بقای جمهوری اسلامی و مشروعیت مجلس آینده را در گرو تأمین آزادی انتخابات و انسانیت انسان و «خلقاً آخر» یا آفریده ویژه بودن وی را مرهون آزادی او می‌داند. و از این رو کسانی را که به بهانه حفظ انقلاب، امام و اسلام به خود اجازه بدهند جو خفقان را حاکم کنند خادم به اسلام، جمهوری اسلامی و انسانیت نمی‌شمرد. آری همانطور که در آغاز این مجموعه آمده است رسول امی که پیروی وی مستوجب بشارت رحمت الهی است تابعان خود را از بندها رهائی بخشیده آزاد می‌سازد و بارهای سنگین انسان ساخته را از دوش آنان برمی‌گیرد. حال اگر کسانی گمان برند که می‌توانند با بندهای تازه‌ای سعادت را به انسان بازگردانند، آیا با چنین گمانی خواهند توانست ادعای پیروی از آئین محمدی را داشته باشند؟ آیا در قرآن نخوانده‌اند که پیروی از سنت پیامبر و استجاب دعوت او است که انسان را زنده نگه داشته وی را از هواهای نفسانی به دور می‌سازد؟ آیا کسانی که در این میدان بی‌طرفی گزیده به امید فرا رسیدن آزادی بی‌رنج نشسته‌اند نگران آن نیستند که فتنه‌ای که از خفقان و آزادی‌کشی برخیزد دایره خسارتش به گروه ستمکاران محدود نبوده و بی‌تفاوتان را نیز در آتش خود خواهد سوخت؟ و آیا آنان که با انحصارگری درصددند تنها پیروان خود را برسرنوشت جامعه حاکم سازند روزهای گذشته را فراموش نموده‌اند که در گوشه حجرات و احیاناً زندانها با نگرانی زندگی می‌کردند و تنها در سایه وحدت توانستند طاغوت زمان را به زانو درآورده تأیید الهی و نصرت وی را دریافت دارند؟ آیا شکر این نعمت آن نیست که از فرقه‌فرقه کردن بندگان خدا پرهیز نموده وحدت قشرهای مختلف جمهوری اسلامی را حفظ کنند. و بالاخره آیا دولتمردان فراموش نموده‌اند که حکومت امانتی است که از طرف مردم به آنان واگذار شده و خدا و رسول وی ما را از خیانت در امانت برحذر داشته‌اند؟
چه بهتر که به منظور حسن ختام آیاتی از سوره انفال را که به نحوی با مطالب فوق مربوط می‌شوند نگاشته از خدای بزرگ بخواهیم ما را توفیق دهد تا شکر نعمت انقلاب را ادا نموده، استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی را گرامی داشته و کاری کنیم که انجام کار او خشنود باشد و ما رستگار.
اینک آیات:

یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم واعلموا ان الله یحول بین المرء و قلبه و انه الیه تحشرون. واتقوا فتنه لاتصیب الذین ظلموا منکم خاصه واعلموا ان الله شدیدالعقاب. واذکروا انتم قلیل مستضعفون فی الارض تخافون ان یتخطفکم الناس فاویکم و ایدکم بنصره و رزقکم من الطیبات لعلکم تشکرون یا ایها الذین امنوا لاتخونوا الله و الرسول و تخونوا اماناتکم و انتم تعلمون.

(ای اهل ایمان چون خدا و رسول شما را به چیزی که زندهتان می‌سازد دعوت کنند اجابت کنید و بدانید که خدا در میان شخص و قلب او حائل است (از اسرار درونی همه آگاه است) و همه به سوی او محشور خواهید شد و بترسید از بلائی که چون آید تنها مخصوص ستمکاران شما نباشد (بلکه ظالمان و مظلومان همه را فراگیرد، ظالمان را به کیفر ظلم و ستم و مظلومان را به کیفر ترک امر به معروف و نهی از منکر) و بدانید که عقاب خدا بسیار سخت است و ای مؤمنان به یاد آرید زمانی را که عده قلیلی در میان دشمنان بسیار بودید که شما را ضعیف و خوار در زمین می‌شمردند و از هجوم (دشمنان) بر خود ترسان بودید. سپس خدا شما را در پناه خود آورد و به یاری خود نیرومندی و نصرت به شما عطا کرد و از بهترین غنائم و طعامها روزی فرمود. باشد که شکر نعمتش به جا آورید. ای کسانی که ایمان آوردید زنهار در کار دین با خدا و رسول خیانت نکنید و در کار دنیا با یکدیگر خیانت مورزید در صورتیکه شما (زشتی خیانت را به خوبی می‌دانید). (انفال آیات ۲۸-۲۵)

نهضت آزادی ایران

آذر ماه ۱۳۶۲